نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال دوازدهم – شماره ۵۵۸ – یک شنبه ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۸ – ۸ صفحه – ۲۵۰ تومان

در مراسم افتتاح ساختمان جدید خانه مطبوعات استان بوشهر :

روزنامه نگاران بوشهری هویت روزنامه نگاری و استقلال خود را حفظ خواهند

صفحه۲

شاهین باخت چون حرفه ای گری بلد نبود

صفحه۸

رئیس سازمان نظام پزشکی استان بوشهر:

باید پزشکان را برای خدمت در بوشهر، دلگرم نمود



صفحه۵

کاوه دائمی تهرانیان آهنگساز و نوازنده‌ی سنتور:

در این وضعیت جرأت نمی کنم کنسرت برگزار کنم!



صفحه٤

عبدالمحمد شیخ ابولی آزاده سرافراز بوشهری:

گرچه شیر در غل و زنجیر بود...



صفحه۳

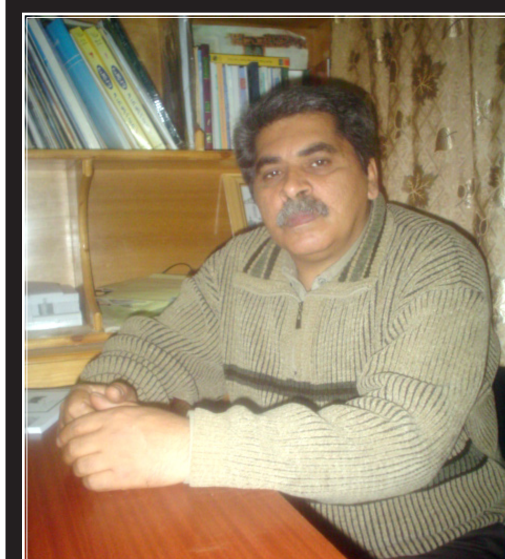


فصل صید میگو در بوشهر — عکس از عباس حیدری

کللی فرد سرمربی شاهین بوشهر:

مردم بوشهر باید صبور باشند، تیم شاهین در ابتدای راه لیگ برتر است

درگذشت تاثر انگیز و نابهنگام، نویسنده ای متعهد و انسانی وآراسته شادروان قاسم مهدی زاده را به خانواده محترمشان، جامعه مطبوعاتی و اهل قلم تسلیت عرض می نماییم.



او که سالها با نوشتن مقاله در نسیم جنوب، سعی در آگاهی رسانی به جامعه داشت و موشکافانه به پیگیری مسایل مربوط به مردم می پرداخت و امیدوارانه قلم می زد و فردایی بهتر را در قلم خود نوید می داد. سفر نابهنگام این همراه و یاور قدیمی، مایه تاسف و سوگ نویسندگان، خبرنگاران و دست اندرکاران نسیم جنوب شد. از خداوند منان برای آن عزیز سفر کرده، غفران ابدی و برای بازماندگان صبر بر این مصیبت را خواستاریم. (هفته نامه نسیم جنوب)

سپاس و تشکر

بدین وسیله از همه عزیزان و بزرگواران، همشهریان و هم استانی های گرامی وارجمند به ویژه معاون محترم برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور و همکاران ارجمند معاونت، استاندار محترم بوشهر، معاون محترم برنامه ریزی استاندار و همکاران گرامی معاونت برنامه ریزی، فرماندار محترم بوشهر، نماینده محترم مردم بوشهر در مجلس شورای اسلامی، مدیران کل و روسای محترم سازمان ها، شرکت ها و بانک های استان، مجمع و اتحادیه های امور صنفی، اعضای محترم شورای شهر بوشهر، مدیریت و همکاران محترم حوزه هنری، مدیریت و همکاران محترم صدا و سمای مرکز بوشهر، اعضای محترم هیئت امنا و هیئت مدیره باشگاه های فرهنگی ورزشی شاهین و ایرانجوان، اعضاء محترم انجمن مداحان استان، ذاکرین ابا عبدالله، کانون بازنشستگان آموزش و پرورش، معاونین محترم برنامه ریزی و مدیران کل محترم بودجه استانداری های سراسر کشور، رییس محترم دفتر مناطق محروم کشور، مدیریت و کارکنان محترم سازمان صنایع و معادن استان، جامعه فرهنگیان گرامی استان، انجمن دوستی محلات باغ ملا و باغ شیخ ابول، اهالی محترم کوی شنبدی، دهدشتی، بهبهانی، کوتی و اهالی صمیمی و گرانقدر کوی باغ زهرا که از زمان وقوع مصیبت در مراسم تشییع، تدفین، ختم، یادبود و شب هفت عزیز از دست رفته مداح اهل بیت زنده یاد باقر آرامی، به صورت حضوری، تماس تلفنی، ارسال فاکس، توزیع اعلامیه، نصب بنر و پلاکارد و پارچه نویسی با ما اظهار همدردی نموده و موجب تسلی خاطرمان گردیده اند نهایت تشکر و قدردانی خود را اعلام می داریم.

برای همه گرامیان عمر طولانی توأم با سلامتی و توفیق را از درگاه خداوند بزرگ مسئلت داریم.

خانواده های آرامی، پوربهی و فامیل های وابسته

جناب آقای عادل فقیه نسب

درگذشت پدر بزرگوارتان را به شما و خانواده گرامی تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبری جزیل خواستارم.

حاج حسین دهار – هتل سیراف

قابل توجه کارگران شرکت نوین مبنا

مستند به ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران انتخابات انجمن صنفی کارگری شرکت تولیدی بازرگانی مهندسی نوین مبنا در مورخ ۸۸/٦/۱۰ روز سه شنبه ساعت ۹ صبح در محل شرکت برگزار می گردد از کارگرانی که مایل به عضویت در هیئت مدیره و بازرسین می باشند تقاضای خود را تحویل هیئت موسس نمایند.

هیئت موسس انجمن صنفی کارگران شرکت تولیدی بازرگانی مهندسی نوین مبنا بوشهر

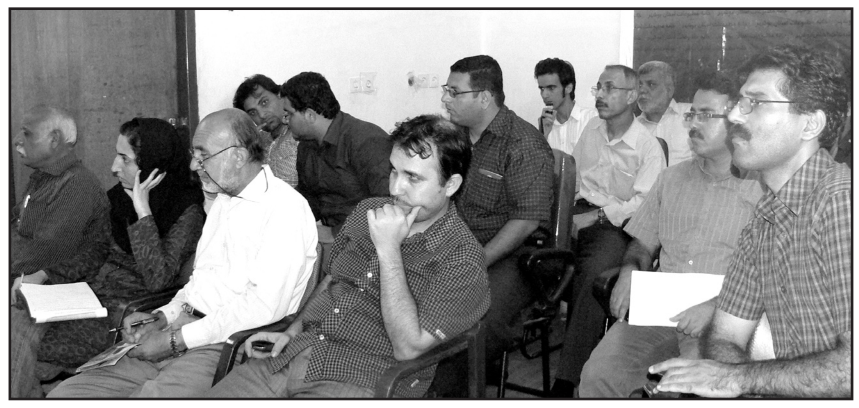
قابل توجه پرسنل شرکت جنوب ساحل کیان پیمانکار شهرداری بوشهر

به استناد ماده ۱۳۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران انجمن صنفی کارگری شرکت جنوب ساحل کیان مستقر در شهرداری بوشهر در شرف تأسیس می باشد از کلیه کارکنان که مایل به عضویت در این انجمن می باشند در خواست می شود تقاضای خود را تحویل هیئت موسس نمایند.

هیئت موسس انجمن صنفی کارگری شرکت خدماتی جنوب ساحل کیان

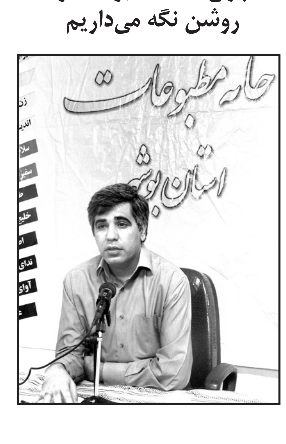
در مراسم افتتاح ساختمان جدید خانه مطبوعات استان بوشهر مطرح شد:

روزنامه نگاران بوشهری هویت روزنامه نگاری و استقلال خود را حفظ خواهند کرد



عبدالکریم شیخی شتان: مراسم افتتاحیه ساختمان جدید خانه مطبوعات استان بوشهر با حضور جمع کثیری از خبرنگاران و روزنامه نگاران استان برگزار شد.

یونس قیصی زاده رئیس خانه مطبوعات بوشهر: چراغ خانه مطبوعات را روشن نگه می‌داریم



فضای نا امنی که در عرصه رسانه در سطح کشور پیش آمده، باعث سختی و زحمت روزنامه نگاران و همکاران ما شد.

دقیقاً در روز خبرنگار به ما نامه دادند و مستلزم کردند تا عمارت گلشن را تخلیه و به جای دیگری برویم و این هدیه‌ای بود که در این روز به خبرنگاران و روزنامه نگاران بوشهری دادند.

ما برای اهدافی که داریم ایستاده‌ایم و با توجه به مشکلاتی که وجود دارد، سعی خواهیم کرد چراغ خانه مطبوعات را روشن نگه داریم.

یکی از کارکردهای خانه مطبوعات استان بوشهر در طی این سال ها این بوده که هویت روزنامه نگاری را میان مطبوعاتی ها حفظ کرده است.

نمایندگان دولت و در رأس آن مدیرکل ارشاد بوشهر برای مقابله با یک نهاد صنفی که تنها جرمش مستقل بودن است، از هرگونه ایجاد مشکلی کوتاهی نمی کند. به نظر می رسد تنها دغدغه و مشکل مدیرکل ارشاد بوشهر، مقابله و تعطیلی این سازمان مردم نهاد است که با تلاش و همکاری مدیران نشریات استان تشکیل شده است. اگر این مدیر به جای این که تمام وقت خود را جهت مقابله با مطبوعات و نشریات محلی استان بوشهر می‌گذاشت، زمان را برای فعالیت‌های امور فرهنگی گذاشته بود می‌توانست خدماتی در خور مردم این استان صورت دهد.

آخرین اقدام بر علیه خانه مطبوعات، حکم تخلیه محل دفتر خانه مطبوعات بود که همزمان با ۱۷ مرداد ماه روز خبرنگار به اهالی مطبوعات استان هدیه داده شد.

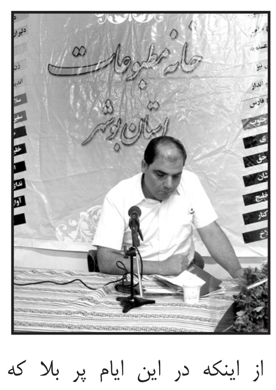
هنگامی که خبرنگاران و مطبوعات بوشهر با چنین برخوردهایی روبرو می‌شوند، چگونه می‌توانند زبان گویا مردم باشند.

افزایش توان علمی روزنامه نگاران استان و بالابردن سطح دانش روزنامه نگاران بوشهری در فعالیت‌های تخصصی خود از مهمترین برنامه های این خانه در قالب کلاسهای آموزش بوده است.

خانه مطبوعات حمایت از همه هفته نامه‌های استان را وظیفه خود می‌داند و دیدگاه‌های سیاسی و جناحی آن‌ها تأثیری در این حمایت نداشته و نخواهد داشت.

نوع تفکر و دیگاه سیاسی افراد و نشریات بوشهر در این نهاد صنفی قابل احترام است، اما هیچ گاه از اقدامات سیاسی در این خانه صورت نگرفته است.

سیروس بنه گزی عضو هیئت رئیسه خانه مطبوعات بوشهر: نانم را که پی در پی می‌برند، بگذار نایم را هم به تیغ ببرند



از اینکه در این ایام پر بلا که انسانیت را با خس و خاشاک اشتباه گرفته‌اند و می‌زنند و جارو می‌کنند و می‌برند وگاها برنمی‌گردانند؛ دور هم جمعیم مایه دلگرمی است.

در سالروز انقلاب مشروطه و روز خبرنگار به یاد روزنامه نگار شهید مشروطه "ملک المتکلمین" و به پاسداشت روزنامه نگاران دربند، تقاضای یک دقیقه سکوت اعتراضی به وضع موجود را دارم.

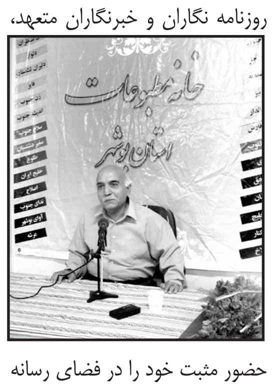
گفتند امروز ۵ دقیقه صحبت کن، گفتم زبانم سرم را بر باد می‌دهد. گفتم چه باک، نانم را که بی‌رحمانه پی در پی می‌برند، بگذار نایم را هم به تیغ ببرند تا که از این بیشتر در مقابل چشمان نگران نان فرزندانم شرمنده نباشم.

دوستان و همکاران در وضعیت جدیدی که برای خانه مطبوعات بوشهر پیش آمده و با صدور التیماتوم از سوی نهادهای قدرت این نهاد صنفی ناچار به ترک محل سابق خود شد، من نوعی هم خوشحالم و هم نگران. خوشحال از اینکه بالاخره کار NGO ای می‌طلبد که نهادهای مردم محور مستقل از حاکمیت تصمیم بگیرد و نهاد واسطه‌ای باشد، برای ارتباط حوزه خصوصی که اقشار مختلف مردمند با حوزه عمومی که دولت است و در این راه اگر که خانه مطبوعات بتواند با پشتوانه حمایت اعضاء و بدون کمک‌های دولتی به حیات خود ادامه دهد، بهتر می‌تواند صدای حوزه خصوصی را به حوزه عمومی انتقال دهد که این رسالت روزنامه نگار و خبرنگار را تکمیل می‌سازد و آزرده‌ام بدین خاطر که از یک مکان متعلق به میراث به عنوان نهادی فرهنگی، بیرون‌مان می‌سازند و نهادی نظامی را جایگزین‌مان می‌کنند و از امروز باید بیشتر نگران بر باد دادن میراث کهنمان باشیم.

بنابراین در این وضعیت پیش آمده از همه همکاران عاجزانه می‌خواهم آستین همت را بالا زده و برای ادامه حیات خانه مطبوعات در موقعیت سخت و سیاه جدید هر کس به هر مقدار توان مالی دارد تعهد پرداخت شهریه را برای اعتلای این خانه در نظر بگیرد.

حسین حشمتی نویسنده و مدیر داخلی خانه مطبوعات بوشهر: برخی افراد جفا می‌کنند و با نگاه سیاسی به موضوعات می‌نگرند

همانگونه که طی این سال ها به طور فعالانه فعالیت خود را انجام داده ایم، از این پس نیز با همراهی روزنامه نگاران و خبرنگاران متعهد،



حضور مثبت خود را در فضای رسانه ای برای دفاع ار حقوق مردم نشان خواهیم داد. دیدگاه خانه مطبوعات استان یک دیدگاه صنفی است، اما متأسفانه برخی افراد جفا می‌کنند و با نگاه سیاسی به موضوعات می‌نگرند.

علی احمدی – مدیرمسئول خلیج فارس: رسانه‌های استان وضعیت بسیار اسفباری دارند

در دورانی قرار داریم که دوران خوبی



نیست، دلیل آن هم برمی‌گردد به کسی که هدایت فرهنگ را عهده دار است. در اواخر دوره نخست ریاست جمهوری احمدی نژاد رسانه‌های استان وضعیت بسیار اسفباری دارند. در فضائی که از سر تا ضل آن برای مطبوعات شمشیر تیز کرده اند، از خانه مطبوعات استان انتظار می‌رود از روزنامه نگاران و خبرنگاران حمایت کند.

جمالی مدیر میثاق منتظران: باید کمال ادب و رفتار را در این مجموعه حفظ نمائیم

جهت گیری و ماندگاری هر رفتار

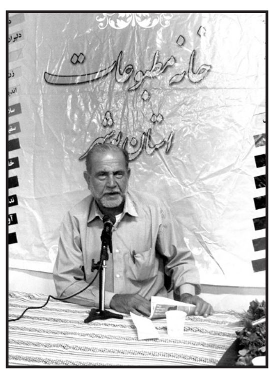


و هر اندیشه با رفتاری که می‌کند، ماندگار خواهد شد.آن قلم و اندیشه که عرضه می کند می‌تواند باعث ماندگاری شود، اما مطلبی که با رفتار تحمیلی صورت گیرد ماندگار نخواهد بود و برای جامعه بی ارزش است.ما باید کمال ادب و رفتار را در مجموعه خانه مطبوعات را حفظ نمائیم.

در مطبوعات استان بوشهر لزوم پرداختن به محتوا بخشیدن مطالب دیده می شود.

اسکندر احمدنیا، نویسنده : پیشنهاد اشتراک نشریات برای کمک به آنها

ما باید سعی کنیم خانه مطبوعات بوشهر را حفظ کنیم و در این شرایط که مطبوعات بوشهر زیر فشار قرار گرفته اند، خانه مطبوعات بیشترین حمایت را از آنها کرده است و در شرایط کنونی که سهمیه کاغذ مطبوعات منتقد از سوی ارشاد قطع شده و اداره ارشاد بوشهر، آنان را از لحاظ آگهی نیز زیر فشار قرار می دهد من پیشنهاد می کنم که مردم با اشتراک این نشریات، نگذارند تا آنها



تعطیل شوند و بدینوسیله به کمک آنها بیایند تا بتوانند به طور مستقل به انتشار خود ادامه دهند.

در این جلسه همچنین خلیل موحد، رضایی طرهانی، حسین شاکری، خلیل مرادزاده، عرفان و محبوبی، سخنانی ایراد نمودند.

شایان ذکر است در پایان این مراسم گروه موسیقی "حق پرست" با اجرای موسیقی دلنشین، گرمی بخش این محفل بود.



بر روی خط رسمی سیاست

ناگفته‌هایی از شهید بهشتی درباره میرحسین موسوی

به دنبال انتشار برخی مطالب در روزنامه و رسانه‌های حمایت‌کننده از احمدی‌نژاد در رابطه با مخالفت برخی افراد سیاسی با مهندس موسوی، هنگامی که او به عنوان وزیر امور خارجه توسط شهید رجایی به مجلس معرفی شده بود؛ حجت‌الاسلام مسیح مهاجری عضو شورای مرکزی حزب جمهوری در آن سال‌ها، مسیح مهاجری در گفت‌وگو با سایت خبری «آینده» از اظهارنظر صریح شهید بهشتی در آخرین ساعات حیاتش در این باره سخن گفت. عضو شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در این باره گفت: در جلسه شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی که روز هفتم تیر سال ۱۳۶۰ چند ساعت قبل از انفجار مقر حزب جمهوری اسلامی برگزارشد، موضوع پیشنهاد شدن مهندس موسوی به عنوان وزیر خارجه دولت شهید رجایی مطرح شد که آقای آیت با مهندس موسوی مخالفت کرد و گفت که در مجلس علیه تصدی وزارت خارجه توسط مهندس موسوی سخنرانی می‌کند. مدیر مسئول روزنامه جمهوری اسلامی افزود: آیت ا.. بهشتی در پاسخ به این موضع آقای دکتر آیت، با تاکید بر پایبندی به چارچوب حزب گفت؛ وقتی موضع حزب حمایت از فردی است شما به عنوان عضو شورای مرکزی نباید و نمی توانید به صورت علنی با این تصمیم مخالفت کنید، و حداکثر می‌توانید یک رای خود را در مجلس به آقای موسوی ندهید، اما نمی توانید به عنوان عضو شورای مرکزی حزب با وزیر پیشنهادی مورد حمایت حزب مخالفت کنید. وی در خاتمه گفت: البته چند ساعت بعد از این جلسه در فاجعه انفجار حزب جمهوری اسلامی، آیت الله بهشتی که دبیر کل و از موسسین حزب بود، به شهادت رسید و یک هفته پس از آن در جلسه بررسی رای اعتماد کابینه، آقای آیت بر خلاف نظر شهید بهشتی در مخالفت با مهندس موسوی سخنرانی کرد.

محسن رضایی: اگر گزارش تخلف ماموران زندانها صحیح باشد باید عزای ملی اعلام شود

به گزارش خبرگزاری مهر، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در دیدار با جمعیت حقوقدانان دفاع از حقوق بشر، گفت: اگر در جمهوری اسلامی توسط یکی از ماموران عمل خلاف حیثیت و اخلاق صورت گیرد، باید عزای ملی اعلام شود چه برسد به اینکه اعمال خلاف اخلاق علیه تعدادی از جوانان کشور صورت گرفته باشد .

دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: اگر گزارشات درباره بدرفتاری با مردم در خیابان ها و زندان ها درست باشد، تمامی مقاماتی که مسئول هستند حداقل باید عزل و به دست دادگاه سپرده شوند.

وی اضافه کرد: اگر در جمهوری اسلامی توسط یکی از ماموران عمل خلاف حیثیت و اخلاق صورت گیرد، باید عزای ملی اعلام شود چه برسد به اینکه اعمال شنیع علیه تعدادی از جوانان کشور صورت گرفته باشد زیرا که سرمایه اصلی انقلاب و جمهوری اسلامی ، دستیابی به اخلاق و ارزشهای انسانی و اسلامی در اداره کشور بوده است.

انتقاد علیخانی از تخریب هاشمی، خاتمی، موسوی و کروبی

به گزارش خبرگزاری ایلنا، عضو فراکسیون خط امام(ره) با تقدیر از سخنان لاریجانی در واکنش به اهانت یکی از نمایندگان حامی دولت به مهدی کروبی گفت: خوشبختانه رئیس مجلس با برخوردی متین و وزین در مقابل این اهانت‌ها ایستادگی کردند.

قدرت‌الله علیخانی نماینده قزوین با اشاره به واکنش شدید محمدرضا خباز و ذوالقدر در مقابل اظهارات اهانت‌آمیز مهدی کوچک‌زاده خاطرنشان کرد: گویا برخی فراموش کرده‌اند که آقای کروبی دو دوره رئیس مجلس بوده و از شخصیت‌های سابقه‌دار انقلاب است.

وی از کروبی به عنوان یک چهره روحانی و سیاسی برجسته که وجهه‌ای جهانی دارد، یاد کرد و افزود: متاسفانه طی سال‌های اخیر اهانت به شخصیت‌های نظام اعم از اصلاح‌طلب و اصولگرا، از سوی برخی افراد صورت گرفته است تا جایی که شخصیت‌های برجسته‌ای همچون آقایان هاشمی‌رفسنجانی، خاتمی، موسوی و کروبی را مورد هجمه قرار داده و حتی اخیرا سایت رجانیوز در اخبار خود به آقایان لاریجانی و توکلی که از چهره‌های اصولگرا هستند نیز حمله می‌کنند.

عضو فراکسیون خط امام(ره) اهانت‌هایی از این دست را فاجعه‌ای دانست که باید هرچه زودتر جلوی آن گرفته شود. وی افزود: اگر از روز اول از این فتنه‌ها جلوگیری می‌شد، امروز شاهد زیر سوال رفتن شخصیت‌های خدوم پس از انتخابات نبودیم.

صدا و سیما اسراییل را به رسمیت شناخت!

به گزارش خبرگزاری ایرنا، صدا و سیما در اقدامی بی سابقه طی گزارشی درباره حضور زنان در پست های مدیریتی، تصویر کابینه رژیم صهیونیستی را به عنوان یکی از دولتهایی که حضور زنان در آن طبیعی است، پخش کرد.بخش خبری ساعت ۲۱ در گزارشی با عنوان "وزیر زن؟" تصویر "تیزبی لیونی" وزیر خارجه سابق رژیم کابینه در کنار "اولمرت" را برای لحظاتی به نمایش گذاشت. بنا بر این گزارش، به صورت دقیق، در هنگام پخش تصویر کابینه رژیم صهیونیستی که در کنار تصویر حضور زنان در چند دولت غربی به نمایش در آمد، گزارشگر واحد مرکزی خبر بیان می کرد: "انتخاب وزیر زن امری عادی و جا افتاده در دولتهای دنیا است".

بر روی خط رسمی سیاست

خبری که سایت حامی دولت لو داد : تبریک لاریجانی به میرحسین

یک سایت اینترنتی حامی دولت احمدی‌نژاد با هدف تخریب علی لاریجانی از خبری پرده برداشت. سایت اینترنتی رجانیوز نوشت که لاریجانی بعدازظهر روز انتخابات تلفنی به میرحسین موسوی تبریک گفته و او را پیروز انتخابات دانسته است. براساس این خبر «رجا» به نقل از یک نماینده مجلس که نامش گفته نشده نوشت: «... کاری که ایشان بعدازظهر روز اخذ رای کرد و تلفنی به موسوی به بهانه حتمی شدن ریاست‌جمهوریش تبریک گفت قابل گذشت نیست. زیرا او از جایگاه رئیس یک قوه و به عنوان کسی که قاعدتا به اطلاعات و اخبار دست اول و محرمانه دسترسی دارد؛ به موسوی آن هم قبل از پایان رای‌گیری تبریک گفته است.» این حمله به لاریجانی به آن دلیل صورت می‌گیرد که طیف اکثریت مجلس و در راس آن لاریجانی به احمدی‌نژاد برای معرفی کابینه‌ای که ضعیف‌تر از قبل نباشد فشار می‌آورد. این اتفاق ظاهرا خشم حامیان دولت را برانگیخته است.

١٦دانشجو در اوین زندانی هستند

خبرگزاری ایلنا گزارش داد که یکی از اعضای کمیته ویژه بررسی وضعیت بازداشت‌شدگان اخیر با اشاره به تلاش‌های این کمیته برای دریافت اطلاعات دقیق در مورد وضعیت دانشجویان و دانشگاهیان در بند گفت: براساس اطلاعاتی که به ما رسیده است، ۱۶ دانشجو همچنان پس از وقایع اخیر در بازداشت به سر می‌برند. حسن دوگانی با بیان این‌که دیگر دانشجویان بازداشت شده طی هفته‌های اخیر آزاد شده‌اند افزود: براساس اطلاعاتی که به ما داده‌اند، در حال حاضر اساتید هیچ‌یک از دانشگاه‌ها در زندان نیستند. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس با بیان این‌که ۱۶ دانشجوی در بند در اوین نگهداری می‌شوند، افزود: لیست اسامی این دانشجویان به آقای بروجردی رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی داده شده است.

علیرضا بهشتی: لیست ٦٩ نفره کشته‌ها به مجلس تحویل شد

به نوشته روزنامه حیات نو، نماینده میرحسین موسوی، نامزد معترض انتخابات ایران، گفت: فهرستی شامل نام ۶۹ نفر از کسانی که در خشونت‌های پس از انتخابات کشته شده‌اند به مجلس ارائه کرده است. این بیش از دو برابر آماری است که تاکنون از سوی دولت اعلام شده است. علیرضا حسینی بهشتی نماینده آقای موسوی در هیئت ویژه آسیب‌دیدگان حوادث اخیر گفت: فهرستی ۶۹ نفره از جان باختگان و حدود ۲۲۰ نفره از بازداشت شدگان پس از انتخابات تقدیم کمیته ویژه مجلس شد. حسینی بهشتی گفت: این جلسه در مجلس شورای اسلامی و به ریاست علاءالدین بروجردی برگزار شد. او به مجلس پیشنهاد کرد در صورت صلاحدید فراخوانی داده شود تا خانواده‌ها از اتفاقات رخ داده برای عزیزانشان به کمیته مامور شده از سوی مجلس گزارش دهند و اطمینان داده شود که مشکلی برای آنها پیش نمی‌آید. بسیاری از خانواده‌های قربانیان می‌گویند که حتی از برگزاری مراسم ترحیم برای عزیزانشان بازداشته شده‌اند.

آیت‌الله العظمی زنجانی: اقرار با ضرب و شتم اثر شرعی ندارد

به نوشته روزنامه اعتمادملی، آیت‌الله العظمی سیدمحمد عزالدین حسینی‌زنجانی، از مراجع تقلید ساکن مشهد در پاسخ به استفتا یکی از مقلدان اعتراف از روی اکراه را فاقد «اثر شرعی» دانست. همچنین یادآورد شد که در مناظره‌های انتخاباتی امسال حدود شرعی رعایت نشده است. متن استفتا از آیت‌الله العظمی عزالدین‌حسینی‌زنجانی به این شرح است: «پس از انتخابات مسائلی پیش آمد که شرعی‌بودن آن مسائل در میان مردم مورد سوال است، مستدعی است حکم شرعی دو مساله زیر را بیان فرمایید: الف ـ اقرار از نظر شرعی با چه شرایطی نافذاست و انکار بعد از اقرار چه حکمی دارد. ب ـ مناظرات برای اولین‌بار در صداوسیما برگزار شد؛ در مناظرات شرعا صحیح است طرف مقابل را متهم ساخت و اگر چنین عملی صورت پذیرد، حکمش چیست؟» این مرجع تقلید در پاسخ به سوال اول خاطرنشان کرد: «یکی از شرایط شرعی نفوذ اقرار، عدم اکراه است و اگر اقراری با ضرب‌وشتم گرفته شده باشد، فاقد اثر شرعی است. حال ضرب‌وشتم انجام نشده ولی با تهدید به ضرب‌وشتم اقرار گرفته شده باشد، چطور؟ باز چنین اقرار فاقد اثر شرعی است و در صورت پیشنهاد اخذ فلان مقدار پول و نداشتن توان پرداخت و به ناچار اقرار کند این فرض هم فاقد اثر شرعی است. انکار بعد از اقرار هم چنانچه اقرار اکراهی نباشد در حق‌الناس مسموع نیست و در حق‌الله نیز ممنوع نیست، الا رجم و قتل» آیت‌الله العظمی حسینی‌زنجانی درباره مناظره‌های انتخاباتی نیز چنین اعلام نظر کرده است: «در مناظراتی که پخش شد متاسفانه حدود شرعی در آنها رعایت شد چه اینکه اولا: مناظرات معمولا در تحلیل برنامه‌های طرفین و نقد آن است نه عرصه‌ای برای تسویه حساب‌ها. ثانیا: بعضی از مباحث مطرح شده ماهیت قضایی دارد تا در محکمه ثابت نشود، نمی‌توان رسانه‌ای کرد. دزدی در اسلام حد دارد و آبروی طرف مطرح است. چنانچه در محکمه ثابت نشود، رسانه‌ای کردن حرام است. روایت نبوی (ص): «فان دماءکم و اموالکم و اعراضکم علیکم حرام...»

احضار دانشجویان به کمیته انضباطی

به نوشته روزنامه اعتماد ملی، طی هفته گذشته تعدادی از دانشجویان دانشگاه علم و صنعت و دانشگاه بوعلی سینای همدان نیز احضار شدند. به گزارش خبرنامه امیرکبیر، به نظر می‌رسد علت احضارهای دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، فعالیت‌ها و اقدامات آنان پیش و پس از انتخابات مانند اخراج عوامل صدا و سیما از دانشگاه و شدت گرفتن اعتراضات دانشجویان علم و صنعت پس از شهادت کیانوش آسا، دانشجوی کارشناسی ارشد این دانشگاه باشد اما علاوه بر دانشگاه علم و صنعت، دانشجویان دانشگاه بوعلی همدان نیز ۲۱ ترم حکم تعلیق برای ۱۱ دانشجو دریافت کرده‌اند.

کهریزک به طور کامل تعطیل نشده

به نوشته روزنامه اعتماد، شنیده ها حاکی از آن است که بازداشتگاه کهریزک به صورت کامل تعطیل نشده است و هنوز برخی در آن بازداشت هستند. این در حالی است که خبر تعطیلی و تنبیه خاطیان برخورد با بازداشت شدگان حوادث اخیر طی هفته های گذشته از سوی مقامات کشور اعلام شده است.

امام جمعه کنگان:

کروبی باید محاکمه شود

امام جمعه کنگان با اشاره به نامه اخیر حجت الاسلام مهدی کروبی درباره وضعیت زندان ها هماهنگ با ائمه جمعه تهران، مشهد و قم خواستار محاکمه وی شد و گفت: افرادی که با ادعاهای واهی و دروغین با آبروی نظام بازی می کنند، باید محاکمه شوند.

به گزارش «خلیج فارس»، حجت الاسلام محمود محمودی با اشاره به نامه اخیر کروبی افزود: نامه یکی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری به هاشمی رفسنجانی کاری سخیف و دون شان و منزلت یک فعال سیاسی است. وی به اعترافات اخیر اشاره کرد و بیان کرد: این جای ننگ و ذلت است که دشمن برخی رجال سیاسی ما را مورد تشویق و حمایت قرار می دهد و این نقطه تاریک و خفت برای این افراد است.

محمودی با اشاره به آیین تحلیف رییس جمهوری گفت: آنچه که باقی می ماند خاطره زشت حضور نیافتن برخی فعالان سیاسی در این آیین بود. وی یادآور شد: امیدوارم این آقایان در عمل با همراهی با دولت و کمک به سربلندی میهن اسلامی این نقیصه را جبران و بار دیگر به بطن انقلاب که مردم هستند، بازگردند.

نبود برق مانع بهره برداری کامل از پایانه مسافری دشتستان بوشهر است



مدیرپایانه مسافربری دشتستان بوشهر گفت: برغم پیشرفت فیزیکی ۱۰۰درصدی پایانه مسافربری این شهرستان ولی به علت واگذار نشدن انشعاب برق این پایانه، هنوز به بهره برداری کامل نرسیده است.

پرویز قنبری در گفت وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی افزود: عملیات اجرایی این پایانه در سال ۸۴ در زمینی به مساحت سه هکتار با استفاده از هشت میلیارد و ۴۰۰ میلیون ریال تسهیلات ماده ۸۳۱ سازمان حمل و نقل و پایانه های کشور آغاز شده و تاکنون بیش از ۷۰میلیارد ریال برای آن هزینه شده است.

وی اظهار داشت: با شروع به کار این پایانه پیش بینی می شود زمینه اشتغال ۲۵۰نفر بصورت مستقیم فراهم شود. قنبری، وجود خط دهی سواری، مینی بوس و اتوبوس بین شهری، تسهیلات رفاهی مناسب برای مسافران، وجود نداشتن احتمال هیچگونه برخورد مسافر با وسایط نقلیه در این پایانه و داشتن فاصله یکهزار و ۴۰۰متری با مرکز شهر و وسایل خنک کننده را از عمده ترین مزیت های این طرح ذکر کرد.

شهر دریا و آفتاب، از بیمه پاسارگاد استقبال کرد

بیمه پاسارگاد در شهر بوشهر حضور خود را به ثبت رساند. شعبه بوشهر بیست و یکمین شعبه از خانواده بیمه پاسارگاد است که به منظور رفاه حال همشهریان بوشهری در این شهر راه اندازی شده است.

ارایه بیمه باربری از جمله خدماتی است که بیمه پاسارگاد در شعبه بوشهر به دلیل ویژگی های منطقه بر عرضه صحیح و مناسب آن با شرایط ویژه تأکید فراوان دارد. بیمه باربری جبران خسارت ها و زیان های وارد به انواع محموله ها از مبدأ بارگیری تا مقصد نهایی رای محصولات کارخانه های تولیدی ، کالاهای مصرفی اولیه و ... که به آن صدمه وارد می شود را تحت پوشش قرار می دهد.

بیمه حمل و نقل داخلی محموله هایی را که مبدأ و مقصد مسیر حمل آن ها در محدوده جغرافیایی ایران قرار دارد را شامل می شود و خطرات ناشی از آتش سوزی ، انفجار، واژگونی ، تصادف ، تصادم، پرت شدن از روی وسیله نقلیه ، سرقت کلی محموله، خسارت های ناشی از تخلیه و بارگیری، آبدیدگی، برخورد جسم خارجی به محموله را تحت پوشش قرار می دهد.

به گزارش روابط عمومی بیمه پاسارگاد در این شعبه خدمات مشاوره ای بیمه ای به همراه انواع بیمه نامه ها از جمله بیمه نامه عمر و تأمین آتیه با مزایای انعطاف پذیری در میزان حق بیمه مطابق با توان پرداخت مردم و اختیار در شیوه پرداخت حق بیمه (ماهیانه) و بیمه های آتش سوزی، بیمه اتومبیل، بیمه باربری شامل حمل و نقل داخلی و بین المللی ، بیمه مسئولین مدنی و انواع بیمه های مسئولیت حرفه ای، انواع بیمه های مهندسی، بیمه های اشخاص شامل حوادث، درمان، مسافرت به خارج از کشور و انواع بیمه های پول با حضور کارشناسان با تجربه صنعت بیمه در کوتاه ترین زمان ممکن و شرایط مناسب عرضه می گردد.

نخستین بار کشتی با ظرفیت دوهزار و۵۰۰ تی ای یو دربندر بوشهر پهلو گرفت



مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر گفت: برای نخستین بار یک فروند کشتی کانتینربر با ظرفیت دو هزارو ۵۰۰ تی ای یو در بندر بوشهر پهلو گرفت.

محمد راستاد در گفت وگو با ایرنا افزود: این کشتی به نام آندریاس با حجم محموله یکهزارو ۸۲۱ تی ای یو به عنوان کشتی مادر کانتینربر است که به همراه محموله بارگیری شده از مبدا اصلی و پس از بارگیری از چند بندر منطقه مستقیم وارد بندر بوشهر شده است.

وی اظهارداشت: بنادر مبدا بارگیری این کشتی شانگهای کشور چین، جبل علی امارات و بندر عباس بوده است.

بر روی خط رسمی سیاست

ابراز نگرانی خانواده باستانی‌نژاد

خانواده حسین باستانی‌نژاد که از روز دوم تیرماه در بازداشت به سر می‌برد نسبت به وضعیت او ابراز نگرانی کرده‌اند. تینا باستانی‌نژاد، دختر وی در تماس با روزنامه اعتماد ملی گفت: «پدرم به جرم حضور در تجمع ۳۰ خردادماه، از سوی ماموران در روز ۲ تیرماه در خانه بازداشت شد و در این مدت هیچ مرجعی پاسخ روشنی درباره اتهام وی به ما نداده و پیگیری‌های ما بدون نتیجه مانده بود تا اینکه یک دفعه پدرم را به عنوان متهم ردیف اول در دادگاههای اخیر حاضر کردند.این در حالی است که خانواده در این مدت هیچ اجازه ملاقاتی با وی نداشته است.»به گفته خانوده باستانی‌نژاد وی هیچ فعالیت حزبی نداشته و حتی در ستادهای انتخاباتی نیز فعال نبود. او در مدت بازداشت تنها چندبار به شکل تلفنی با خانواده‌اش صحبت کرده است و آنها به دلیل بیماری نسبت به سلامت او نگران هستند.

بازداشت فرزند یکی از نمایندگان مجلس

به گزارش روزنامه اعتماد، فرزند یکی از نماینده های اصلاح طلب نیز از دو هفته پیش تا کنون تحت بازداشت قرار دارد. ظاهراً دستور آزادی وی صادر شده اما وی هنوز آزاد نشده است. همچنین گفته می شود مطابق این دستور قرار بوده وی پس از مراسم تحلیف آزاد شود اما این نماینده مجلس روز شنبه تصویر فرزندش را در دادگاه فعالان سیاسی می بیند که در ردیف متهمان نشسته است.

احتمال فراخوانی سفرا

روزنامه اعتماد خبر از احتمال فراخوانی سفرای کشورهای اروپایی از ایران داد. به نوشته این روزنامه خبرها حاکی از آن است که در چند روز گذشته سوئد که ریاست دوره یی اتحادیه اروپا را بر عهده دارد، میزبان مقامات ارشد برخی کشورهای اروپایی بوده و طرحی را دنبال می کند که بر پایه آن به دلیل محاکمه یک شهروند فرانسوی و دو کارمند ایرانی سفارتخانه های انگلیس و فرانسه در تهران، ۲۷ عضو این اتحادیه سفرای خود را از ایران فرا خواهند خواند. به گزارش تابناک این طرح مطمئناً موانع بسیاری بر سر راه خود تا تصویب در این اتحادیه و الزام کشورهای عضو برای فراخوانی سفرایشان از ایران در پیش رو خواهد داشت که بزرگ ترین آنها زمان این تصمیم گیری است که اکنون با توجه به سخنان مقامات امریکایی و همتایان ایرانی آنها درباره روابط دو کشور و احتمال بروز تحولات جدید در رابطه بین آنها و علاقه مندی بسیار کشورهای اروپایی برای ماندن در معادلات بین ایران و امریکا از نکات بارز توافق نداشتن اروپایی ها بر سر فراخوانی سفرا است.

کواکبیان: احمدی نژاد باید به شایعات در رابطه با بازداشتگاه‌ها پاسخ دهد

به گزارش خبرگزاری ایلنا، مصطفی کواکبیان، نماینده مجلس هشتم با استناد به اصل ۱۱۳ قانون اساسی با اشاره به اینکه رئیس‌جمهور مسئول اجرای قانون اساسی هم شناخت شده است، گفت: مباحث و شایعاتی در رابطه با بازداشتگاه‌ها شنیده شده که از احتمال نقض بسیاری از مواد قانون اساسی خبر می‌دهد. نماینده مردم سمنان در ادامه افزود: لازم است که رئیس‌جمهور در رابطه با این مسائل توضیح بدهد و واکنش نشان ندادن در برابر این مباحث مسئله‌ای را حل نخواهد کرد. محمد حسن ابوترابی فرد که ریاست جلسه را بر عهده داشت، در پاسخ به این اخطار گفت: با توجه به مجموعه مسائل و تاکیدهای شفاف رهبر، رئیس‌جمهور باید به‌عنوان رئیس شورای امنیت ملی از مسئله شایعات بازداشتگاه‌ها نگرانی داشته باشد و به این موضوع بپردازد و به دیگران اطمینان بدهد.

موسوی تبریزی: بهترین راه انقلاب مخملی متهم کردن افراد درون نظام است

به گزارش خبرگزاری ایلنا، دبیر مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم گفت: بهترین راه انقلاب مخملی این است که افراد درون نظام متهم شوند و اشخاص بی‌سابقه عرصه را بدست بگیرند، زیرا چنین افرادی بهتر می‌توانند در مقابل بیگانه کرنش کرده و خضوع نشان دهند. سید حسین موسوی تبریزی پیش بینی کرد: همین دار و دسته‌ای که اکنون دیگران را زیر تیغ حذف می‌برند، یک روز هم درون خودشان دچار اختلاف شده و یکدیگر را حذف می‌کنند. موسوی تبریزی در پایان تاکید کرد: در کشور ما افکار و قومیت‌های فراوانی وجود دارد که کشور متعلق به همه آنهاست و تا زمانی که این حقیقت برای همه جا نیفتد، انحصار طلبی‌ها از بین نخواهد رفت.

تقاضای محاکمه موسوی از تریبون مجلس

به گزارش خبرگزاری فارس، محمد کریم شهرزاد نماینده مردم اصفهان در مجلس گفت: موسوی باید هرچه زودتر احضار و در مورد رفتارهای غیرمسئولانه و غیرقانونی خود و به ویژه ارتباط بعضی از ستادهایش با سفارتخانه‌های خارجی در یک دادگاه علنی به ملت توضیح دهد.

بازداشت‌شدگان مورد شکنجه و آزار جسمی قرار گرفته‌اند

روزنامه اعتادملی، از قول داریوش قنبری، سخنگوی فراکسیون اقلیت مجلس نوشت: در مجموع براساس آنچه تا امروز مشخص شده، در بازداشتگاه کهریزک قانون اساسی به شدت زیر پا گذاشته شده است و رفتارهای خلاف قانون، شرع و عرف در مورد همه بازداشت‌شدگان حوادث اخیر به کار بسته شده که تاسف‌آور است. متاسفانه در گزارش‌های رسمی و معتبری که از این بازداشتگاه‌منتشر شده، شاهد هستیم که علنا بازداشت‌شدگان مورد شکنجه و آزار جسمی قرار گرفته‌اند. متاسفانه این افراد نه‌تنها برای حرمت‌های اسلامی ارزش قائل نیستند بلکه با عملکرد غیرانسانی خود ارزش جان آدمی و حرمت‌هایی را که در ۳۰ سال گذشته قرار بود در چارچوب یک جامعه اسلامی بسازیم در کمتر از چند روز از بین بردند، در چنین شرایطی انتظار می‌رود که حداقل قوه‌قضائیه در این برهه حساس، گامی به جلو بردارد و با این افراد که اینچنین پا را از حد قانون فراتر گذاشته‌اند، به شکل جدی برخورد کند. افزون بر این باید دقیقا مشخص شود که این افراد از سوی چه کسانی و با چه انگیزه‌ای دست به چنین اعمال خشونت‌آمیزی می‌زدند.

مصاحبه با عبدالمحمد شیخ ابولی از آزادگان سرافراز بوشهری:

گرچه شیر در غل و زنجیر بود...

به مناسبت سالروز ورود آزادگان جنگ تحمیلی به کشور





– لطفا خودتان را معرفی کنید در چه سالی و در چه عملیاتی به اسارت درآمدید؟

– عبدالمحمد شیخ ابولی – اعزامی از بوشهر در تاریخ ۶۵/۱۰/۴ در منطقه عملیاتی جزیره مینو در جزیره قطعه در کربلای ۴ به دست نیروهای عراقی به اسارت درآمدم

– چند سال در اسات بودید و در چه تاریخی آزاد شدید؟

– مدت اسارت من به ۴ سال طول کشید و در این مدت نیز به عنوان مفقود الاثر معرفی شده بودم نه اسیر و در تاریخ ۶۹/۸/۳۰ آزاد شدم.

– اکنون که سال ها از پایان اسارت شما می گذر چه حسی از آن دوران سخت در ذهن شما نقش بسته و از یادتان نمی رود.

– اسارت را هیچ کس فراموش نمی کند و از یاد نمی برد که چه اتفاقاتی در زندان مخوف و ترسناک عراق افتاده است و چه شکنجه ها و ضرب و شتم هایی که بچه ها از طرف عراقی ها متحمل شدند، و در خواب هم ما آن دوران را فراموش نمی کنیم و بعد از گذشت سالها هنوز شب ها کابوس زندان و برخورد عراقی ها را می بینیم که با داد و فریاد از خواب بلند می شویم که خانواده های مان اذیت می شوند و همه این ها تداعی آن روز های سخت است، و در صحبتهایمان هم ناخودآگاه به دوران اسارت بر می گردیم.

– آزادگان بیشترین سختی ها را در طول جنگ دیدند به طوری که عواقب ناشی از اسارت با بسیاری از آن ها در این سال ها همراه بوده، آیا در قبال این همه سختی توقع خاصی از حکومت دارید؟

– توقعی نداریم، ما وظیفه داشتیم در جنگ حضور پیدا کنیم و منتی سر کسی نیست و درست است با عشق و علاقه و اعتقاداتی که به دین میهن و کشورمان داشتیم به جنگ رفتیم، ولی از مسئولین این انتظار داریم که بچه هایی که به جنگ رفتند و در جبهه ها به اسارت گرفته شدند و روزهای سختی را گذراندند، حداقل مشکلات آنها را بفهمند و درک کنند و نگویند حالا اسیر شدند همه چیز را برای خودشان می خواهند. فقط ما را بفهمند و درک کنند. ولی متأسفانه همین توقع اندک را هم از ما دریغ می کنند. متأسفانه بعضی ها درد و رنج جنگ را نکشیدند، اسارت که جای خودش دارد ولی با برخوردهایشان، بعضی از اهداف نظام مقدس را و هدف امام را زیر پا می گذارند و نظامی را ترسیم کرده اند که می خواهند به هدفهای شخصی اشان برسند و این ها معلوم است سال های سخت جنگ و اسارت را درک نمی کنند.

– شکنجه هایی که در در اردوگاهها بر سر رزمندگان می آوردند و فضای سخت زندان و توام با شکنجه در عراق چگونه بود؟

– شما یک اتاق ۳ در ۴ را در نظر بگیرد که بیش از ۴۰ نفر در این اتاق های اسکان می دادند، اصلا جای ایستادن و نشستن را می شود تصور کرد؟ این جزئی از وضعیتی بود که ما در زندان داشتیم. دستشویی ما که وضع اسفناک داشت . شهید امیر عسکری سرش را کنار سطل دستشویی که در داخل خود آسایشگاه بود می گذاشت و این خیلی برای ما سخت بود و این تنها از لحاظ محیطی بود که عراق ما را در آن قرار داده بود. در عراق که اصلا اسمی از ما نبود، اردوگاه مفقود الاثرها به راحتی ما را شکنجه می کردند و چون نه از صلیب سرخ و نه بازرسی خبری بود، لذا آن ها برای شکنجه کردن و آزار و اذیت ما هم راحت بودند که تعداد زیادی از اسرا در اثر شکنجه و در اثر ضربات باتوم و شکنجه های جسمی و روحی و ... ازبین میرفتند. عراقی ها به ما می گفتند شعار بر علیه امام بدهید، هنگام بازجویی بدنمان را لخت می کردند و در سرما و باید سینه خیز می رفتیم، کتک زدن با کابل و انواع کابل ها که در عراق وجود داشت، عادی بود. نگهبانی که معروف بود به علی کابلی و نگهبان دیگری به نام علی صفا این ها راحت با انواع و اقسام کابلی که داشتند به جان بچه ها می افتادند. انواع چوب ها مثل دسته بیل و ... علی کابلی حتی میل گردی هم به همراه داشت که با آن میلگرد هم به بچه ها می زد. استفاده از انبردست که سبیل بچه ها را با انبردست می کشیدند، با انبردست خال بدنم را کندند و الان اگر عکس هایم را مقایسه کنید می بینید که این خال الان نیست. ندادن آب و غذا، اتو کشیدن و ناخن کشیدن بچه ها رایج بود. کار دیگری که انجام می دادند این بود که می گفتند رو به رو هم بنشینید و به همدیگر سیلی بزنید، هر کسی این کار را نمی کرد او را سخت تنبیه می کردند، تنبیه های سخت نظامی و که به ما با آن بدن نحیف و وضعیت غذایی که در اردوگاه بود، خیلی سخت می گذشت. ۳۰۰ – ۴۰۰ اسیر می آوردند و می گفتند باید با پیشانی روی زمین حرکت کنید و آنها از پشت به ما می زدند. تمام این ها در زمان آسایشگاه است و در زندان وضعیت بدتر از این حاکم بود. وقتی در اردوگاه مستقر شدیم حق ورزش کردن را نداشتیم، نصف تیغ می دادند و می گفتند باید به زور صورت تان را بزنید و این نصف تیغ برای دو سه نفر اول خوب بود برای افراد بعدی دیگر شکنجه بود و زمانی که می گفتند باید با همین تیغ سرتان را هم بتراشید بدتر می شد که با خون و بدبختی همراه بود. آب لجن و دستشویی ها را روی بچه هامی ریختند و این هم سخت ترین برخوردشان بود که این ها خودش یک سری مریضی های خاصی را می آورد. در فصل تابستان باید با آب گرم حمام می کردیم و در فصل زمستان با آب سرد.

شهید رضایی از بچه های مشهد بود در زندان به وسیله خوراندن صابون او را شهید کردند. شکستن شیشه و با کابل زدن از تنبیهات رایج در زندان بود، قسمتی از بدن که زخمی می شد نمک می پاشیدند که بچه ها بیشتر اذیت بشوند. خیلی از بچه ها را به وسیله تزریق هوا شهید می کردند و حتی مریض هایمان را هم تنبیه می کردند. نگهبان عراقی سیگار می کشید و گاهی احساس می کرد که اسیر مشکوک است و به وسیله سیگار او را می سوزاندند. هوای تکریت خیلی سرد بود به زور به ما می گفتند پنجره را باز کنید. اسرای ما اسهال می گرفتند، باید قرص می خوردند و آن ها تعداد زیادی از داروهای تاریخ مصرف گذشته را به مریض ها می دادند. عدم بهداشت بیداد می کرد. در سطل دستشویی مجبورا باید غذا می خوردیم، تصورش هم سخت است، اما این ها چیزهایی بود که ما دیدیم و کشیدیم.

در اکثر اردوگاه ها کمبود آب خوردن بود. نبودن آب گرم در زمستان برای حمام که باید ۴ نفری با هم حمام می رفتیم و تند تند حمام می کردیم. محیط ها آلوده بود ما معمولا برای هوا خوری می آمدیم بیرون ۱ یا ۲ ساعت و اگر مسئول اردوگاه نبود، حق بیرون آمدن هم نداشتیم. در تابستان وسایل سرد کننده معنا نداشت، آسایشگاه همیشه مرطوب بود. تا دو سال چیزی به نام دمپایی نداشتیم، با چه وضعیتی و بدون دمپایی باید می رفتیم دستشویی که پر از کثافت بود و یک چاهی وسط حیاط بود با آب آن خودمان را می شستیم و دست و پایمان را طهارت می کردیم.

– با این شرایط سخت که تصورش هم مشکل است، بالاترین عاملی که باعث می شد رزمندگان در زندان های عراق روحیه ی خود را از دست ندهند و هم چنان مقاومت کنند چه بود؟

– آن چیزی که بچه ها را در زندان نگه داشت ذکر خدا و دوستی ائمه بود و اگر بچه ها این ها را ازدست می دادند، عراقی ها راحت می توانستند از عدم ایمان ما استفاده کنند. دلیل اینکه بعضی ها هم به جاسوسی و بیچارگی کشیده می شدند، همین عدم ایمان به خدا بود. اما بچه ها ایمان به خدا و دوستی اهل بیت را حفظ می کردند و اینگونه می توانستند خودشان را نگه دارند. روزه گرفتن برای روحیه عالی بود و آن مقدار غذایی که برای سحری نگه می داشتند برای بچه هایی که از لحاظ بدنی نمی توانستند روزه بگیرند و یا کسانی که می خواستند برای یک تکه نان برای دشمن به جاسوسی بپردازند، می دادیم تا این کار را نکنند.

– آن سال ها ی سخت اسارت چه درسی برای شما به همراه داشت که می تواند برای دیگران مفید باشد.

– گرچه اسارت سختی ها و فشارها و مصیبت های خاص خودش را داشت، اما اخوت و برادری، ایثار و شهامت را هم به همراه داشت و همین ارزش ها است که سال ها که باز هم یکدیگر را می بینیم به نیکی از آنها یاد می کنیم و با تمام خاطرات تلخ آن دوران، از دیدن یکدیگر روحیه امان تقویت می شود و این خاطرات تلخ را به نحوی دیگری از آن استفاده می کنیم و خدا این طور برای ما متصور کرده بود که با یاد این خاطرات، با فشارهایی که برای هر کسی در زندگی می تواند پیش بیاید با صبر و گذشت پشت سر بگذاریم. با همان روحیه و گذشت و برادری که در اردوگاهها یاد گرفتیم می توانیم مشکلات مادی، اجتماعی و ... روزهای سخت زندگی را پشت سر بگذارم.

– در پایان گرچه تمامی دوران اسارت خاطره است اما برای خوانندگان نسیم جنوب، خاطره ای از دوران اسارت را تعریف کنید.

– زندان قلعه یکی از زندانهای اردوگاه های ۱۸ بود که یکی از مخوف ترین زندان ها بود. همه بچه هایی که مخالف بودند را آنجا جمع کرده بودند که بتوانند راحت آن ها را اذیت کنند. زندان قلعه زندانی بود که با سیم خاردار آن را پوشانده بودند و این زندان یک وضعیت دردناک و اسفناکی داشت. زندان قلعه یک غروب غم انگیزی داشت که در دل تمام بچه های زندان سایه افکنده بود. یکی از بچه ها به نام فتح الله حسن پور در اردوگاه ۱۲ بود که به ما ملحق شد از بچه های دشتستان بود. یک نگهبان داشتیم که شکل گلابی بود و بچه ها بهش می گفتند گلابی، این نگهبان آمد کوچک ترین فرد را بلند کرد که فتح الله حسن پور بود. همه سرمان پایین بود و ما نگران از آن بودیم که نکند به امام توهین کند. همین طور که ذکر می گفتیم فتح الله بلند شد و نگهبان با زبان عربی به او گفت: « بلند شو، بلند شو بگو مرگ بر خمینی باید بلند بگویی» همین طور که ما در دل دعا می کردیم که فتح الله این کار را نکند، فتح الله با صدای بلند و تند تند گفت: «مرگ بر ضد خمینی – مگر بر ضد خمینی» اما آن ها ضدش را متوجه نشدند و عراقی ها گفتند هله هله فتح الله حسن پور، و آن ها همه فکر کردند واقعا او به امام مرگ گفت. اما بعدها یک جاسوسی که بچه ها گوشش را به خاطر این جاسوسی هایش بریدند رفت فتح الله را لو داد و عراقی ها هم آمدند فتح الله را بردند و خیلی به او زدند.



کودتای سیاه ۲۸ مرداد

ایوب ابراهیمی

دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران از مقاطع تاریخی پر ارج و البته به یادمانی کشورمان به شمار می‌رود؛ نهضتی که اساساً به منظور استیفای حقوق از دست رفته ملت ایران از کشور استعماری بریتانیا آغاز شد و با ملی شدن نهایی صنعت نفت ایران به اوج خود رسید. اما مجموعه علل و عوامل تلخی که عمدتاً از مداخلات و تجاوزکاری‌های کشورهای انگلستان و آمریکا نشأت می‌گرفت و توطئه‌های پیدا و پنهان عوامل داخلی استبداد و استعمار خارجی بر آن دامن می‌زد موجبات زودهنگام پایان دوران شیرین نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران را فراهم آورد. در این میان البته بروز اختلاف میان رهبران نهضت، بیش از پیش دشمنان خارجی و داخلی نهضت را به ائتلاف شومی که در سر می‌پروراندند نزدیکتر ساخت و نهایتاً پس از ماهها توطئه کشورهای انگلیس و آمریکا و عوامل داخلی آنان، آن «کودتای سیاه» در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بار دیگر امید مردم کشور را به یأس تبدیل کرد و طلیعه سالیان طولانی تباهی و فساد در عرصه کشور شد.

نقشه این کودتا با همکاری بریتانیا و آمریکا طرح شد و پس از چندبار تجدید نظر و مشورت با عناصر اصلی به تصویب رسید. نقشی که برای شاه در نظر گرفته شده بود امضای فرمان عزل مصدق و نیز امضای فرمان نصب سرلشکر زاهدی به نخست‌وزیری بود. اشرف پهلوی که به درخواست مصدق به خارج از کشور رفته بود با مقامات آمریکائی و انگلیسی در سوئیس دیداری داشت و سپس با استفاده از نام خانوادگی شوهرش به ایران بازگشت و در مدت کوتاهی که فرصت داشت شاه را در جریان طرح کودتا گذاشت و با آشکار شدن حضورش دوباره ناچار به خروج از کشور شد. شاه پس از تردیدهای اولیه به امضای فرمان‌ها رضایت داد. بعدها روشن شد که شاه در واقع دو ورقه سفید را امضا کرده بود تا کودتاگران آنچه لازم است بر بالای امضای او بنویسند.

فرمان عزل را یک ساعت بعد از نیمه شب ۲۵ مرداد سرلشکر نصیری که رئیس گارد سلطنتی بود با همراهی تانک و زره‌پوش از سعدآباد به خیابان کاخ آورد تا در منزل دکتر مصدق به او ابلاغ کند. مصدق که با تلفن از حرکت این گروه باخبر شده بود فرمان را گرفت و رسید داد و نیروی محافظ مقر او بلافاصله نصیری و نیروی همراه او را بازداشت کردند. شاه که قبلا به کلاردشت رفته بود با شنیدن خبر به رامسر رفت و از آنجا با هواپیما به بغداد و سپس به رم پرواز کرد.

صبح ۲۵ مرداد خبر اقدام نصیری در شهر منتشر شد و همه دانستند که کوششی برای برکناری مصدق صورت گرفت و ناموفق بود. کودتای ۲۵ مرداد شکست خورده بود.

طرفداران مصدق که از اقدام شاه خشمگین بودند با تظاهرات و سخنرانی احساسات خود را بیان کردند.

گرچه به نظر می رسید که کودتا شکست خورده است اما از ساعات اولیه صبح ۲۸ مرداد جمعیتی از سمت جنوب به سمت مرکز شهر تهران به راه افتادند. از اینکه هسته ابتدایی را چه کسانی تشکیل می‌دادند، روایتهای متعددی شده است اما به نظر می‌رسد پولی که کارگزاران بریتانیا، بویژه برادران رشیدیان و نمایندگان سازمان اطلاعات آمریکا (سیا) برای بسیج افراد و گروههای آشوب طلب پرداخت کرده بودند، نقشی بسزا در شروع حرکت داشته است.

با شروع تظاهرات، عده ای تحت تأثیر این جوّ به صف شعاردهندگان علیه مصدق پیوستند و از سوی دیگر، نظامیانی که با دریافت پول به شرکت در کودتا رضایت داده بودند، همراه جمعیت شدند. اسناد منتشر شده در آمریکا نشان می‌دهد که در همین زمان، بیشتر مقامهای ارشد نظامی و حتی خود فضل الله زاهدی مخفی شده یا به آمریکاییها پناه برده بودند.

عوامل کودتا با پیگیری و خرج کردن مبلغ زیادی پول نیروهائی از اوباش و زنان بدنام محلات مختلف را بسیج کردند و صبح روز چهارشنبه ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ خیابان‌های تهران شاهد حرکت این نیروها و نیروهای نظامی با شعار «جاوید شاه» بود. تا بعدازظهر خیابان‌ها در کنترل اوباشی بود که به طرفداران مصدق حمله می‌کردند. دفترهای احزاب و نشریات طرف‌دار مصدق یا حزب توده غارت شد و به آتش کشیده شد. ساعاتی پس از ظهر درگیریهای بین طرفداران و مخالفان مصدق به اطراف خانه او کشیده شد. منزل دکتر مصدق با تانک و مسلسل مورد حمله نیروهای نظامی کودتا قرار گرفت عده اندکی از نظامیان وفادار به مصدق با همه توان در برابر یورش جمعیت و نظامیان حامی کودتا مقاومت کردند در ساعات پایانی روز، مقاومت در اطراف خانه نخست وزیر هم شکسته شد، جمعیت خانه مصدق را غارت کردند و او از طریق بام خانه اش جان به در برد.

تصرف ساختمان رادیو، پایان واقعی ماجرا بود. میراشرافی فرمان عزل مصدق و نصب زاهدی را از رادیو خواند. سرلشکر زاهدی که در این مدت نزد ماموران آمریکائی مخفی بود از مخفیگاه به درآمد. مردم با سکوت و حیرت این رویدادها را ناظر بودند. پس از کودتا سرلشکر زاهدی امور دولت را در دست گرفت. دکتر مصدق در روز ۲۹ مرداد خود را به زاهدی تسلیم کرد و بازداشت شد. فرمانداری نظامی به ریاست سرتیپ تیمور بختیار به تعقیب و دستگیری و شکنجه مخالفان پرداخت. شاه از رم بازگشت. مذاکرات نفت با شرکت نفت ایران و انگلیس و چند شرکت آمریکائی و اروپائی شروع شد که در آخر به قرارداد کنسرسیوم منجر شد. کمک‌های مالی آمریکا به دولت ایران رسید و در تقویت حکومت تازه موثر افتاد.

شاه بر خلاف قانون که محاکمه نخست وزیر را تنها توسط دیوان عالی کشور مجاز می شمرد، محمد مصدق را را در دادگاه نظامی محاکمه و به سه سال حبس مجرد (انفرادی) محکوم کرد. در جریان برگزاری دادگاه تظاهرات مردمی در شهرهای مختلف کشور در دفاع از وی سرکوب شد. وی پس از پایان زندان به روستای احمدآباد تبعید شد. شاه پس از مرگ وی گفت:« زنده و مرده اش در احمد آباد» و بدین ترتیب در دفن وی در قبرستان ابن بابوی جلوگیری شد. کودتای ۲۸ مرداد نقش مهمی در تحکیم پایه‌های رژیم ۳۷ ساله محمد رضا پهلوی داشت. این کودتا که در دوازدهمین سال حکومت پهلوی به وقوع پیوست، سبب تثبیت حاکمیت او تا ربع قرن دیگر شد.

نظرات اینترنتی
سایت اینترنتی نسیم جنوب

مگر حساب و کتابی در کار نیست؟

کارمند بازنشسته: مدیرعامل کارگزاری سهام عدالت گفته است «به دلیل عدم دریافت طلب ۴۹۰ میلیارد تومانی از شرکت هایی چون پالایش و پخش فرآورده های نفتی امکان ادامه پرداخت سود سالانه به مشمولان مرحله سوم وجود ندارد». این دیگر چه وضعیتی است که دولت نمی تواند از شرکتهای ثروتمندی مثل فرآورده های نفتی طلب خودشان را بگیرد و فقط دل ما را خوش کرده اند به سود سهام عدالت. چطوری می خواهند طلب سهام عدالت را از شرکتهایی که سود دهی ندارند بگیرند؟ مگر حساب و کتابی در کار نیست که شرکتهای ثروتمند نفتی دلشان خواسته و طلب دولت را نداده اند؟

یک هیئت بی طرف را مامور رسیدگی به نامه کروبی کنید

زهرا : بهتر است بجای اینکه آقای کروبی را تهدید به برخورد کنند یک هیئت بی طرف را مامور رسیدگی به متن نامه آقای کروبی کنند تا اگر جرمی صورت گرفته و شکنجه ای شده است جلوی ادامه آنها گرفته و با عاملان نیز برخورد کنند و اگر هم اتفاقی نیفتاده با سند و مدرک آنرا بیان کنند. اینطور هم نیست که کسی بگوید این سخنان بر علیه انقلاب است بلکه پیگیری این نامه دقیقا در جهت حفاظت از انقلاب است تا جلوی کسانی که سعی دارند با حرکات ضد انسانی چهره انقلاب را زشت کنند گرفته شود.

خراب کردن پیاده روهای بوشهر

نادر: چرا دستگاههای دولتی بوشهر پیاده روهایی را که خراب می کنند دیگر درست نمی کنند و به امان خدا رها می کنند. نمونه آن روبرو مخابرات در میدان امام که نمی دانم توسط شرکت برق یا شرکت مخابرات خراب شد و بعد از خراب کردن پیاده رویی که تازه درست شده بود انرا رها کرده و باعث زحمت برای عابرین شده اند. باید حقوق عابرین نیز رعایت شود.

زندگی سخت گذشته گان ما

اسماعیل فولادی: مقاله آقای زرتشت دوانی تحت عنوان «رنجی که پدران و مادران ما کشیدند» بسیار خواندنی است. تا حالا معمولا همیشه از عظمت و بزرگی بوشهر در گذشته نوشته می شد و اینکه چقدر این بندر اهمیت داشته و ...ولی آقای زرتشت دوانی به روزهای بعد از آن عظمت و بزرگی، بدبختی و فقر و مصیبتی که بعد از آن بوشهر گرفتار آن شده می پردازد که تازه و خواندنی است. از آنجا که مربوط به پنجاه شصت سال گذشته بوشهر است برای ماها بسیار خواندنی است تا بدانیم که پدرانمان با چه بدبختی و سختی زندگی می کرده اند.

دلیل تعویق افتتاح پروژه های شهرداری بوشهر

عبداله: تعویق افتتاح ۱۵ پروژه شهرداری بوشهر علیرغم تبلیغات و نصب بنر در میادین شهر بار دیگر وضعیت نابسامان عمرانی را در شهرداری بوشهر هویدا کرد. معاونت عمرانی قلب شهرداری است و متاسفم از اینکه این معاونت دچار مشکل است. اگر به نداشتن کیفیت پروژه های عمرانی که توسط این معاونت اجرا می شود و نمونه آن فرو ریختن دیوار پارک ریشهر است رسیدگی می شد و شهردار بوشهر اندکی قاطعیت از خود نشان می داد و نمی گذاشت اینگونه پول مردم در شهرداری هدر رود، شاهد وضعیت بهتری در این معاونت بودیم اما نمی دانم چه قضیه ای است که آقای رجایی حاضر است زیر سوال برود و زحماتش در دیگر بخش ها نادیده گرفته شود ولی نسبت به سر و سامان دادن به این معاونت اقدام نکند.

جان مردم بیشتر از اینها می ارزد

محسنی: فکری به حال هواپیماهای ایران کنید. باز هم حادثه در سفر هوایی تهران –اصفهان و اتش گرفتن تایر هواپیما. اینبار خدا رحم کرد و به خیر گذشت اما چرا فکری اساسی به حال هواپیماهای کشور نمیشود. تا حرفی هم می زنیم می گویند تحریم هستیم. اول اینکه قعطات هواپیما که جزو اقلام تحریمی نیست و دوم اینکه این همه نامه نگاری علنی و محرمانه دارند، یک نامه ای هم برای رفع تحریم هواپیماها بنویسند و امتیازی بدهند و امتیازی بگیرند و وضعیت هواپیمایی را سر و سامان دهند. به خدا جان مردم بیشتر از اینها می ارزد.

الویت تازه راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر؟!

علیرضا: رئیس جدید سازمان انرژی اتمی در نخستین بازدید خود از نیروگاه اتمی بوشهر تاکید کرده که راه اندازی و بهره برداری ایمن نیروگاه بوشهر اولویت سازمان است. خدا را شکر که پس از گذشت ده سال از انعقاد قرارداد با پیمانکار روسی تازه الویت راه اندازی نیروگاه بوشهر مشخص شده است و حتما تا قبل از این راه اندازی شیتیره ای نیروگاه بوشهر مد نظر بوده! که حالا رئیس تازه آن بهره برداری ایمنی را الویت سازمانش می داند. در حالی راه اندازی ایمن نخستین نیروگاه هسته ای ایران برای رئیس سازمان انرژی اتمی حائز اهمیت شده که راه اندازی به موقع آن هنوز در هاله ای از ابهام قرار دارد و اساساً نمی توان زمانی برای راه اندازی این نیروگاه متصور بود که اکنون قرار است فدای ایمن سازی شود. بیش از ۱۰ سال است که پیمانکاران روس ماموریت تکمیل و راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر را برعهده دارند اما هربار با بدقولی ها و عدم پایبندی به تعهدات خود راه اندازی آنرا با تاخیر مواجه کرده اند و نیروگاهی که روسها تعهد کرده بود تا سال ۲۰۰۰ میلادی آنرا تحویل دهند با هزینه یک میلیارد و دویست میلیون دلاری هم خبری از راه اندازیش نیست و حالا هم که صحبت از راه اندازی ایمنی شده، خدا می داند که چقدر دیگر راه اندازی آن عقب بیفتد.

هنر کشی تا کجا؟!

امین چاهشوری

ساعت ۱۲ ظهر روز چهار شنبه وارد کشتیرانی والفجر ۸ شدیم تا به اتفاق دیگراعضای گروه نمایش برای اجرای نمایش به مناسبت میلاد امام زمان (عج) راهی جزیره خارگ بشیم. گروه موسیقی محلی شبدیز نیز به ترمینال والفجر آمده بود تا به اتفاق هم این سفر دریا یی رو آغاز کنیم.

هوا بسیار گرم و طاقت فرسا بود و رطوبت بالا نفس کشیدن رو مشکل می ساخت و آفتاب پوست رو می سوزوند.

ما بچه های نمایش کمی زودتر سوار کشتی فیروزه شدیم ولی از ورود بچه های موسیقی به دلیل داشتن ساز و سیستم صوتی ممانعت شد و با رفتار نامناسب و تند کاپیتان کشتی مجبور شدند وسایل را مجددا به ماشین برگردانند و در این گرما راه آمده شده را باز گردند. هیچ کدام از مسئولین حاضر در اسکله، کوچک ترین تلاشی برای متقاعد کردن کاپیتان و دیگر خدمه انجام نداد و تلاش های آقای عمادی مدیر و مجری برنامه به در بسته خورد تا کشتی از اسکله به مقصد خارگ جدا شد و ما حیرت زده در حال تماشا ......!!!(تو این گرما چه حسی به آدم دست میده)

این حادثه تلنگری برای ما بود تا خودمون رو هر چه بیشتر آماده ی مواجه شدن با هر گونه حرکت نامناسب ضد هنری و غیر فرهنگی کنیم.

حدسمون هم درست بود این پایان بی حرمتی برخورد بد با یک گروه هنری نبود. به معض ورود به اسکله ی خارک گروه اجرایی خانم های گروه را که یکی خواهرم و دیگری همسر همکار من بود از ما جدا کردند و در خوابگاهی دور از ما اسکان دادند و قول رسیدگی به این مشکل به نتیجه ای نرسید.

این اولین باری بود که بعد از این همه رفت آمد و اجرا در خارگ ، مسئولین اینگونه ما را به دلیل نبودن و فقدان فرهنگ کافی (مسئولین) در خارگ از هم جدا می کردند. نمونه اش را هیچ جا ندیده بودم حتی برای نهار و شام هم برامون دو رستوران مجزا تدارک دیده بودند (شاید میخواستند پز زیاد بودن رستوران را در خاک به ما بدند) (البته با اعتراض شدید ما از شب دوم این مشکل حل شد).

تمام روز، تا ۲ ساعت قبل اجرا رو باید در سوییت می ماندیم و تنها وسیله تفریحی تلویزیون بود (مردیم فیلم تکراری دیدن).

ظهر روز دوم با هماهنگی هایی که شده بود گروه موسیقی هم به خارک رسید و جالبه که هر مسئولی، مسئول دیگر رو مقصر این ورود با تاخیر میدونست و خودشان را به نوعی مبرا می کردند، ولی این وسط کسی متوجه ی جریحه دار شدند روحیه ی هنرمند بیچاره توی آن گرما نبود و فکری برای حرمت از دست رفته ی این قشر مظلوم نداشت!!!

همچنان داشتیم به هنرمند بودن خود افتخار می کردیم و مشکلات بوجود آمده را به فراموشی می سپردیم، تا اجرای شب اول به خوبی و هر چه تمام تر به اتمام رسید و همه ی مخاطبان را با روحیه ای شاد در شب میلاد راهی خانه کردیم و مسئولین با غرور به خودشان می بالیدن...!

شب دوم آغاز شد و همه چیز مهیای اجرای جشن شده بود و بر جمعیت افزوده می شد و خیلی ها سر پا ایستاده بودند.

گروه موسیقی اجرای خودش را آغاز کرد و در این فرصت ما مشغول آماده شدن بودیم،که یهو یکی از مسئولین وارد شد و با خونسردی گفت از بالا دستو رسیده گروه نمایش اجازه اجرا نداره !!! ما یکه خوردیم و هاج و واج و گیج و منگ و متحیر جا خورده به هم نگاه می کردیم !!!!

– چرا به چه دلیل؟

– مدیرکل مشهد تشریف دارند و فرمودند چون این گروه عضو خانم دارند و مردم خارگ ظرفیت فرهنگی بالایی ندارند و شما باعث تحریکشان می شوید، نباید اجرا کنید!!!

دیگه این بی حرمتی رو نمیشد تحمل کرد حتی بعضی از مسئولین وقتی شنیدند متحیر شده بودند و جواب قانع کننده ای نداشتند که بدند ...

فردا صبح با پرواز راهی بوشهر شدیم تا شب سوم اجرا را مثل شب گذشته گروه موسیقی به تنهایی به اجرا بپردازد و مدیر کل در مشهد راحت به استراحت بپردازند!!

منبع : وبلاک http://chiilfech.blogfa.com –

گفت و گو با کاوه دائمی تهرانیان آهنگساز و نوازنده‌ی سنتور:

در این وضعیت جرأت نمی کنم کنسرت برگزار کنم!

گفتگو از محسن قیصی زاده



پیش‌درآمد: چهار برادرش همگی ساز پدر را در دست گرفتند و تار نواختند، اما در خانواده‌ی تارنوازان، یکی از برادران سنت‌شکنی کرد و سنتور را برگزید. این برادر که ساز مخالف دست گرفته بود، سنتور را نزد اساتیدی همچون استاد مرحوم بیضایی و استاد مرحوم سرخوش فرا گرفت و سپس به اقتضای شغل پدر از تهران راهی شهر مادری – آباده – شد. در این شهر به عنوان نوازنده‌ی اُرگ و سنتور وارد گروه سرود آباده شد و با استاد احمد توکلی همکاری خود را آغاز کرد که حاصل این همکاری دوجانبه، آهنگسازی سرودهای خاطره‌انگیز و معروف «مادر برام قصه بگو، قصه‌ی بابا رو بگو»، «نمی‌دونم چرا دل بی‌قراره، هوای دشت تنگستون رو داره» و... بود که تا هنوز خیلی از کودکانِ دیروز این سرودها را در یاد خود به یادگار دارند. در همین دوران چندین مقام کشوری را تا پایان دوران دبیرستان کسب نمود. پس از دوران دبیرستان چندین‌بار در مسابقات موسیقی «جوان» نیز افتخارات و موفقیت‌های خود را تکرار کرد و مقام‌های برتر را از آن خود نمود. در دانشگاه یزد رشته‌ی برق قدرت خواند و همزمان با آن موسیقی را به صورت آکادمیک نیز پی گرفت. وی تحول در دیدگاه خود نسبت به موسیقی و آهنگسازی امروز را مدیون آشنایی با سبک و حضور در کلاس‌های استاد پرویز مشکاتیان می‌داند. همچنین رضایی‌نژاد، رحیمی‌منش از دیگر اساتیدی هستند که تهرانیان از محضر آنان بهره برده است. تهرانیان بیش از یک دهه است که در نیروگاه اتمی بوشهر مشغول به کار می‌باشد.

***

– وضعیت کنونی موسیقی سنتی کشور را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

– موسیقی اصیل ایرانی که به اشتباه عنوان موسیقی سنتی را یدک می‌کشد، متأسفانه این‌قدر مظلوم واقع شده که جا دارد سالیان سال به حالش گریه کرد! چه از طرف خود اساتید موسیقی اصیل و چه از طرف رسانه‌ها و نهادهای دولتی این موسیقی به شدت مظلوم واقع شده است. به همین علت هم موسیقی غربی خودش را بیش از پیش نشان داده و نقش غالب را ایفا می‌کند. البته قصد نفی و نقد موسیقی غربی را نداریم. اما مثلاً اگر یک جوان دبیرستانی را مورد خطاب قرار دهیم که در مورد گیتار صحبت کند، شاید تعداد سیم‌های گیتار را هم برای شما بشمارد، اما همین فرد شاید فرق بین تار و سه‌تار و سنتور را نداند! جا دارد تدبیری برای این از خودبیگانگی اندیشیده شود. ما از نظر موسیقی بسیار غنی هستیم، ولی خودمان قدر خود را نمی‌دانیم.

– تقریباً همه‌ی دست‌اندرکاران و اساتید موسیقی در مورد کم‌کاری و بد عمل کردن صدا و سیما در حوزه‌ی موسیقی متفق‌القولند، اما شما به مظلومیت موسیقی از جانب اساتید این رشته اشاره کردید. اساتید موسیقی چگونه در حق این رشته ظلم می‌کنند؟

– ببینید، الان شخصی مثل استاد شجریان – خسرو آواز ایران – هر چندسال یک بار کنسرتی در تهران برگزار می‌کند و تمام می‌شود و می‌رود. منِ نوعی به عنوان یکی از عاشقان موسیقی که در جنوب ایران زندگی می‌کنم، شاید بتوانم تنها گوشه‌هایی از اجرای برنامه‌ی ایشان را از طریق سی‌دی و... ببینم. هیچ زمانی اساتید تصمیم به برگزاری کنسرتی در سراسر ایران نگرفته‌اند تا برای بقیه‌ی ملت هم برنامه اجرا کنند و پیش خود فکر کنند که آن کسی که در جنوب و شما و شرق و غرب ایران است و دسترسی به ما ندارد، او هم حق دارد که از هنر ما بهره‌مند شود. نکته این است که الان اساتیدی که حرفی برای گفتن دارند، خاموش شده‌اند و گوشه‌ی عزلت گزیده‌اند. شما چند سال است که کاری شش‌دانگ از استاد مشکاتیان نشنیده‌اید؟ کو نشانی از کاست‌هایی مثل «بیداد»، «دستان» و «نوا»؟! چرا ادامه نیافت؟!

– شما خودتان هم که دستی بر آتش دارید؛ می‌دانید که برای برگزاری یک کنسرت ساده در این کشور چه موانع عجیب و غریب و سنگ‌اندازی‌ها و قطع برق‌هایی قبل و در هنگام و بعد از برگزاری وجود دارد.

– صد در صد در جریان این مشکلات هستم. شما هم درد دل‌های استاد شجریان را شنیده‌اید که می‌گوید در کنسرت اروپا فقط به فکر اجرا هستم و همه‌چیز از سالن و صدابردار و... از قبل آماده است و هیچ دغدغه‌ای ندارم، اما برای کنسرت در ایران از چند ماه قبل از کنسرت تا چند ماه بعد از کنسرت باید برای همه‌چیز از بلیط فروشی گرفته تا صدابردار و سالن و مجوز و همه و همه شخصاً پیگیری و دوندگی کرد. به هر حال هر کسی باشد به طور فرسایشی خسته می‌شود و کم می‌آورد. حالا وقتی در پایتخت وضعیت بدین‌منوال باشد، وای به حال شهرهای دیگر.

– خوب است که خودتان هم این مشکلات را قبول دارید. به هر حال در این "شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل"، چه انتظاری از کسی مثل استاد شجریان برای فعالیت گسترده‌ی هنری دارید؟

– ایشان متعلق به خودش نیست؛ وقتی می‌گوییم «خسرو آواز ایران» یعنی کسی که متعلق به همه‌ی ملت ایران است. وقتی ما می‌گوییم استاد هوشنگ ظریف یا استاد محمد لطفی این اساتید تنها متعلق به خودشان و منطقه‌ی جغرافیایی خاصی نیستند، کل ملت ایران باید پژواک نوای سازهای ایشان را در گوش خود داشته باشد. ما دل‌مان می‌خواهد که این اساتید وارد گود شوند، حالا اگر قرار است با هر مشکلاتی دست و پنجه نرم کنند، باید بروند و دست و پنجه نرم کنند!

– حتماً خودتان هم شنیده‌اید که در کنار لقبی همچون «خسرو آواز ایران»، این روزها کلمات وحشتناکی همچون وطن‌فروش و نمک‌به حرام و... هم پسوند نام استاد می‌شود!! در این فضایی که حرمت هیچ‌کس پاس داشته نمی‌شود، آیا باز هم می‌توان زخمه‌ای زد و آوازی پژواک داد؟

– به هر حال ما توقع‌مان به حق بالا است. اگر مشکلات هزاربار بیشتر و بدتر از این باشد، باز هم توقع داریم اساتید حضوری فعال و پویا داشته باشند. ما انتظار داریم که معجزه کنند.

– از میان این همه مشکلات عدیده‌ای که اهالی ساز و آواز با آن روبرو هستند، اگر بخواهی مهم‌ترین‌شان را برشماری، چه مشکلی را بازگو می‌کنی؟

– سؤال خیلی دشواری است، شاید غیر ممکن باشد از این زنجیره فقط یک حلقه را جدا کنی و به عنوان مشکل عمده نام ببری. می‌توان این‌گونه گفت که بزرگ‌ترین مشکل، عدم هماهنگی است. حالا این عدم هماهنگی هم بین خود هنرمندان است، هم عدم هماهنگی بین مسؤولین و هنرمندان و...!

– نقد و انتقاد از صدا و سیما از سوی اهالی هنر به ویژه موسیقی طی سالیان اخیر مُد شده، ولی به دلیل نقشی که این رسانه دارد، ناگزیر این سؤال را با شما هم مطرح می‌کنیم. نقش و عملکرد این رسانه را در عرصه‌ی موسیقی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

– صدا و سیما می‌تواند نه تنها موسیقی، بلکه‌ی همه‌ی هنرهای ملی را به ملت ما و حتا دیگر ملت‌ها بشناساند. در مورد موسیقی، هر وقت آهنگی پخش می‌شود همراه با گل و بلبل و جویبار و زنبور و... است! جوان ما هنوز ساز را در سیما ندیده! سازها پشت میز و دکور و دسته‌گل‌های بزرگ پنهان می‌شوند تا خدای ناکرده بیننده حتا مضراب‌ها را نبیند و گناهی کبیره و نابخشودنی مرتکب شود و به حرام بیفتد! مگر همین سنتور پشت ویترین مغازه‌ها به فروش نمی‌رسد و جوانان ما آن‌جا ساز را نمی‌بینند؟! شیشه‌ی تلویزیون چه فرقی با شیشه‌ی مغازه دارد و چه تناقض و گناهی در این سازها نهفته است که در تلویزیون حرام هستند و نشان داده نمی‌شوند؟ شما کافی‌ست به فرهنگسراها مراجعه کنید تا ببینید مثلاً متقاضی یادگیری ساز تار چقدر هست و در مقابل متقاضیان یادگیری گیتار چه تعدادند.

– اگر بخواهید نمره‌ای به صدا و سیما بدهید، از بیست نمره چه نمره‌ای پای برگه‌ی این رسانه می‌گذارید؟

– من به صدا و سیما نمره نمی‌دهم. برگه‌های صدا و سیما قابل تصحیح نیست و اصلاً دوست ندارم معلم چنین دانش‌آموزی باشم!

– گویا چند کار شما با مشکل مجوز روبرو شده و دل پُری از این مسأله دارید؟

– دلم نمی‌خواست وارد این مسأله بشویم، ولی گفتی و کردی و کبابم! همین را بگویم که الان گرفتن مجوز کار بسیار بسیار سخت و دشواری‌ست و شاید خیلی هم فنی روی این مقوله عمل نشود، یعنی کسانی که برای موسیقی مجوز صادر می‌کنند، به کارهایی مجوز می‌دهند که از نظر فنی نمره‌ای بالاتر از صفر نداشته باشد، اما کارهایی را هم می‌شناسم که در عین استادی و مهارت ساخته شده، اما سالیانِ سال پشت درهای بسته‌ی مجوز مانده‌اند.

– آیا صحبت از پشت‌پرده است؟

– نمی‌دانم، واقعاً نمی‌دانم. اگر می‌دانستم و بلد بودم، شاید برخی از کارهای خودم که رد شدند، مجوز می‌گرفت.

– در سالیان اخیر هنر موسیقی نسبت به گذشته چه روندی داشته است؟

– صد در صد پسرفت داشته است. شما کارهای دهه‌ی شصت و اوایل هفتاد را در نظر بگیرید و مقایسه کنید با کارهایی که الان می‌شنویم. خودتان متوجه این پسرفت خواهید شد. الان موسیقی ما خیلی ناخالصی دارد و سره کم یافت می‌شود.

– آیا کسانی که به عنوان متولیان و سیاست‌گزاران موسیقی به ویژه در نهادهای دولتی منصوب شده‌اند، شایستگی احراز چنین مسؤولیت‌هایی دارند؟

– اگر شایستگی داشتند که الان وضعیت موسیقی‌مان به این‌جا نرسیده بود!

– چه دردها و زخم‌ها و چه حرف‌هایی در دلت می‌ماند که نمی‌توانی با ساز و موسیقی بیان کنی؟

– درد و زخم و حرف که بسیار است. به قول معروف آن‌جا که سخن باز می‌ماند، موسیقی آغاز می‌شود. اما جایی می‌رسد که ساز هم از صدا باز می‌ماند و اگر این درد را با سازت درددل کنی، ساز با شما قهر می‌کند یا می‌ترکد و آتش می‌گیرد. خیلی دردها هست. بزرگ‌ترین درد همان مهجور بودن موسیقی اصیل ماست و از هر صد نفری که طرف موسیقی می‌آیند، شاید نود نفرشان اعتنایی به موسیقی اصیل ایرانی ندارند. می‌طلبد که مسؤولین فکری کنند و پیش از آن‌که فرهنگ اصیل ما منحرف و منقرض شود، چاره‌ای بیندیشند.

– فکر نمی‌کنید به امید مسؤولین نشستن دیگر کافی‌ست و باید سوی امید را متوجه خود کرد؟

– خوب چگونه و از کجا می‌توان شروع کرد، وقتی تمام شاهراه‌ها و باریک‌راه‌ها و حتا پس‌کوچه‌ها در دست مسؤولین دولتی است و برای کوچک‌ترین فعالیت باید بالاخره از این مسیرها عبور کنی! به نظرم کسانی که دست‌اندرکار این قضیه هستند یا باید کنار بروند تا هنرمندان مسؤولیت‌ها را بپذیرند، یا باید هنری بیندیشند.

– شما مدت مدیدی‌ست که در بوشهر سکونت دارید. چرا تا کنون بوشهری‌ها از شما یک کنسرت ندیده‌اند؟

– من در سال ۸۱ گروه «پرنیان» را از بین همکاران نیروگاه اتمی تشکیل دادم که تا الان به طور مرتب گرد هم می‌آییم و تمرین می‌کنیم. چندین‌بار هم برای همکاران خودمان در سالن‌های نیروگاه و نیز سالن مجتمع فرهنگی اجرا داشته‌ایم و رضایت ایشان را هم جلب کرده‌ایم. اما وقتی من می‌بینم که استاد شکارچی به بوشهر می‌آید و کنسرت برگزار می‌کند و فقط ۵۰ نفر در شب اول برای کنسرت ایشان در سالن حضور می‌یابند، من جرأت نمی‌کنم کنسرت برگزار کنم.

– فکر می‌کنید چرا موسیقی در بوشهر به این حال و روز افتاده؛ شب‌هایی را شاهد بوده‌ایم که کنسرت‌های موسیقی با استقبال چشمگیر مردم مواجه می‌شد به طوری که شب‌ها و سانس‌های اجرا پی در پی تمدید می‌شد.

– باز هم باید تقصیر را متوجه نهادهایی همچون صدا و سیما، ارشاد و... دانست. بیایید اساتید بزرگ بوشهر را دور هم جمع کنید و سؤال کنید وقتی گروه مطرح و بزرگی مثل «مفتون» در بوشهر شکل می‌گیرد با آن قدرت اجرا و استادی تمام برنامه اجرا می‌کند، چرا این گروه باید از هم بپاشد؟! شما اول سراغ آن اساتید بروید و این سؤال را از ایشان بپرسید. به عنوان نمونه چرا بابک دشتی‌نژاد که یکی از بهترین نوازنده‌های سنتور است، این همه کم‌کار شده؟! چرا اساتید بوشهری گروهی تشکیل نمی‌دهند و کنسرتی برگزار نمی‌کنند؟ البته فکر می‌کنم در بوشهر کار کردن خیلی مشکل باشد.

– بحث بوشهر شد. چه شناختی از موسیقی فولکلور و سنتی بوشهر دارید و این فعالیت‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

– موسیقی فولکلور بوشهر را با محسن شریفیان می‌شناسم. مقالات ایشان را در مجله‌ی هنر موسیقی دنبال می‌کردم، ضمن این‌که قبل از آن از طریق کتاب مرحوم مسعودیه با این موسیقی آشنا شده بودم. محسن شریفیان به همراه گروه «مروارید لیان» گروه بسیار موفقی‌ست و فکر می‌کنم یکی از برترین گروه‌های فولکلور ایران باشد. اما موسیقی سنتی را با گروه «مفتون» می‌شناسم؛ گروهی که شاید دیگر فقط خاطره شده باشد و هر کدام از اساتید جداگانه فعالیت خود را پی می‌گیرند. گروهی که من بسیار دوستش می‌داشتم. ولی متأسفانه کار موسیقی سنتی بوشهر هم الان کم‌کم در حال افول است. و اما اگر بخواهم از روی شناخت قبلی ارزیابی کنم، من خودم در جشنواره‌ی فجر حضور داشتم و اجرای گروه «مفتون» را دیدم، کارشان بسیار عالی بود. اما الان چون کار خیلی کم ارایه می‌شود، نمی‌توان ارزیابی جامعی انجام داد، فقط هر دفعه کارهای تکراری اجرا شده را به گوش ما می‌رسانند که این واقعاً جای تأسف دارد.

– کلام آخر...!

– از هنرمندان بوشهری عاجزانه تقاضا می‌کنم دور هم جمع شوند و نگذارند بوشهر و موسیقی بوشهر از یادها برود. نگذاریم از گروهی مثل «مفتون» فقط نامی باقی بماند.

شفیعی و مگس دانستن روزنامه نگاران در روز خبرنگار

شفیعی مدیرکل ارشاد بوشهر در مراسم دولتی روز خبرنگار با انتقاد از برخی از نشریات استان بوشهر اظهار داشت: «بعضی مطبوعات متاسفانه تلاش می‌کنند که سیاه‌نمایی کنند و مثل مگس روی چیزهایی که به درد نمی‌خورد، بنشینند.»

بیان این سخنان توهین آمیز از سوی مدیرکل ارشاد بوشهر که باید حامی اصلی روزنامه نگاران باشد و تشبیه روزنامه نگاران به مگس که روی کثافت می نشینند، اعتراض روزنامه نگاران را برانگیخت بطوریکه تعدادی از سایت های خبری استان در هفته گذشته در مطالبی به انتقاد از شفیعی پرداختند.

قبل از این دربندی معاون ارشاد نیز تعدادی از هنرمندان را کجروانی دانسته بود که نیاز به اصلاح دارند. در آن زمان نیز این سخنان دربندی مورد اعتراض شدید هنرمندان و روزنامه نگاران قرار گرفت بطوریکه تعداد زیادی از آنها با امضای طوماری خواستار معذرت خواهی شفیعی و برکناری دربندی شدند، که شفیعی نه تنها اقدام به چنین کاری نکرد که در دفاع از معاون خود، سعی در توجیه سخنان توهین آمیز وی نیز نمود.

بیان این سخنان در مراسم دولتی روز خبرنگار توسط شفیعی در حالی صورت گرفت که از حدود صد نفر از شرکت کنندگان این مراسم که بیشتر آنان بوسیله مینی بوس از شهرستانهای استان به این مراسم آمده بودند، تعداد اندکی از خبرنگاران و روزنامه نگاران نشریات استان حضور داشتند و از بیش از ۲۰ مدیر مسئول نشریات استان، تنها دو الی سه نفر در این مراسم شرکت کرده بودند. تحریم این مراسم از سوی مطبوعات و مدیران مسئول نشریات اصلاح طلب و اصولگرا نشان از اعتراض این دو طیف از نشریات به وضعیت مدیریت شفیعی در اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر دارد.

اعتراض مدیر سایت مند نیوز:

شفیعی نشان داد که هنوز بغض هایی نسبت به خبرنگاران و جامعه خبری دارد

مدیر سایت مند نیوز در یادداشتی نسبت به نحوه برگزاری روز خبرنگار توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی بوشهر، اعتراض نمود. متن این یادداشت که در این سایت آمده است بدینگونه است:

۱۷ مرداد مصادف بود با روز خبرنگار و اداره کل ارشاد نیز در مراسمی به تجلیل از خبرنگاران پرداخت. اما آقای شفیعی مدیرکل ارشاد اسلامی استان نشان داد که هنوز بغض هایی نسبت به خبرنگاران و جامعه خبری دارد. چیزی که در سال های اخیر بسیار نشان داده و از تحریم آگهی نشریات گرفته تا حذف برخی نشریات در تابلوی اداره کل و درگیری با نشریات و مدیران محلی آن و به رسمیت نشناختن خانه مطبوعات.

در این روز بهتر بود اعلام می شد تجلیل از خبرنگاران هم سو. این روز هم چنین تجلیلی بود از نشریات و رسانه های مجازی همفکر مدیر کل ارشاد و به ظن جناب شفیعی تنها کسانی خبرنگار محسوب می شوند که مطابق میل او عمل کنند.

شفیعی در سخنان خود بخشی از خبرنگاران را مگس هایی دانست که روی آشغال می نشینند و با این توصیف در استان بوشهر غالب خبرنگاران مگس محسوب می شوند.

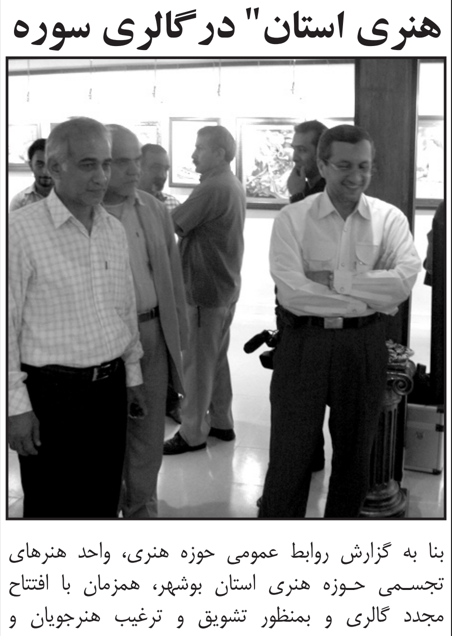
در تجلیل از رسانه های مجازی نیز رعایت انصاف صورت نگرفت و تنها ازچند سایت خبری که هم خط و هم اقلیمی مدیر کل هستند تجلیل شد. دعوت از سخنرانی که تجربه ای در دنیای خبری نداشت هم در جای خود جالب بود که گویا قصد خواندن انشا را داشت و ا گر برای دعوت و آوردن او اداره ارشاد هزینه کرده باشد حرام کردن هزینه بوده است.

در این روز جای روزنامه نگاران با تجربه و مدیران مسوول نشریاتی اعم از نسیم، نصیر، بیرمی، خلیج فارس، پیام جنوب و... خالی بود و جز یکی دو مدیر مسئول، مدیر دیگری حضور نداشت یا دعوت نشده بود.

افتتاح گالری سوره و گارگاه نمایش حوزه هنری استان بوشهر

به گزارش روابط عمومی حوزه هنری ، گالری سوره و گارگاه نمایش حوزه هنری استان بوشهر افتتاح گردید.در این مراسم که با حضور مسئولین،هنرمندان رشته های مختلف هنری و علاقمندان هنر همراه بود دو سالن نمایشگاه با عنوان سوره و همچنین سالن مجهز شده نمایش حوزه به بهره برداری رسید.

نمایشگاه " نقاشی هنرجویان حوزه هنری استان" درگالری سوره

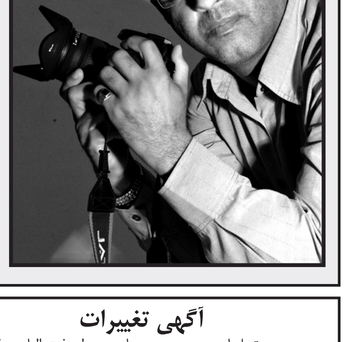


بنا به گزارش روابط عمومی حوزه هنری، واحد هنرهای تجسمی حوزه هنری استان بوشهر، همزمان با افتتاح مجدد گالری و بمنظور تشویق و ترغیب هنرجویان و علاقمندان،اقدام به برگزاری نمایشگاه نقاشی هنرجویان نموده است. هنرجویان حاضر در نمایشگاه عبارتند از: آمنه فروتن(مدرس) فاطمه نیک روش، نغمه منصوری ،مهدیه نظری، ملیحه جلودار، مرضیه آهنگر مقدم، یاسمن مغدانی، صدیقه صفری،احمدی، هدی نصاری، زهرا مغدانی و مانا بدیه.

این نمایشگاه تا ۲۷ مرداد درگالری سوره حوزه هنری واقع در میدان قدس ، بلوار رئیسعلی دلواری جهت بازدید علاقمندان دائر می باشد.

یافتن سوژه های جدید در عکاسی

محمود صادقی



قبل از شروع هر کاری تعیین هدف سودمند خواهد بود. اگر بدانید که به کجا می خواهید برسید و یا باید برسید سریع تر به مقصود خواهید رسید. حتی قادر خواهید بود پیشرفت کار خود را با دقت بیشتری بسنجید. مسئله اصلی این است که چگونه این ماشین بی فکر را در زمان و مکانی صحیح به کار بگیریم تا از میان سوژه های اطراف، عکسی به واقع جذاب و موثر را خلق کنیم.

چگونگی دیدن و شکل دادن به تصاویر مورد نظر برای عکاسی به اندازه مسایل و جزئیات تکنیکی دارای اهمیت بوده و بهره گیری از این قابلیت مهم نیازمند تمرین و تجربه بسیار است. برای شروع این جریان تفکر درباره اختلاف دیدن، با عکاسی کردن به شما کمک خواهد کرد. البته شما نباید این تفاوت ها را به عنوان نقطه شروع قلمداد کنید. موضوع اصلی این است که شما با فهمیدن این که صحنه رو به رویتان در نهایت چگونه دیده خواهد شد، دست به تجسم آثار آنی تان می زنید. این مسئله کار شما را در هنگام عکاسی بسیار ساده تر می کند. شما باید با تمرین بسیار چشم هایتان را تعلیم دهید که صحنه ها را خوب بگیرند. عکاسی هنر توانایی دیدن است که از این مسئله ما باید استفاده کافی در جهت ثبت لحظه قطعی داشته باشیم. تنها با تمرین و کسب تجربه می توانیم تفاوت ها را از قبل پیش بینی کرده و به درستی حدس بزنید که تصاویر شما چگونه دیده خواهد شد. پس ما در عکاسی کمبود سوژه نداریم. مشکل ما چگونه دیدن و چگونه ثبت کردن می باشد.

مصاحبه با دکتر منوچهر قیصی زاده رئیس سازمان نظام پزشکی استان بوشهر:

باید پزشکان را برای خدمت در بوشهر، دلگرم نمود

فراهم نمودن زیرساخت های رفاه پزشکان همراه با تأمین امنیت شغلی آنان، از مهم ترین درخواست های پزشکان است

به مناسبت گرامیداشت روز پزشک

مصاحبه : نسیم فقیه



– در آستانه روز پزشک قرار داریم بی مناسبت نیست اگر نگاهی به وضعیت درمانی بوشهر بیاندازیم. برخی مردم از کمبود پزشک متخصص و امکانات درمانی در بوشهر گلایه دارند. چرا شاهد کمبود پزشکان متخصص در بوشهر هستیم و آنان ترجیح می دهند که در بوشهر طبابت نکنند؟

– ابتدا لازم می دانم که یکم شهریور ماه روز پزشک و پنجم شهریور ماه روز داروساز را به حضور کلیه همکاران محترم عضو سازمان نظام پزشکی خصوصا همکاران شاغل در استان عزیزمان بوشهر که به طور شبانه روزی در خدمت مردم استان هستند، تبریک و تهنیت عرض نمایم. توزیع و جذب گروه های مختلف پزشکی بر اساس شاخص های جمعیتی استاندارد و سازمان نظام پزشکی و وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی صورت می گیرد و بر اساس این شاخص ها، ما در حال حاضر در شهرستان بوشهر کمبود نیروی متخصص نداریم و در سطح شهرستان های استان نیز با جذب چشمگیر نیروی متخصص در چند سال اخیر خصوصا سال گذشته بسیاری از نیازها مرتفع گردیده، به طوری که شهرستان دیلم پس از سال ها دارای بیمارستان و پزشک متخصص گردیده، یا در شهرستان کنگان متخصص مغز و اعصاب مشغول به کار گردیده است. در حال حاضر اکثر شهرستان های استان، پزشک متخصص چهار رشته اصلی را دارا هستند و سطح خدمات درمانی افزایش چشمگیری یافته است. با برنامه ریزی های منسجم در مرکز استان هنگام مرخصی و عدم حضور این عزیزان نیز پوشش های لازم از طریق مراکز درمانی مجاور و مرکز استان ارایه می گردد. اما باید اذعان کرد که این وضعیت نیز نباید ما را از تلاش و حرکت باز داشته و مانع جذب نیروهای متخصص با تنوع و تعداد بیشتر گردد.

در نگاه اول همگان وضعیت آب و هوایی را بزرگترین مشکل در مهاجرت افراد از بوشهر می دانند در حالی که در کشور عزیزمان ایران، اقلیم های بسیار بد آب و هواتر از بوشهر وجود دارند که در جذب کلیه نیروهای تخصصی از جمله پزشکان بسیار موفق عمل کرده اند و به نظر می رسد که استان بوشهر با قابلیت و توانایی بسیار بالای خود، می تواند از جایگاه مناسب تری برخوردار گردد. عمده ترین عامل عدم ماندگاری پزشکان و طبعا سایر نیروهای متخصص در استان بوشهر، فقدان زیرساخت های لازم در حد شأن و جایگاه شهرستان مرکز استان می باشد که رفع آن عزم جدی مسئولین و مدیران ارشد استان و حتی کشور را می طلبد. هدف همگان از کار، زندگی مناسب و کسب رفاه حداقلی خود و اعضای خانواده است. فقدان آموزشگاه های مناسب، نبود فضای سبز و بوستان های مناسب، نبود مبلمان شهری در خور شأن مرکز استان و مسائلی از این قبیل و از همه مهم تر مهیا نبودن فضای کار و فعالیت پزشکان در بیمارستان خصوصی که به حمدالله مسئولین ارشد استان نیز به این نکته واقف گردیده اند، و از سویی فقدان جاذبه های لازم نظیر اختصاص زمین در سطح شهر بوشهر به تعاونی مسکن سازمان نظام پزشکی جهت احدث کوی پزشکان، عدم برخورداری از معافیت های لازم نظیر عوارض نصب تابلو مطب، مالیات مشاغل و ... ، عدم در نظر گرفتن تسهیلات بانکی ویژه و ... همه و همه عواملی هستند که ضریب ماندگاری این عزیزان در استان بوشهر را به شدت کاهش می دهند.

– وقتی که پزشکان متخصص حاضر به زندگی در بوشهر نیستند، چرا دانشگاه علوم پزشکی و مسئولین مربوطه اقدام به بورس پزشکان بومی برای دوره های تخصصی و اخذ تعهد از آنان برای طبابت در بوشهر به اندازه کافی نکرده اند؟

– این پیشنهاد را اینجانب در سال ۱۳۷۶ به ریاست وقت دانشگاه علوم پزشکی بوشهر ارایه نمودم که علیرغم پیگیری ایشان عملی نگردید. لیکن معتقدم که با عزم جدی و حمایت مسئولین استان و با رایزنی با وزارت بهداشت، امری محال نیست البته وزارت بهداشت در طی این سال ها با اجرای طرح های مختلف از جمله در نظر گرفتن امتیازات خدمت در مناطق محروم و در نظر گرفتن سهمیه بندی خاص مناطق محروم تا حدود زیادی سمت و سوی جذب دانشجوی دوره ی تخصصی را به این جهت سوق داده است، لیکن با توجه به طول دوره تخصصی در چند سال آینده نتایج آن به بار خواهد نشست.

– برخی از مردم از وضعیت برخورد پزشکان و عدم رسیدگی کامل به بیماران خود در بیمارستان بوشهر گلایه مندند، نظر شما به عنوان رئیس این بیمارستان چیست؟

– ضمن ادای احترام به نظرات تک تن شهروندان عزیز و استقبال از نظرات و انتقادات و پیشنهادات سازنده این عزیزان، باید به اطلاع مردم عزیز برسانم که کلیه پزشکان و پرستاران و کارکنان مرکز آموزشی – درمانی حضرت فاطمه زهرا (س) با جان و دل در خدمت بیماران بوده و هستند و علیرغم تمام کاستی ها به طور شبانه روزی و ایثارگرانه به مداوای بیماران می پردازند. و این اطمینان را به مردم عزیز می دهم که رسیدگی درمانی به بیماران در نهایت سعی و توان کادر درمانی در حال انجام است. آمار و اطلاعات حاکی از توان عظیم این مرکز درمانی و نیروهای شاغل آن در خدمت رسانی به مردم عزیز می باشد. کار پرستاری و طبابت از کارهای سخت و طاقت فرسا شناخته شده و طبعا شاغلین این حرفه تحت فشارهای روحی و روانی قرار دارند. لیکن لزوم رعایت کرامت و شان بیمار و همراه وی نیز همواره مورد تأکید قرار می گیرد.

– آیا امکانات رفاهی و مالی کافی در اختیار پزشکان در بوشهر قرار می گیرد که آنان را نسبت به کار خود دلگرم نماید ؟

– درخصوص امکانات رفاهی، همان طور که ذکر شده ، عزم جدی مسئولین ارشد استان را می طلبد و اقداماتی از قبیل اختصاص زمین مناسب در شهر بوشهر به تعاونی مسکن سازمان نظام پزشکی، در نظر گرفتن اعتبارات لازم جهت ساخت منازل سازمانی، در نظر گرفتن تسهیلات بانکی کم بهره جهت پزشکان،



تسهیل در ساخت بیمارستان خصوصی با توجه به مجوز اخذ شده از وزارت بهداشت و .... اقداماتی است که می تواند باعث ایجاد دلگرمی پزشکان گردد.

– تعدادی از مراجعه کنندگان به نظام پزشکی از تأخیر در رسیدگی به شکایت آنان از پزشکان گلایه دارند. مراحل رسیدگی به شکایات مردمی چگونه است و معمولا چه مدت به طول می انجامد؟

– سازمان نظام پزشکی دارای تشکیلات حقوقی شامل دادسرا، دادستان، هیئت بدوی و انتظامی شهرستان، هیئت تجدید نظر انتظامی استان و هیئت عالی انتظامی تهران است که با توجه به تخصصی بودن پرونده های پزشکی مستلزم بررسی کارشناسانه ی دقیق و همه جانبه توسط تشکیلات قضائی سازمان و پزشکان متخصص مربوطه می باشد که البته با توجه به سیر پرونده های عادی قضایی از یک سو و پاره وقت بودن و همکاری اعضاء این تشکیلات با سازمان نظام پزشکی سیر رسیدگی به پرونده های انتظامی از روند معقول و منطقی برخوردارمی باشد.

– کمبود امکانات درمانی و فرسودگی بیمارستان بوشهر فشار زیادی را بر پزشکان و نحوه ی درمان بیماران وارد می آورد به طوری که در بسیاری از مواقع پزشکان در امر مداوا با مشکل مواجه می شوند برای تأمین امکانات درمانی تأمین و بهبود امکانات درمانی در بیمارستان بوشهر چه انتظاری از مسئولین دارید؟

– با توجه به وضعیت آب وهوایی منطقه و استهلاک شدید تجهیزات پزشکی و ساختمانی، بازسازی و نوسازی این تجهیزات و فضاها هزینه بسیار بالایی دارد که انتظار داریم مسئولین استانی از طریق بودجه های استانی و تخصیص اعتبارات لازم این مشکلات را مرتفع سازند.

– راه اندازی بیمارستان در حال تأسیس بوشهر تا چند اندازه می تواند در رفع مشکلات درمانی بوشهر تأثیرگذار باشد؟

–همان طور که می دانید بیمارستان جدیدالاحداث بوشهر ۲۰۰ تخت خوابی است در حالی که در بیمارستان فاطمه زهرا فعلی ۳۵۰ تخت خواب مصوب و حدود ۲۳۰ تحت فعال دارد که در حال حاضر جوابگوی خیل مراجعین نمی باشد، لذا ضمن اینکه راه اندازی بیمارستان در فضای نو بنیاد، تا حدود زیادی رضایتمندی مردم را در بردارد، محدودیت خدمات قابل ارایه و کم شدن تخت های بیمارستانی، باعث کاهش کمیت خدمات خواهد شد لذا پیشنهاد می گردد که از هم اکنون مقامات استان نسبت به اخذ مجوز و کسب اعتبار ساخت بیمارستان ۲۰۰ تخت خوابی دیگری در کنار این بیمارستان اقدام نمایند که با انجام این کار تا سال های متمادی استان از حیث تعداد تخت های بیمارستانی خودکفا و بی نیاز گردد.

– به نظر شما مهم ترین درخواست پزشکان در حال حاضر چیست؟

– همان طور که قبلا ذکر شد، برخورداری از رفاه نسبی فرد و خانواده وی، باعث افزایش رضایتمندی و انگیزه کاری، علاقمندی به ماندگاری و ارایه هر چه بهتر خدمات وی به جامعه خواهد شد لذا فراهم نمودن زیرساخت های اشاره شده همراه با تأمین امنیت شغلی افراد از مهم ترین درخواست های پزشکان می باشد.

مصاحبه با دکتر افشین شیرکانی متخصص بیماری های کودکان و نوزادان:

پزشکی مجموعه ای از شغل ، عشق و هنر است

به مناسبت گرامیداشت روز پزشک



– لطفا خودتان را معرفی کنید؟

– افشین شیرکانی، متولد خورموج ، متولد ۱۳۵۱ هستم، شروع تحصیلم سال ۱۳۶۹ و دانشگاه علوم پزشکی تهران بود. بعد از آن تخصص بیماری های کودکان و نوزدان را گرفتم و چندین کارگروه علمی را هم در دانشگاه گرانین گن هلند گذارندیم.

– به نظر شما علاوه بر مهارتهای علمی و تجربی، برای یک پزشک موفق، مهمترین پیش نیاز چیست؟

– در واقع زنده نگه داشتن آن عشقی است که پیوسته به کارش دارد، که نتیجه آن هم در واقع نشاندن لبخند روی لب بیمار و مهیمانی کردن شادی در خانواده آن هاست.

– سخت ترین لحظه ای که در طول خدمت خود داشته اید؟

– پزشکی پیوسته با غم و اندوه و شادی بسیار زیادی همراه است و سخت ترین لحظه موقعی بود که علی رغم تلاشی که کردم و شب تا صبح بالای یک سر بیمارم بیدار ماندم ولی متأسفانه به دلیل سرطان، آن کودک فوت کرد.



– به نظر شما انتظار مردم از پزشکان چیست؟

– پزشک به عنوان تکیه گاه امید و سلامتی آن ها باشد و به عنوان یک الگوی سلامت پیوسته برای آن ها در وصل باشد.

– شما چه انتظاری از مردم دارید؟

– انتظار پزشک از مردم این است که مردم به پزشک اعتماد کنند و به حرفش دقیقا گوش بدهند و به اوهام و خرافات اعتقاد نداشته باشند و حرف کسانی که معمولا در امور پزشکی سررشته ندارند را کم تر گوش بدهند، و این ها را به عنوان پایه درمان خود در نظر نگیرند.

– آیا به نظر شما پزشکان همانند گذشته هنوز دلسوز بیماران خودند؟

– به نظر من اینگونه است، چون که پزشکان در هشت سال دفاع مقدس و در طول بحران های انقلاب همیشه در جهت سلامتی مردم پیشگام بوده اند و الان هم همین گونه است.

– به نظر شما پزشکی شامل چه مجموعه ای است؟

– پزشکی مجموعه ای از شغل ، عشق و هنر است و این سه ضلع مثلث، پیوسته ذهن و روح پزشک را آسمانی نگه می دارد.

– آیا حقیقت دارد که پول حرف آخر را در پزشکی می زند؟

– گرچه پول در حد یک زندگی شرافتمندانه لازم است، ولی آن چه که در پزشکی حرف آخر را می زند عشق و ایمان و اعتقاد او به ذات مقدس باریتعالی است.

– بزرگترین تعهد یک پزشک چیست؟

– بزرگترین تعهد یک پزشک حفظ جان بیمار و سلامتی اوست.

– این تعهد چگونه بدست می آید؟

– این تعهد بدست نمی آید مگر این که پزشک پیوسته عاشق باشد و بیمار وی نیز متقابلا به او اعتماد داشته باشد.

– به نظر شما مهمترین مشکلی که پزشکان با آن روبرو هستند چیست؟

– گذار در این جامعه ی مدرن و جهانی است که در این مرحله گذار پیوسته، بهم ریختگی فرهنگی جامعه و پزشک را متقابلا درگیر می سازد. عبور از جامعه سنتی و گذار به جامعه مدرن پیوسته الگوی بیماری ها را نیز دست خوش تغییر می سازد. که در این گیر و دار، گاه پزشک، بیمار و بیماری ممکن است درک مناسبی از همدیگر پیدا نکنند.

– وضعیت درمانی بوشهر به نظر شما چگونه است؟

– وضعیت درمانی استان به خصوص در سال های اخیر رشد قابل توجه ای داشته است، اکنون دانشگاه علوم پزشکی بوشهر با ۹ بیمارستان، ۲۳۲ پزشک متخصص، ۱۱ پزشک فوق تخصص و با بیش از ۱۰۰۰ تخت فعال بیمارستانی، حدود ۹۸ درصد از بیماران استان را سرویس دهی می کند. به خصوص اورژانس جاده ای و پیش بیمارستانی در سال های اخیر توسعه بسیار مطلوبی داشته است. به طوری که هم اکنون فاصله ی اورژانس های جاده ای به ۲۷ کیلومتر و زمان رسیدن اورژانس بر بالین مصدومین در شهر از ۱۱ دقیقه به ۵/۸ دقیقه و در جاده ها از ۲۰ دقیقه به حدود ۱۲ دقیقه کاهش داشته است.

مصاحبه با دکتر سودابه وحدت:

پزشکان انتظار دارند که مردم خود درمانی نکنند

به مناسبت گرامیداشت روز پزشک



– لطفا خودتان را معرفی کنید.

– دکتر سودابه وحدت متولد ۱۳۴۸ از تهران، ورودی به دانشگاه ۱۳۶۶ – خروج ۷۳ از دانشگاه علوم پزشکی شیراز.

۲– به نظر شما سخت ترین دوران پزشکی کدام است؟

– همه دوران پزشکی سختی خاص خودش را دارد مثل مراحل تحصیل، دوران کار. نمی شود مقایسه کرد کدام مراحل سخت است، مراحل پزشکی همه اش سخت است و واقعا باید علاقه داشته باشی به کار پزشکی تا بتوانی کار کنی.

– سخت ترین لحظه ای یک پزشک؟

– گاهی پیش می آید که نهایت کار را برای یک مریض انجام می دهی ولی باز کاری از دستت بر نمی آید و خصوصا در بیمارستان که کار کنی، بیماری ممکن است فوت کند و این لحظه، لحظه ی خیلی بدی است و لحظه فوت بیمار بدترین لحظه برای هر پزشک معالج می تواند باشد.

– انتظار مردم از پزشکان چیست؟

– بیمار وقتی مراجعه می کند به پزشک تنها برای تسکین درد نمی آید بلکه به نوعی برای تسکین آلام روحی هم می آید، بیماران هم آلام جسمی دارند و هم آلام روحی، بنابراین انتظار دارند غیر از جسم از نظر روحی هم تسکین پیدا کنند. لذا مشکلاتی را با پزشک معالج خودشان در میان می گذارند که ممکن است با دیگران و حتی نزدیکان خودشان هم در میان نگذارند. بنابراین مردم به قداست این حرفه پی برده اند و پزشک را امین خود می دانند.

– شما چه انتظاری از بیماران دارید؟

– من از بیماران خودم هیچ چشمداشت و انتظاری ندارم، انتظار من فقط این است که به دستورات پزشک عمل کنند و اقدام به خود درمانی نکنند. وقتی به پزشک برای درمان بیماری خود مراجعه می کنند طبق دستورات پزشک عمل کنند و به پزشک اعتماد داشته باشند.

– برخی معتقدند که پزشکان همانند قبل برای سلامتی بیماران دل نمی سوزانند و تلاش نمی کنند. به نظر شما چرا برخی از مردم اینگونه فکر می کنند؟

– به هر حال کسانی که این اظهار نظر را می کنند ممکن است در شرایط خاصی قرار گرفته باشند که چنین صحبتی می کنند. مثلا برای درمان بیماری مجبور شدند به پزشکی مراجعه کنند و متحمل هزینه هایی شده اند که نیاز به این هزینه ها نبوده است و با صرف هزینه هایی، باز نتیجه ای نگرفته است و شاید به او درست توضیح داده نمی شود که چه مراحلی را برای درمان طی کند. به خاطر همین ممکن است چنین تصوری برایشان پیش آید

۶– آیا حقیقت دارد که پول در نزد پزشکان مهمتر از مداوای بیماران است؟

– نه مهم تر نیست، پزشکی هم مثل رشته های دیگر متفاوت است، مشاغل مختلف در برخورد با افراد با هم متفاوت است اما به هر حال هر شخصی مثل خودش است، ممکن است هر پزشکی در این شغل با پزشک دیگر فرق کند، ولی آن چه که مهم است این است که بیمار نسبت به پزشک خود اطمینان پیدا کند.

– بزرگترین تعهد یک پزشک چیست؟

– خدمتی که باید صادقانه به مردم بکند، امین و رازدار مردم باشد و تسکین درد مردم نیز باشد.

– مهمترین مشکلاتی که اکنون پزشکان با آن روبرو هستند چیست؟

– غیر واقعی بودن تعرفه هادر بخش پزشکی، عدم تفاهم بین بخش های خصوصی و دولتی و تفاوت که بین این دو نرخ وجود دارد. به هر حال گرانی هم که روی همه تأثیر می گذارد، روی ما هم تأثیر می گذارد، هزینه های پزشکان بیشتر از آن چیزی است که دیگران تصور می کنند.

– وضعیت درمانی بوشهر به نظر شما چگونه است؟

– اگر بخواهیم وضعیت درمانی بوشهرر ا درجه بندی کنیم وضعیت درمانی آن در وضعیت متوسطی است، خیلی پیش آمده که مجبور شده ایم بیماران را به خارج از استان اعزام کنیم.

مصاحبه با دکتر اعظم امینی متخصص روماتولوژی در بوشهر:

هیچ لحظه ای خوشایندتر از مداوای یک بیمار برای پزشک نیست

به مناسبت گرامیداشت روز پزشک



۱– لطفا خودتان را معرفی کنید.

– اعظم امینی، متولد خورموج هستم. در سال ۱۳۶۵ در دانشگاه در پزشکی عمومی قبول شدم و سال ۷۲ فارغ التحصیل شدم، از ۷۵ تا ۷۹ رشته تخصصی داخلی خواندم و از سال ۸۳ تا ۸۵ تخصص روماتولوژی را به پایان رساندم.

– به نظر شما سخت ترین کار یک پزشک چیست؟

– سخت ترین کار یک پزشک زمانی است که ما می خواهیم در مورد یک بیماری که لاعلاج است، تصمیمی بگیریم.

– سخت ترین لحظه ای که در طول خدمت خود داشته اید، چه بوده؟

– وقتی که یک بیمار به ما مراجعه می کند و بیماری او قابل درمان نیست و می خواهیم در مورد آن تصمیم بگیرم و از طرفی می خواهیم به بیمار هم بگوییم که بیماری وی غیرقابل علاج است و این را می خواهیم برای بیمار توضیح بدهیم، برای ما خیلی لحظه سختی است.

– انتظار مردم از پزشکان چیست؟

– انتظار مردم این است که وقتی بیماری می آید نزد پزشک در واقع می خواهد درمان خودش را بگیرد، گرچه درمان اصلی خداست و پزشک یک واسطه است ولی بیمار انتظار دارد که نزد پزشک آمد حتما مداوا شود و درمان شود مردم با چنین ایده ای است که نزد پزشک معالج شان می آیند که درمان بگیرند و وظیفه پزشک است که با نهایت دقت او را درمان کند.

– در مقابل شما از بیماران چه انتظاری دارید؟



– انتظار پزشک هم این است که بیماران به توصیه های آن ها توجه کند و به پزشک اعتماد داشته باشند.

– برخی معتقدند که پزشکان همانند قبل برای سلامتی بیماران دل نمی سوزانند و تلاش نمی کنند. نظر شما چیست؟

– فکر نمی کنم چنین چیزی ممکن باشد، چرا که ما در پایان دوره تحصیل پزشکی خود، سوگند پزشکی خوردیم که بیماران را با هر شغل و درآمدی و هر طبقه اجتماعی، چه دوست و چه آشنا و چه دشمن و غیره، وظیفه خودمان در درمان بیماران به نحو احسن انجام دهیم. حال مردم هم چنین اعتقاد و ایده ای دارند من نمی دانم از کجا نشأت گرفته است و به نظر من هیچ لحظه ای خوشایندتر از مداوای یک بیمار و شفای یک بیمار برای پزشک معالج نیست.

– پول تا چه اندازه در پزشکی اهمیت دارد و آیا حقیقت دارد که این روزها پول مهمتر از مداوای بیماران است؟

– بالاخره هر کسی کاری که انجام می دهد مزدی هم می خواهد، و هر شغلی در ازای کار خود دستمزد نیز دریافت می کند، پزشکی هم به همین ترتیب است و این طور نیست که بیماران را رایگان ویزیت کند و یک پزشک در ازای وزیتی که انجام می دهد حق ویزیتی نیز دریافت می کند. البته زمانی هم هست که بیماری مراجعه می کند که از نظر مالی وضعیت خوبی ندارد و پزشکان بسیاری هستند که از دریافت حق ویزیت خودداری می کنند و یا حتی پول خرید دارو را هم به بیمار خود می دهند.

– به نظر شما بزرگترین تعهد یک پزشک چیست؟

– به وظیفه و در واقع وجدان خودش عمل کند و بیماران را صرف نظر از مسایل اجتماعی، مالی و خانوادگی و شغلی و با تکیه بر وجدان و علمی که دارد، درمان کند

– در تخصص روماتولوژی مهمترین مشکلی که با آن روبرو هستید، چیست؟

– چون طول مدت درمان در حوزه ی رشته ما طولانی است، لذا ممکن است که بیمار خسته شود و چون باید مدت طولانی دارو مصرف کند، بعد از مدتی ممکن است از مصرف دارو صرف نظر کند و یا به دکتر دیگری مراجعه کند و دارویش را عوض کند و یا به توصیه اطرافیان اقدام به قطع مصرف دارو نماید که این برای پزشک معالج در طول مدت درمان مشکل ایجاد می کند. بنابراین باید بیمار این اعتماد را نسبت به پزشک داشته باشد که داروها را تا مدت زمان توصیه شده مصرف کند و اقدام به قطع آن و یا خود درمانی نکند.

– وضعیت درمانی در روماتولوژی در بوشهر چگونه است؟

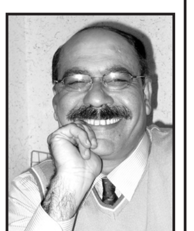
– در حال حاضر در حیطه رشته داخلی که ما هستیم و کلیه رشته های داخلی را پوشش می دهیم در بوشهر وضعیت خوبی داریم و به ندرت پیش می آید ما مریضی را برای مداوا به شهر دیگری بفرستیم، مگر در زمینه ای که امکانات تشخصی باشد که هم اکنون هم امکانات تشخصی استان خوب شده است و نیازی به اعزام بیمار به خارج از استان نمی باشد مگر این که به درخواست خود بیمار ممکن است به جای دیگری برود که بیمار وقتی به شهر دیگر می رود می بیند که فرقی نداد و یک نوبت که می رود، نوبت دوم برمی گردد و درمان خود را در بوشهر ادامه می دهد و این هم از نظر مالی به نفع خانواده هست که در شهر خودش است و هزینه ها هم برای خانواده خیلی پایین می آید.

شماره ۵۵۸ یک شنبه ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB

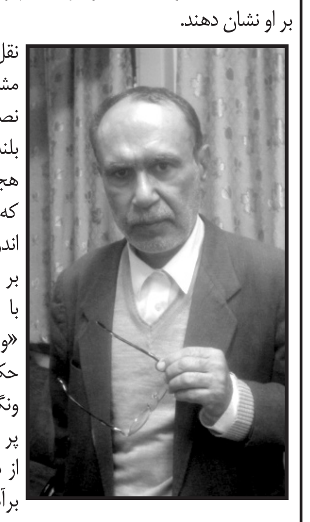
سفرنامه باقر خودرو قباکلکیانی به ابوشهر

اندر حکایت مولانا علیرضا مظفری و کتابت او

به تصحیح مهدی جهانبخشان



آن خلوت نشین رنجدیده، آن صاحب خصلت حمیده، آن موجود دو پا، آن مدتی فرمانده سپاه ، آن رنج گرسنگی کشیده، آن نیویورک و پاریس و لندن ندیده، آن رکن محترم ، آن قبله ی محتشم، آن عاشق رباعیات خیام، آن نویسنده نسیمی از دفتر ایام، آن مردم بی عتاب آن صاحب کتاب، آن به قدرت باج نداده مولانا شیخ علیرضا مظفری زاده. از کبار بلده ی مبارک لیان بود و گویند هیچگاه نمی خندید الا موقعی که جوک یا لطیفه ای از احوالات دی غولمرضا مشهور به پیرزن منگ منگو بر او نشان دهند.



نقل از کتاب مشهور مشاهیر مخبلند به خامه نصف القد الدوله مخ بلندی که در قرن ششم هجری به تحریر درآمده که چون مولانا علیرضا اندر ایالت مخ بلند دیده بر جهان بگشود. اول با صدای بلند فرمود: «ونگ، ونگ» و چنین حکایت کنند که این ونگ بسیار پر معنی و پر ایهام بود که خلق را از شنیدن آن به تعجب برآمد و چون به انتهای ونگ ونگ پرمفهوم خود رسید با زبانی که قدری لکنت اندر آن مشهود بود فرمود: «ملگ بل دیک». و در این جا زبان قفل کرد و هیچ نگفت (توضیح مصحح احتمالا «مرگ بر دیک» بوده است چون مولانا علیرضا در حالت نوزادی بوده و زبانش به خوبی قادر به تکلم کلمات نبوده است) منجمین عالم همه گرد آمدند تا مگر بر مفهوم (ملگ بل دیک) وقوف یابند و هیچ کس فهم نکرد. منجمی گفت باشد که او را منظور این باشد که مرگ بر دیک یعنی مرگ بر خروس چون خروس حقوق ماکیان را زیر پای نهد و برهد که خواهد بجهد به استمرار اندر روز دیگری گفت: نی این نباشد و چنین است که مرگ بر دیگ معنی دهد یعنی بر دیگ و قابله و پاتیل تقاضای موت فرموده چه آن که دیگ تا دود آتش بر آن رسد رو سیه گردد و در مثل است که «دیگ به دیگ گوید رویت سیاه»: لیک هیچ کس فهم نکرد و منجمان هر کدام به دیار خود شدند الا یک منجم چینی که او نیز عاجر ماند لیک امیدوار پس در گوش علیرضا گفت اگر منظور خودنگویی فرمان دهم «دی کل رضا ملازی تو را با پنگ جارو بردارد بی دوای گل ملازی» (توضیح مصحح: در گذشته عوام معتقد بودند که گلو درد بچه و نوزاد ناشی از افتادن گلوی او می باشد پس شاخه ای از خوشه خشک شده میوه خرما که به آن پنگ بر وزن دنگ می گفتند تا کرده و در قسمت تا شده پنبه می پیچیدند و آغشته به پودری از پوست خشک شده انار می کردند که با آن دوای گل ملازی می گفتند و بعد به دهان نوزاد فرو می کردند و زبان کوچک را فشار می دادند)

مولانا، نوزادانا، کوچکنا، بوجی بوجینا، علیرضا فرمود: «بدین کار دهشتناک دست میاز که مفهوم را بر تو آشکار کنم. این جمله این باشد. ملگ بل دیکتاتور». آن منجم چون چنین شنید رنگ بر رخساره نماند و محتمل بود که قالب تهی فرماید پس گفت: «ای نوزاد هیچ مدان، تو بر شاه مملکت مرگ خواهی.این شاه مملکت را گرداند و همه چیز اندر ید پرقدرت او باشد. لشکریان جواسیس، عسسان، درهم و دینار بی حساب. تعجب باشد که با مرگ بر زندگی وارد شده ای». (توضیح مصحح در هنگام تولد مولانا علیرضا، شاه مملکت آدم خونخوار وابسته ای به نام محمدرضا شاه فرزند رضا شاه بود که برای پایین آوردن او از اریکه قدرت خون های بی حسابی از جوانان ایران زمین بر زمین ریخته شد.)

منجم، نوزاد بگذاشت و پا تاوه بر پای کرد و از آن جای خطرناک بگذشت. ادامه دارد...

ملالی در کار نیست بجز حکایت فوتبال

نگاهی طنز آلود به محتوای مطالب دو ماه اخیر نشریات محلی بوشهر

خورشید فقیه





یکی از برکات انتخابات جدید ریاست جمهوری ایران و تجدید دوره ی حاکمیت دولت عدالت محور و مهرورز جناب آقای دکتر احمدی نژاد، این است که بر اساس آنچه که از هفته نامه های متعدد بوشهر – خواه اصلاح طلب وخواه اصولگرا – استنباط میشود، تمامی مشکلات و گرفتاری های فردی و اجتماعی آحاد این سرزمین بطور کلی برطرف شده و تنها دغدغه مردم و چیزی که ذهن و روان ووقت عامه را بخود مشغول نموده است ، مسائل مبرم و ظاهرا لاینحل و بغرنجی است که متاسفانه دامنگیر ورزش ما به خصوص ذات اقدس فوتبال عزیز شده است، و مردم هم در حالیکه مشغول سر دادن شعار ضد ارزشی " یه توپ دارم قلقلیه / سرخ وسفید وآبیه /..." که از آموزه های براندازانه بوق های استکباری bbc و voa هستند، ویژه نامه ها وسوگنامه ها وشادی نامه های یک رنگ و چهار رنگ و تک صفحه ای و هشت صفحه ای که این روزها برای عزیز دردانه ی فوتبال منتشر میشوند را مثل دعای " هفت جوش " بصورت جمعی و انفرادی میخوانند وبسوی همدیگر فوت می کنند.

ضمنا آنطور که شایع است، وجود این مصیبت عظمای اجتماعی و بمنظور دفع بلا از وجود نازنین فوتبال استان، قراراست تمام نویسندگان وگردانندگان مطبوعات دریک اجتماع مسالمت آمیزو غیر اغتشاشگرایانه، کلیه هفته نامه های موجود را در یک نشریه واحدی، ادغام کرده و از وزارت جلیله فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز انتشار یک "فوتبال نامه " تمام رنگی – البته با حذف رنگ سبز– را دریافت نمایند.

به هرحال ما که تابه امروز و خوش بینانه فکرمیکردیم حتما نعمت این آرامش موجود، و امیدواری بدست آمده ی قبل و پس ازانتخابات جمهوری دهم، مستدام و پایدار خواهد ماند و دیگر هیچ ملالی در کار و زندگی روزانه مان بروز نخواهد کرد، با مطالعه ی هرساعته مطبوعات گوناگون ولایتمان متوجه شدیم که: ای بابا! کجای کاریم!؟ درست است که همه ی امور به خیر و خوشی میگذرد و هیچ کمبود و دغدغه ی خاطری در هیچ موردی نداریم و کمافی السابق مملکت به کاممان است و بر محور خوشی ها میچرخد، ولی وامصیبتا!! با این نعش گلگون کفن فوتبال که این چنین مظلومانه خود را یله کرده است درپشت و روی جلد و لابلای صفحات هفته نامه های استانمان چه کنیم و با این عزای عمومی چه خاکی بر سرمان بریزیم!؟

اول قرارمان بر این بود که از کنار این موضوع بگذریم و لذت حماسه ی انتخابات را باتلخ وشیرین قضایای فوتبال معاوضه ننمائیم، ولی خوب که اندیشه نمودیم، به رگِ غیرتمان بر خورد وفی الفور به این نتیجه رسیدیم که: آدمیزاد باید خیلی بی خیال ومسئولیت ناشناس و تعهد گریز باشد که بتواند نسبت به حادثه دردناک جنگ و جدل های مدیریتی باشگاه شاهین که این روزها دل صفحات بسیاری از نشریات را خونین کرده است بی اعتنا باشد وبه موضوعات دیگراین این سامان بیاندیشد. به راستی چطور میتوان با خیال راحت سر بر بالین گذاشت در شرایطی که تیم فوتبال ایرانجوان بوشهر، این داغ جگر سوز را بر دل همشهریان خود نشانده و نتوانسته است با نواختن یک گل ناقابل به دروازه ی حریف، لیگ دسته یکمی بشود!؟ مگرمیشود نگران قلب مهرزاد رئیسی نژاد که مدام در حال تپیدن برای شاهین است نبود، آن هم در دوره و زمانه ای که جناب عزرائیل ، سکته به دست جلو در هر خانه ای به انتظار نشسته است!؟

امروزه با هر بوشهری بی خیالی هم که مواجه بشوی، اگر خبر دردناک استعفای جانگداز حاج احمد گزی را درنشریات خوانده باشد – که حتما هم خوانده است – متوجه میشوی که مرگ مرحوم ابوی را فراموش کرده و همصدا با ورزشی نویس های غمنا ک، زار زار در حال گریه کردن است! مگربنا بر آنچه که این روزها در هفته نامه ها میخوانیم، برای ما بوشهری ها مصیبتی از این هم بالاتر وجود دارد که حمید خان کللی فرد، تا دقیقه ی هشتادم بازی با ملوان انزلی، از تعویض بازیکنان دست وپا چلفتی خودداری کند تا ما جنوبی های خونگرم شرمنده ی شمالی های خونسرد بشویم!؟ حقیقتا باید به مطبوعات همولایتی حق داد اگر چنانچه تمام هم و غمشان را معطوف به حادثه ی ناگوار دبه در آوردن مدیرعامل جدید پارس جنوبی کرده اند که قرار بود پنج میلیارد تومان ناقابل به تیم شاهین بوشهر مرحمت فرماید تا بدین وسیله مانع از نشستن گرد کدورت بر رخساره ی مردمی شود که بحمدالله هیچ غم و غصه ی دیگری در زندگی ندارند.

باور بفرمائید بازار عزای فوتبال در این شهر و استان آنقدر گرم است که اگر هزار بار دیگر و به تکرار چندگانه، نشریات ما به عنوان خبر مهم ودسته اول مملکت به مردم مژده بدهند که با هدیه هفتصد میلیون تومانی فرماندار سوپر مکتبی بوشهر، قرار است تیم فوتبال ایرانجوان این شهر، دسته اولی بشود و عنقریب به میمنت این رخداد بزرگ تاریخی شاهد انتشار دهها ویژه نامه ناب ارزشی و مکتبی خواهیم شد، باز هم از شدت وحدت این شیون وزاری کاسته نخواهد شد.

به هر حال ، ما که بسلامتی دوستان ، دو ماهی میشود که با این نشریات معزز، سرمان گرم است به اینکه بالاخره تیم فوتبال کارگر بنه گز در کجای جدول رده بندی قرار خواهد گرفت، و چگونه تیم فوتبال پالایشگاه جم توانسته است به جبران حسرت نرسیدن گاز به خانه های شهر، جام قهرمانی را از دست رقیبان برباید، و یا چرا حاج محمد دوانی رئیس هیات فوتبال پس از ماه ها ایثار و از جان گذشتگی بالاخره نتوانست زردی را از رخسار زمین باصطلاح چمن بوشهر بزداید و موفق به روشن نمودن نورافکن های استادیوم شود، و مصیبت بارترین آن ها شکست اخیرفوتبال شاهین بوشهر از ساپیای کرج که هفته ی قبل سه گل از دست اصفهانی ها نوش جان کرده بود، و از این قبیل خبرهای ناگوار که انگار برای ما بوشهری ها ازهر خبر دردناک دیگری دردناک تر مینماید .

البته ما که به شدت آدم منصف و خوش بینی هستیم، با تورق یومیه این جراید شریفه، به این نتیجه رسیده ایم که در این دیار نفت و گاز خیز و ماهی و میگو پرور، هیچ ملالی درکار نیست بجز ماجرای اسفباری که امروزه و ظاهرا از دو ماه پیش به این سوی، مثل خوره افتاده است به جان فوتبال عزیز ما ، تا مطبوعات زنجیره ای اصلاح طلب وابسته به محافل استکباری برانداز مرتبط با سفارتخانه های بیگانه، چنین وانمود کنند که از تصدق سر این دولت جدید الاحداث، مردم دیگرهیچ مشکلی نخواهند داشت و تا میتوانند سطح توقعاتشان را بالا ببرند و برای دولت ایجاد مزاحمت نمایند. والسلام.

پزشکی دریایی

سودمندی‌های مواد غذایی میگو

دکتر ایرج نبی پور



در بسیاری از نقاط جهان، میگو پس از ماهی، شایع ترین منبع غذایی دریایی می باشد. یک وعده مصرفی میگو (چهار اونس) شامل ۲۳/۷ گرم پروتئین است. که ۴۷/۴ درصد از میانگین مجاز توصیه شدهٔ روزانه (RDA) را تأمین می‌کند. افزون بر این، یک وعده تقریباً ۴۰ درصد از RDA ویتامین D و نزدیک به ۳۰ درصد از RDA ویتامین B۱۲ را فراهم می سازد. همچنین میگو از لحاظ تریپتوفان که یک اسید آمینه ضروری است و سلنیوم که در فرآیند ترمیم سلول‌های آسیب دیده مؤثر است و تکثیر سلول های سرطانی را منع می کند، سرشار می باشد.

با توجه به اثرات سودمند اشاره شده دربارهٔ اسیدهای چرب امگا-۳ که در کاهش مرگ و میر بیماری های عروق کرونر قلبی، کاهش التهاب بدن، کاهش دیمانس (شامل بیماری آلزایمر)، رشد و تکامل عصبی و بیماری های اعصاب و نیز تقویت استخوان ها مؤثر هستند، میگو می تواند منبع خوبی برای این اسیدهای چرب باشد و در حقیقت هر ۴ اونس میگو ۱۵ درصد از نیاز روزانه را برای اسیدهای چرب امگا-۳ تأمین می کند.

از دیدگاه علم تغذیه، میگو از لحاظ چربی کلی، سطح پایینی دارد (میانگین ۱۰/۹ میلی گرم در هر گرم از بخش خوردنی) و دارای مقادیر بسیار کمی از اسیدهای چرب اشباع (۲/۸۹ میلی گرم در گرم) است و هر چند دارای محتوای کلسترول تغذیه ای (۱/۹۵ میلی گرم در هر گرم) بالایی درمیان غذاهای شایع می‌باشد؛ ولی همانگونه که اشاره شد دارای مقادیر تقریباً بالایی از اسیدهای چرب امگا-۳ (۳/۳۵ میلی گرم در هر گرم) است که اثرات سودمند ضد آترواسکلروز و ترومبوز از خود نشان می دهند.



FARS

بسیاری از غذاهایی که دارای کلسترول بالایی هستند، از لحاظ چربی های اشباع شده نیز بالا می باشند و مصرف آنها برای عموم محدود شده است. تخم مرغ دارای کلسترول (۲۱۳ میلی گرم کلسترول تغذیه ای در هر زردهٔ تخم مرغ) بالا است ولی از لحاظ چربی‌های اشباع شده و کلی تقریباً سطح پایینی دارد؛ با این وجود، در دستورالعمل-های انجمن قلب آمریکا مصرف آن به ۳ تا ۴ وعده در هر هفته محدود شده است. گفته شده است که تخم مرغ بر روی پروفایل لیپوپروتئین پلاسمایی اثر سوء دارد و می‌تواند نسبت کل به HDL کلسترول و نیز نسبت LDL کلسترول به HDL کلسترول را افزایش دهد.

امّا در مورد اثرات میگو بر روی سطوح لیپوپروتئین های سرم، با وجود اینکه یکی از غذاهای بسیار شایع مورد استفادهٔ عموم است، تاکنون سه پژوهش به صورت کارآزمایی بالینی انجام شده است که ما اکنون به نتایج کامل ترین آنها که از طریق پروژهٔ مشترک دانشگاه راکفلر و بنیاد ملّی سلامت آمریکا انجام گردیده است نظر می افکنیم. نتایج این پروژه بسیار حائز اهمیّت است، زیرا پیش از این تصور می شد که مصرف میگوی پر کلسترول اثرات جانبی بر سطوح لیپو پروتئین‌های سرمی داشته باشد، امّا خواهیم دید که این پندار نادرست است. بر اساس این پژوهش که به صورت یک کارآزمایی متقاطع تصادفی انجام گردید، یک رژیم غذایی حاوی ۳۰۰ گرم میگو روزانه که ۵۹۰ میلی گرم کلسترول تغذیه ای روزانه را تامین می کرد، به صورت معنادار موجب افزایش LDL کلسترول (۷/۱ درصد) و HDL کلسترول (۱۲/۱ درصد) در مقایسه با رژیم غذایی پایه که برای محتوای چربی همسان شده بود ولی ۱۰۷ میلی گرم کلسترول در روز داشت، گردید. امّا از آنجا که درصد افزایش کلسترول کمتر از LDL کلسترول بود، رژیم غذایی میگو بر روی نسبت کلسترول کلی به HDL کلسترول یا نسبت LDL به HDL کلسترول اثری جانبی نداشت. همچنین مصرف میگو سطح تری گلیسرید سرمی را تا ۱۳ درصد کاهش داد. در این پژوهش، رژیم غذایی شامل دو عدد تخم مرغ در روز با ۵۸۱ میلی گرم کلسترول تغذیه¬ای در مقایسه با سطح پایه، نیز موجب افزایش در LDL و HDL کلسترول گردید، ولی این افزایش در LDL کلسترول (۱۰/۲ درصد) بیشتر از HDL کلسترول (۷/۶ درصد) بود و در نتیجه نسبت های لیپوپروتئینی دچار اثرات جانبی گردید.

پژوهشگران این تحقیق چنین نتیجه گرفتند که مصرف میگو بر روی پروفایل لیپوپروتئینی پلاسمایی در افرادی که سطح چربی¬های بدن آنها طبیعی است اثرات جانبی ندارد. امّا مقدار سطح میگوی مصرفی آزمون شده در این پژوهش از مصرف عادی روزانه بسیار بالاتر بوده است. از این رو، به نظر نمی رسد که مصرف میگو اثرات ناخواسته ای بر روی سطوح لیپوپروتئینی بدن داشته باشد و می توان آن را به عنوان "غذای قلبی سالم" در دستورالعمل ها وارد نمود.

رنجی که پدران ومادران ما کشیدند (٦)

وضعیت ناگوار آب آشامیدنی در بوشهر

گوشه ای از چهل سال تاریخ معاصرجنوب ایران

«مروری بر وضعیت اقتصادی،اجتماعی وفرهنگی بندر بوشهر با استناد به سفر نامه ها،خاطرات وگزارشات دولتی»

زرتشت دوانی



در شماره قبل درباره سفرنامه محمود دانشور در فاصله سالهای ۱۳۲۴الی ۱۳۲۵ تحت عنوان «دیدینی ها و شنیدنیهای ایران» و سفرش به بوشهر نوشتیم. در این شماره ادامه این سفرنامه را می آوریم : در شهر بوشهر یک کارخانه بزرگ چیت سازی و پارچه بافی وجود دارد که نظیر آنرا در کمتر از نقاط ایران دیدم زیرا در این کارخانه پنبه با قوزک آمده و از طرف دیگر عدل های چیت یا پارچه در حال بسته بندی خارج میشود و تعداد ۲هزار کارگر سه نوبت در آن کارخانه مشغول کار هستند که اغلب آنها را زنان و دختران تشکیل داده، ولی از نظر دستمزد به عقیده بنده بی اندازه صاحب کارخانه نسبت به آنها بی انصافی میکرد و واقعا هم از همه چیز دور است که با ۸ ساعت کار حداقل ۳ ریال اجرت به آنها داده شود. بعدا شنیدم همین کارگران اعتصاب کرده و بلوا راه انداخته اند تا اجرتشان زیادتر شده است.

امروز خرید و فروش سهام این کارخانه یکرشته بازرگانی را در بوشهر و شیراز تشکیل میدهد و بطور کلی هر روز سهام آن در بازار شیراز روبه ترقی است بطوریکه میگویند رئیس کارخانه پارچه بافی این شهر از دولت تقاضا کرده بود اگر دولت راه بازرگانی را به این بندر باز کند او حاضر است شخصا مبلغ ۵هزار لیره برای ساختمان اسکله دریایی انجا بدهد تا به این وسیله بتوان راه تجارتی بوشهر به شیراز را باز نمود.

بازرگانان این شهر تجارتشان منحصر به حمل خرما و حنا و چغندر ایت ولی اینکار در ظاهر است در باطن تمام انها از راه دریا به ورود و خروج کالاهای دیگری بطور قاچاق مشغولند و عموما در هر چند ماهی یک مرتبه به بحرین و مسقط و کویت و هندوستان رفت و آمد می کنند و از این حیث نان کارمندان گمرک آنجا هم توی روغن است. کار تجارت عده دیگری منحصر به خرید قند وشکر وچای کوپنی میباشد بهمان ترتیبی که نظایرش در سایر شهرستان هاست. از عالی چنگی سه فرسنگی بوشهر در زمان پرفسور «ونیز» آبی به بوشهر آورده اند که وجوها ت از محل عطیه ملوکانه در حدود ۱۲ میلیون ریال پرداخت شده اما چون نصف این مبلغ را عده ای حیف و میل نموده اند به این لحاظ لو له های زیر زمینی را اغلب از سوفال تهیه و این لوله ها هم به میزان کافی در زیر زمین فرو نرفته و آب دریا در موقع طغیان از روی لوله ها عبور کرده و به داخل آب شیرین نفوذ میکند، روی این اصل آب آن شور مزه و آنطور که باید و شاید صاف و شیرین و گوارا نیست و از طرفی میزان آن هم کفایت مصرف اهالی شهر را نمی کند. در صورتیکه چاههای اندر بندر که آب شیرین و کاملا آشامیدنی داشته در ۶ کیلومتری بوشهر واقع است بوسیله پمپ یا قنات به محل پمپ فعلی آورده شود این دو آب مصرف چند ماهه اهالی را خواهد داد.

مردم این شهر بر اثر بی علاقگی تا کنون اقدامی برای لوله کشی داخل شهر که مبلغ ناچیزی تمام میشود نکرده و بوسیله الاغ آب از شیرها برداشته و به خانه های خود حمل می کنند و بطوریکه گفته شد چون شهر از هفت قسمت تشکیل میشود که هر قسمتی فاصله اش تا دیگری مسافت زیادی دارد اغلب بر اثر عدم استطاعت مالی جهت حمل آب یا تنبلی که شعار سواحلی هاست از این آب استفاده نکرده و با آب انبارها زندگی میکنند. بدتر از همه مشاهده همین انبار ها در مدارس است که در وسط حیاط دبستان ساخته شده و آب بوسیله ناودانهایی که روی پشت بام گذارده شده آب باران از پشت بام کاه گلیها را شستشو و وارد آب انبار میکند و دانش اموزان از آن می خورند.

آب خوراکی در این شهر تا قبل از لوله کشی که از محل عطیه ملوکانه انجام شده منحصر به آب انبارهایی بوده که از آب باران پر میشده و هم اکنون هم از آنها به علت کمی آب استفاده میشود روی این اصل مرض پیوک در اهالی شهر کم و بیش شایع است. وضع مدارس و فرهنگ بی اندازه رقت آور است زیرا بیش از یک ساختمان دولتی که متخص دبیرستان است نداشته و اطفال در اطاقهای کثیف و مرطوبی مشغول تحصیل میباشند و به همین نسبت همه دارای قیافه های نحیف و زرد و اغلب شکم های گنده و صورتهای پف کرده و دارای چشمهای تراخمی می باشند.

روزی به یکی از مدارس دخترانه این شهر که رئیس آن خانم خود رئیس فرهنگ بود رفتم. درست ساعت ۱۰بود که وارد دبستان شدم ۱۰نفر دانش آموز در آنجا دیدم یا یک خانم شکم گنده و چشم پرباد با موهای ژولیده که واقعا انسان از دیدن آن قیافه بایستی کفاره بدهد و بر بخت این خانم از لحاظ بهداشت نگاه کند و خود و دانش آموزان هم دارای شکل ها و قیافه های عجیبی بودند که دیدن آن بی اندازه تاثر برانگیز و از لحاظ نشان دادن یک موضوع کمدی برای فیلمبرداری بسیار خوب بود. پس از نیم ساعت آموزگار دیگری آمده و درست ساعت ۱۱ بود که خانم مدیر در حالیکه چادر نمازی بسر داشت و بچه اش را بغل گرفته بود نالان نالان تشریف آوردند و با ما احوال پرسی کردند. اما چه احوال پرسی که من متوالیا خود را کنار می کشیدم زیرا بقدری آثار امراض گوناگون از قیافه این بانو هویدا بود که بنظر من چند ساعتی دیگر به تشریف فرمایی عزرائیل باقی نمانده بود.

در این شهر یک دبیرستان پسرانه دارد که نسبتا از بهترین عمارات بوشهر است اما به تازگی تمام گچهای دیوارش ریخته و صورت مخروبه ای بخود گرفته است موقعیکه با اتفاق رئیس دبیرستان و رئیس فرهنگ از کتابخانه دبیرستان که یکی از بزرگترین کتابخانه های فرهنگی فارس است دیدن میکردم ابتدا قدری نفت آورده و به فقل زدند تا قفل باز شد با این ترتیب معلوم گردید سال به سال هم دربش باز نمیشود. تمام روی کتابها و قفسه ها مملو از خاک و روی میز بزرگ وسط اطاق هم برای خاک بازی بچه ها محل مناسبی بود. در این کتابخانه کتابهای نفیس و خطی زیادی دیده میشد که ممکن است پاره از آنها در تهران هم دیده نشود و همچنین اطاق موسیقی این طاق و اثاثیه ای که در آن بود مربوط بدوره پیشاهنگی و تربیت بدنی سابق بود که تعداد زیادی از ویلن های ایتالیایی که امروزه نظیرش در تهران دیده نمیشود در حالیکه یکی سیم نداشت و یکی بدون ارشه و اغلب هم از کمر شکسته یا گوشه نداشت در یک قفسه روی هم انباشته شده وخاک زیادی رویش نشسته بود. همچنین سایر لوازم مثل طبل های عالی ولی با پوست پاره و قرنی و شیپور و همچنین انواع و اقسام لوازم ورزشی ولی تماما شکسته و از کار افتاده، مشاهده این وضعیت ما را مجبور کرد که اینطور فکر کنیم در کشور ما هر چیز که باعث رشد روحی و جسمی است باید از بین برود و آنچه را که موارد مولود یاس و حرمان و بدبختی و فلاکت است بایستی رشد کرده و تقویت گردد.

بر روی خط رسمی سیاست

کاتوزیان: وقتی هاشمی زیر شکنجه ساواک بود ، برخی ها گروهبان شاه بودند

به گزارش خبرگزاری مهر، عضو فراکسیون اصولگرایان مجلس نسبت به عاقبت آنچه "آزادی افسار گسیخته عده ای در هتاکی علیه بزرگان نظام جمهوری اسلامی ایران" خواند هشدار داد و گفت: نباید جایگاه و شأن افرادی چون رئیس مجلس خبرگان رهبری با حرمت شکنیهای برخی افراد صدمه ببیند که وقتی هاشمی زیر شکنجه ساواک بود ، آنها گروهبان ارتش شاه بودند. حمیدرضا کاتوزیان عضو فراکسیون اصولگرایان و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در واکنش به آنچه هتاکی اخیر یکی از نمایندگان مجلس نسبت به آیت الله هاشمی رفسنجانی خواند، اظهار داشت: آقای هاشمی رفسنجانی از کسانی هستند که چه قبل و چه پس از پیروزی انقلاب اسلامی افتخارات زیادی برای کشور و انقلاب به وجود آورده و حق ایشان به مراتب بیش از اینهاست.

سلامتی : اعتراف‌گیری از فعالان سیاسی ضربه بزرگی به پویندگی نظام خواهد زد

به گزارش خبرگزاری ایلنا، دبیرکل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی تاکید کرد: اعتراف‌گیری از فعالان سیاسی ضربه بزرگی به پویندگی نظام خواهد زد. محمد سلامتی با اشاره به اعترافات برخی از فعالان سیاسی و اثرات آن در جامعه گفت: اگر تمام امکانات کشور در اختیار گروهی خاص باشد و از آن امکانات در جهت مقابله با جناح مقابل استفاده کند، سیاست درستی نیست و در نهایت به ضرر کشور و خود آن جناح تمام خواهد شد. وی با بیان اینکه اعتراف‌گیری‌های اخیر از متهمان کار درستی نبود، گفت: این اقدام لطمه‌ای است که به کل جامعه وارد می‌شود و با توجه به اینکه اعتراف‌ها در شرایط خاصی گرفته شده، انتشار آنها به صلاح نبوده و خلاف قانون است. وی افزود:اگر بخواهیم جامعه پوینده‌ای داشته باشیم، با این شیوه‌ها امکانپذیر نیست و ممکن است جناح حاکم را به اهداف خود برساند،اما ضربه بزرگی به پویندگی نظام خواهد زد. سلامتی با بیان اینکه نخبگان باید بتوانند حرف خود را بزنند و این مردم هستند که تشخیص می‌دهند کدام کلام صحیح است،خاطر نشان کرد:وقتی به تاریخ گذشته نگاه می‌کنیم، در می‌یابیم که این شیوه‌های اعتراف‌گیری در کشورهای مختلف جواب نداده و مطمئنا در ایران هم جواب نخواهد داد.

رسیدگی به ٤٣٣ شکایت از برخورد پلیس در حوادث اخیر

به گزارش خبرگزاری مهر، یک مقام آگاه در نیروی انتظامی خبر داد که این نیرو در پی بررسی ۴۳۳ فقره شکوائیه و گزارش های مردمی درباره نحوه برخورد ماموران در حوادث اخیر ، بیش از ۱۷ میلیون تومان خسارت پرداخت کرده است . یک مقام آگاه درنیروی انتظامی گفت: درپی وقایع پس از برگزاری انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و برخوردهای یگان ویژه در مقابله با اغتشاشات، متاسفانه در برخی موارد از سوی ماموران نسبت به مردم تعدی گردیده که منجر به اعلام شکایت از سوی شهروندان شده است، این نیرو ضمن دلجویی سعی نموده خسارات وارده را جبران و رضایت شهروندان محترم را نیز به دست آورد. به گفته این مقام مسئول فراوانی موضوعات شکایات، مربوط به تخریب خودرو، شکسته شدن شیشه، تخریب درب منزل، ایراد ضرب و جرح و توهین بوده است.

باهنر: اپوزیسیون داخل نظام باید حزب و رسانه داشته باشد

به گزارش خبرگزاری ایلنا، دبیر کل جامعه اسلامی مهندسین بر به رسمیت شناختن اپوزیسیون داخل نظام تاکید کرد و گفت: اپوزیسیون داخل نظام که در چارچوب نظام فعالیت می‌کند باید حزب و رسانه داشته باشد و ما از آن استقبال می‌کنیم. محمدرضا باهنر در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه به نظر می‌رسد پس از انتخابات جریان اصلاح‌طلب از صحنه سیاسی کشور حذف شده است گفت:تمام تصمیم‌سازان باید این واقعیت را قبول داشته باشند که جناح‌های کشور را به رسمیت بشناسند و هیچ جناحی نباید فکر کند که به تنهایی می‌تواند کشور را اداره کند چرا که این مساله هم غیرممکن است و هم غیراخلاقی. باهنر با تاکید بر اینکه هر دو جناح در کشور باید باشند و هیچ‌کدام قابل حذف نیستند تصریح کرد: البته باید جناح‌ها تلاش کنند تا دچار حرکت‌های رادیکالی نشوند و محوریت‌ها به دست ساختارشکنان نیافتد چرا که طبیعی است که نظام با ساختارشکنی مقابله می‌کند. دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با تاکید بر اینکه کسی که اپوزیسیون بیرون نظام می‌شود باید خود را آماده درگیری کند گفت: ولی اپوزیسیون داخل نظام که در چارچوب نظام فعالیت می‌کند باید حزب و رسانه داشته باشد و ما از آن استقبال می‌کنیم.

سالک: پروژه انقلاب مخملی از سال ٧٦ کلید خورده‌بود !

به گزارش خبرگزاری فارس، حجت‌الاسلام احمد سالک عضو شورای جامعه روحانیت مبارز با تاکید بر اینکه هجمه دشمنان علیه نظام اسلامی سابقه ۳۰ ساله دارد، گفت: از سال ۷۶ پروژه انقلاب مخملی در ایران با انتخاب سید محمد خاتمی در انتخابات ریاست جمهوری کلید خورده است و در آشوب‌های ۱۸ تیر ۷۸ مرحله عملیات نافرمانی مدنی آن با شروع خط تخریب خیابانی دنبال شده و در سال ۷۹ این پروژه با تیتر انسداد سیاسی شروع و در سال ۸۰ دانشجویان از طریق رسانه‌های بیگانه تحریک شدند. وی در ادامه اضافه کرد: در سال ۸۲ با گسست بین نخبگان سیاسی و مردم در قالب تحصن در مجلس ششم این موضوع پی‌گیری شد که خود جزئی از انقلاب مخملی بود و اساسا با توجه به اینکه حکومت در اختیار خاتمی بود تحصن علیه اسلام و ولایت بود.

ازدواج کابلی ها به خرج کمیته امداد

شهرزاد نیوز از برگزاری مراسم ازدواج ۴۲ زوج جوان در کابل با حمایت مالی کمیته امداد امام خبر داد. در جشن ازدواج زوج های جوان افغان در هتل شاهان کابل علاوه بر بستگان عروس و داماد، جمعی از روحانیون، مداحان، سرودخوانان و خبرنگاران حضور داشتند. به گفته رئیس کمیته امداد امام به خبرگزاری شیعی آوا، برگزاری این جشن برای هر زوج ۵۵۰ دلار هزینه داشته است، که شامل جهیزیه عروس نیز می شود. وی تاکید کرد هر سال دو یا سه مراسم ازدواج جمعی در افغانستان برگزار خواهد شد.

نسیم جنوب
۷
ورزشی
شماره ۵۵۸ یک شنبه ۲۵ مرداد ماه ۱۳۸۸
NASIM JANOUB



بالاخره بودجه شاهینی ها چقدر است ؟

در حالی که در ابتدای مسابقات لیگ برتر، غلامعلی میگلی نژاد نماینده مردم بوشهر در مجلس شورای اسلامی خبر از تصویب بودجه ۵ میلیارد تومانی شاهینی ها می داد، اما موسوی مشاور سوری و مسئول جدید ورزش سازمان منطقه پارس جنوبی، تصویب چنین بودجه ای را تکذیب کرد و اعلام نمود که بودجه امسال شاهینی ها فقط یک میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون تومان است و چیزی بیشتر از این تا کنون تصویب نشده است. این سخنان باعث سردرگمی فوتبال دوستان بوشهری شده است که بالاخره بودجه شاهینی ها چقدر است؟ تیمی که فقط قرارداد بازیکنان و مربیان آن سه میلیارد و نیم است!

جلسه میگلی نژاد با معاون وزیر نفت برای حل مشکل شاهینی ها

با اعلام خبر عدم تصویب بودجه ۵ میلیاردی شاهینی ها در وزارت نفت توسط مدیران سازمان منطقه پارس جنوبی و بحرانی شدن وضعیت مالی شاهین، غلامعلی میگلی نژاد نماینده مردم بوشهر و عضو کمیسیون انرژی مجلس به همراه مدیران باشگاه شاهین به دیدار جشن ساز معاون وزیر نفت رفتند و خواستار نهایی شدن بودجه ۵ میلیاردی شاهینی ها و ابلاغ آن به سازمان منطقه پارس جنوبی شدند.

شاهین بدون پارس جنوبی در صدا و سیما

در حالی که در فصل قبل مسابقات لیگ دسته یک کشور تیم شاهین به نام شاهین پارس جنوبی بوشهر، در صدا و سیما و رسانه ها اعلام می شد، اما با صعود شاهینی ها به لیگ برتر و علیرغم اینکه در سایت فدراسیون و سازمان لیگ ، نام این تیم به عنوان شاهین پارس جنوبی بوشهر قید شده است، اما در صدا و سیما نام پارس جنوبی را حذف کرده و فقط نام شاهین بوشهر را قید می کند. گفته می شود مدیران باشگاه شاهین پارس جنوبی در نامه ای به صدا و سیما خواستار به کار بردن نام کامل تیم شاهین پارس جنوبی بوشهر شده اند. امری که تا کنون از سوی صدا و سیما انجام نشده است.

ایران جوانی ها با چه مبلغی لیگ یکی شدند؟

ایران جوان بوشهر رقیب دیرینه شاهین پارس جنوبی، که در آستانه صعود به لیگ دسته یک کشور با نا کامی مواجه شد و از صعود به لیگ دسته یک کشور بازماند، با تلاشهای فرماندار بوشهر و آیت الله صفایی، امتیاز تیم بسیج فارس در لیگ دسته یک کشور را بدست آورد و این امتیاز به ایران جوانی ها واگذار شده است. اما درحالی که گفته می شد این امتیاز به مبلغ ۴۴۴ میلیون تومان خریده شده، اما در محافل فوتبال بوشهر گفته می شود این امتیاز با هزینه های انتقال آن ۷۰۰ میلیون تومان آب خورده است که قرار است از سوی نیروگاه اتمی این مبلغ تامین شود.

تیمهای پایه ای شاهین پولدار می شوند؟

با پیگیریهای مدیران تیم فوتبال شاهین و رایزنی پورفاطمی نماینده دشتی و تنگستان در مجلس، برای حمایت از تیمهای پایه ای باشگاه شاهین، مبلغ ۲۵ میلیون تومان از سوی سازمان تربیت بدنی به این تیم اختصاص داده شده و این مبلغ به حساب اداره کل تربیت بدنی استان بوشهر واریز شده است. گفته می شود مدیران شاهین قصد دارند با یک هزینه کرد خوب تیمهای پایه ای قدرتمندی بسازند و کار بازیکن سازی را از این رده شروع کنند.

تعلیق تیم ایران جوان بوشهر

در حالی که مدیران تیم ایران جوان به دنبال قطعی کردن خرید امتیاز تیم مقاوت بسیج فارس و لیگ یکی شدن هستند، اما این تیم به دلیل شکایت تعدادی از بازیکنان خود در سالهای گذشته به کمیته انظباطی فدراسیون فوتبال مبنی بر عدم پرداخت مطالبات خود، از سوی کمیته انظباطی فدراسیون فوتبال تعلیق شده است و مسئولین تیم ایران جوان در گام اول باید به دنبال جلب رضایت بازیکنان شاکی و رفع تعلیق خود باشند.

تیمهای پایه ای شاهین بدون حمایت پارس جنوبی

در حالی که تیم بزرگسالان شاهین با حمایت سازمان منطقه پارس جنوبی و به نام شاهین پارس جنوبی در مسابقات لیگ برتر حضور دارد، اما طی صلح نامه این باشگاه با سازمان منطقه اقتصادی انرژی پارس تیمهای پایه ای شاهین تحت حمایت پارس جنوبی نیست، و مدیران شاهین موظف به حمایت از تیم و تامین بودجه این تیم هستند. در حالی که انتظار می رفت با توجه بودجه اختصاص داده شده به تیم شاهین برای رده های پایه ای شاهین هم یک بودجه مناسب اختصاص داده شود.

محرومیت یک لیدر شاهینی از ورود به استادیوم

بعد از بازی شاهین با ملوان بندر انزلی شاهد پخش مصاحبه ای از سوی واحد مرکزی خبر و پخش آن در بخش خبری بیست و سی شبکه دوم در مورد مشکلات ورزشگاه شهید بهشتی بوشهر بودیم که یکی از لیدرهای معروف شاهین (جمشید پولادی) درگفتگو با خبرنگار صدا وسیما گفت که امکانات ورزشگاه شهید بهشتی در حد لیگ دسته یک کشور هم نیست. این مصاحبه باعث ناراحتی شدید مدیران باشگاه شاهین و هیئت فوتبال استان شده است و گفته می شود این لیدر در بازیهای بعدی شاهین در بوشهر، حق حضور در ورزشگاه نخواهد داشت.

حل مشکل نور ورزشگاه شهید بهشتی بوشهر

در حالی که سرمربی ملوان بندر انزلی از نبود نور در ورزشگاه شهید بهشتی بوشهر گلایه داشت و این ورزشگاه را لیگ برتری نمی دانست، که خبر می رسد ورزشگاه بندر انزلی نیز قادر به میزبانی مسابقات ملوان نیست و این تیم باید در ورزشگاه سردار جنگل رشت بازی کند. گفته می شود با پیگیریهای هیئت فوتبال استان و اداره کل تربیت بدنی تمام پای های دکل نورافکن ورزشگاه شهید بهشتی رسیده است وکار نصب دکلها شروع شده و این ورزشگاه در ماه رمضان مشکل نور ندارد و آماده برگزاری بازیها در زیر نور است.

مالک ایرانجوان چه کسی است؟!

اسکندر احمدنیا

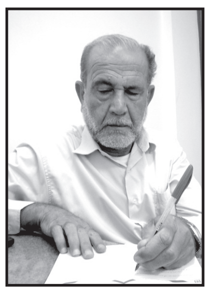


جای ایرانجوان چرا در فوتبال امروز کشور خالی است؟ شاهین چرا آمد و ایرانجوان، رقیب همیشه مفید او، جا مانده است؟ با یک حساب سر انگشتی شاهینی ها، دو عامل باعث آمدنشان شده است، یکی سماجت بیش از حد هوادارنشان به حضور همیشه در صحنه، که این خود مهم ترین انگیزه برای مدیران و دست اندرکارانی است که علیرغم اختلافات عدیده ای که با هم داشته و دارند، هیچ گاه دست از فعالیت بر نمی دارند، و همین انگیزه و سماجت باعث شده تا با دوپینگ روحیه بخش انبوه مشتاقان به این تیم، هم مسئولین و هم مدیران متفاوت سلیقه، سر از لیگ برتر ایران درآورند. یک عامل هم نقد و نظر و تشویق خارق العاده ی مطبوعات و خبرنگاران و نویسندگان ورزشی بود که متأسفانه از دید مسئولین و مدیران چندگانه ی این تیم به عمد پنهان مانده است!

توضیح این نکته ضروری است که مطبوعاتی های امروز استان رسالت خویش را انجام می دهند و از چشم غره های بعضی ها هم واهمه ندارند، نان برشته ی به به و چه چه را هم هرگز نخورده اند و نمی خورند.

و اما ایرانجوان! این تیم سالهاست که گرفتار قومی شده است که ورزش را – به خصوص فوتبال را – مبدل به خاکریزی نموده اند، برای پنهان نمودن کاستی های دانش خود در زمینه ی این ورزش، این قوم خاص، هواداران را خانه نشین و خانه را به یغما – بخوانید تاراج – و میان سران خواص خود، ناروا تقسیم نموده اند، آن ها وارث ارثی شده اند که اصلا مالشان نبوده و نیست و خریدهای مقطعی امتیاز این و آن هم، این شکسته کشتی را به جایی نخواهد رساند. ایرانجوان این روزها به همت فرماندار بوشهری خود، می رود تا جانی تازه بگیرد، ولی از هم اکنون، صد حیف و صد افسوس باید گفت: اگر که آقای فرماندار، این خانه ی کلنگی را اول به زمین نکوبد و بنایی از نو بنا نکند.

فرماندار نباید بر بنای مخروبه شده ی



ایرانجوان، بنای دیگری را، برپا نماید، مگر این که هواداران این تیم را فرا بخواند و با رأی و نظر آن مجمعی به راه بیاندازد و روز از نو و روزی از نو ...

آقای فرماندار باید بداند – که می داند – این باشگاه مال مردم است و متعلق به مردم، که آنرا تصرف نموده اند و سالهاست که با قدرت ناشناخته ای حاکم بلامنازع آن شده اند، از این ها اول باید پرسید، این باشگاه را از چه کسی خریده اید؟ از مردم ؟ پس کو امضای مردم؟ کدام محضر رسمی حکم مالکیت شما را صادر نموده است؟

هم مردم بدانند و هم آقای فرماندار، تربیت بدنی استان بوشهر در تصرف عدوانی این باشگاه صد در صد مقصر است و مهم تر این که دارای سهم نیز می باشد، توضیحات بیشتر را هم حاضرم در مطبوعات بدهم و هم در هر دادگاهی که معین نمایند!

گزارشی از مسابقات مدارس فوتبال شهرستان بوشهر:

ایرانجوان، غایب بزرگ مسابقات

رضا سیاوشی

مسابقات مدارس فوتبال سال ۸۸ شهرستان بوشهر از ۶ مرداد در سه رده سنی برگزار گردید که در پایان :

دررده زیر ۱۰ سال تیم های شیلات ،استقلال ،





در رده زیر ۱۱ سال تیم های استقلال ، شیلات ، در رده زیر ۱۲ سال هم تیم های سپاهان عالی شهر ، شیلات به ترتیب عنوان های قهرمان و نایب قهرمانی را کسب نمودند و به مسابقات استانی راه یافتند.

بازیکنان برتر: حیدر احمدی در رده زیر ۱۰ سال سپاهان عالی شهر – علیرضا مظفری در رده زیر ۱۱ سال سپاهان عالی شهر – محمد پورشاکر در رده زیر ۱۲ سال استقلال بوشهر – بعنوان بهترین بازیکنان این دوره از مسابقات شناخته شدند.

همچنین عنوان آقای گلی احمد سجادی از شیلات و رسول غلامی از شاهین هرکدام با ۵ گل زده در رده زیر ۱۱ سال و همچنین مهدی زنده بودی از سپاهان عالی شهر با ۱۲ گل زده در رده زیر ۱۲ سال را به خود اختصاص دادند. هرچند که بازیکنانی نظیر: شایان علیباشی ،دانیال دشتی (شیلات) زیر ۱۰ سال – یزدان دهبان ، احمد سجادی (شیلات)، رسول غلامی (شاهین)،علی عالی نژاد (عالی شهر) و کاپیتان استقلال زیر ۱۱ سال – نیما خالق پناه،امیر قنبری ،پولادتن(شاهین) محمودی (استقلال) زیر ۱۲ سال نیز با بازی های درخشان خود افق روشنی را برای فوتبال بوشهربه نمایش گذاشتند. حال با تعریفی از مدارس فوتبال به نکاتی (انتقاد، پیشنهاد و تقدیر و تشکر) در ارتباط با این مسابقات می پردازیم:

مدارس فوتبال ؛ مکانی است که نونهالان و نوجوانان را آموزش و تربیت می کند تا به تیم ملی برسند.

الف) انتقادها :

– عدم دقت لازم در بررسی مدارک تیم ها و همچنین عدم استعلام از هیات فوتبال شهرستان ها در خصوص استفاده بازیکنان در دو تیم شهرستانی در یک استان!

– تعطیلی مدرسه فوتبال ایرانجوان که بعنوان غایب بزرگ این مسابقات لقب گرفت!

– عدم توجه و حمایت جدی مسئولان به مدارس فوتبال با توجه به تاثیرات قابل توجه و مثبتی که می تواند در جامعه داشته باشد.

– صرف میلیاردها تومان هزینه در فوتبالی که فقط نام حرفه ای یدک کشیده و عدم تعیین و تخصیص حداقل بودجه ای برای مدارس فوتبال یا بطور کل تیم های پایه در رشته های مختلف ورزشی.

– برگزاری مسابقات در ساعت و زمان نامناسب .

– هدف از ایجاد مدارس فوتبال خصوصی نباید فقط کسب در آمد باشد. ثبت نام و پذیرش بازیکن میبایست با توجه به امکانات موجود و حد ظرفیت یک موسسه آموزشی باشد و لازم است که کنترل و نظارت لازم از سوی کمیته جوانان صورت پذیرد.

– در معرفی طرح آسیا ویژن استان های تهران و هرمزگان برای سال ۲۰۰۹ به AFC معرفی شده اند همچنین استان های همدان و قزوین هم سال گذشته معرفی شده اند. حال با توجه به اینکه استان های اصفهان و شیراز قبلاً مورد تایید AFC قرار گرفته اند لذا طرح "ایران ویژن " توسط آکادمی ملی مطرح شده تا در انتقال دانش به استان های مانند مازندران، زنجان، کرمان، یزد و خوزستان کمک کنند و بعبارتی تحت پوشش آموزشی خود قرار دهند. زیرا اگر بخواهند متکی به AFC شوند ۱۴ سال طول خواهد کشید تا طرح را اتمام کنند. حال آیا کسی به فکر بوشهر هم هست؟!

– مدارس فوتبال در ایران ساماندهی ندارند هرچند که مقرر گردیده که شورای برنامه ریزی فوتبال تشکیل با حضور مربیان تیم های ملی رده های پایه و کارشناسانی مانند یاوری، معینی، حلبچی، بیداریان، دوستی، پیروانی، خداداد، گل محمدی و محمد علیزاده رییس آکادمی فوتبال گردد تا بهتر بتوانند به مسائل آموزشی پیرامون مدارس فوتبال رسیدگی نمایند.

– آیا با توجه به صرف بودجه ای نزدیک به سه میلیارد در دوسال گذشته توسط شرکت پارس جنوبی برای شاهین و حال که چیزی حدود ۵ میلیارد دیگر در نظر گرفته شده و بعبارتی کل این مبلغ هزینه شده و می شود ،اختصاص حداقل بودجه ای از این مبالغ، کارگشاه و تاثیرگذار در زمینه رشد و پیشرفت مدرسه فوتبال شاهین و حتا استان نمی توانست باشد؟! هرچند که با این مدیریتی که بر شاهین حاکم است و انتخاب غیرکارشناسی و نامعقول مربیان تیم های پایه وعدم تشکیلات اداری و مالی قوی هیچوقت موفقیت حاصل نخواهد گشت!

– در حال حاضر ۱۰۰۰ مدرسه فوتبال ثبت شده در کشور وجود دارد. آیا با توجه به قدمت فوتبال بوشهر حداقل ۱۰ مدرسه فوتبال ثبت شده که دارای امکانات لازم و کافی باشند، در بوشهر وجود دارد؟

اسامی تیم شیلات قهرمان زیر ۱۰ سال : شایان علیباشی (کاپیتان)،سینا ناجی،رضا ارمی،محمدرضا بجلی،مهدی گل شکری،سعید روحانی،عیلرضا رستمی،سبحان گلستانیان،دانیال دشتی و رضا دشتی . مربی رضا سیاهوشی.

اسامی تیم زیر ۱۱ سال شیلات نایب قهرمان: آرتین نوذری، عباس آقاجانی، یزدان دهبان (کاپیتان)،احمد سجادی، رسول شکیبا، محمدامین دهقانی، کیومرث حسین پور، محمد مرادی، امین خسروی، مبین بهارستانی، علی رزم آهنگ و امیرحسین مکاری.

شاهین قهرمان امیدهای بوشهر

مسابقات فوتبال رده امیدهای شهرستان بوشهر، پیش با شرکت تیم های شاهین، ندسا، پرسپولیس، قائم، فجر و دلوار کشتی انجام گردید که تیم شاهین در آخرین بازی خود تیم پرسپولیس را با چهار گل شکست داد و قهرمان این دوره گردید. پس از شاهین تیم ندسا نایب قهرمان شد و این دو تیم می بایست از هفته جاری در مسابقات استانی حضور داشته باشند.

اسامی تیم فوتبال امید شاهین بوشهر: مجتبی شمسی – وحید تبرنا – جواد نصاری – علی شمسی – کورش چاپی پور – میثم خضری – حبیب دانش طلب – رضا رشیدی – امین عاشوری – رسول شادان – امید خدامی – سروش خسروی – محمد جعفری – محمود شمسی – بهنام محمودی – کریم صالحی فرد – مصطفی احمدی – امین گل چمن – علیرضا غریبی – علی جامعه ای – حسن میهن دوست – کامران سجادیان – سرمربی: عباس عظیمی – سرپرست: رحیم چرخ ساز – پشتیبانی: اصغر غنی زاده و احسان اکبری .



زیرک پزشک شاهین بوشهر:

بیماری ساندی در حدی نبود که به کللی بگویم

– آقای زیرک در شرایط کنونی تیم شاهین با مشکل مصدومیت بازیکن مواجه نیست؟ نه بحمدا... همه خوب و سرحال هستند.

– تعویض ساندی در برابر سایپا فنی بود یا بخاطر مصدومیت؟ نه تعویض ساندی به تشخیص سرمربی بوده وآن تعویض از لحاظ فنی بوده.

– یعنی ساندی هیچ مشکلی یا مصدومیتی نداشته ؟ نه فقط یه مقدار تب داشت.

– ولی به ما خبر رسیده که ایشان با زخمی که زیر بغلش ایجاد شده دچار عفونت گردیده؟ نه،زخم نبوده ،عرق سوز بوده که با دارو رفع گردیده وزخمش هم عفونی نبوده.

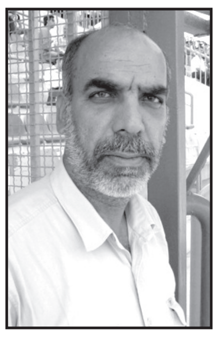
– بهتر نبود این مسله را با آقای کللی فرد درمیان می گذاشتید؟ بیماری او در حدی نبود که به سر مربی اطلاع داده شود. مسله حادی نبود و همه چیز حل شد.

– آیا ساندی در برابر تراکتور سازی می تواند بازی کند؟ بله او مشکلی ندارد.

درد دل های یک پیشکسوت فوتبال با سرمربی شاهین پارس جنوبی بوشهر :

حق بوشهری ها در کجا قرار دارد؟

به قلم و زبان مجید مشایخ



به نام خدا و با سلام خدمت خادمان ورزش استان بوشهر، یک راست می روم سر اصل مطلب، چندی پیش شنیدم که آقای حمید کللی فرد سرمربی تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی بوشهر که خود را برای حضور در مسابقات فوتبال لیگ برتر ایران آماده می کند، اظهار داشته: "جوانان بوشهری در حد لیگ برتر نیستند!"

باید از کللی فرد سوال کنم آیا زمانی که خودش از بوشهر برای ادامه و پیشرفت فوتبالش به ولایتی دیگر رفت، آن زمان ایشان بچه بوشهر نبودند؟ زمانی که جناب دکتر رضوی، کللی فرد را مسئول این کار کرد، اعلام نمود این تیم حق بچه های بوشهر است. آیا دکتر رضوی هم اشتباه کرد که از حق بچه های بوشهر دفاع کرد؟ حال ما نمی دانیم حق بوشهری ها در کجا قرار دارد؟ وقتی یک بوشهری نمی تواند از حق بوشهری ها دفاع کند از غیربوشهری ها چه انتظاری خواهیم داشت؟

به نظر بنده اگر یک مربی غیربومی مربی شاهین می شد مطمئنا حداقل ۲۰ جوان بوشهری در تیم کنونی شاهین جای می داد و شاید ۱۱ الی ۱۵ بازیکن غیربومی به شهر می آورد و این امر باعث رشد فوتبال بوشهر و تضمین آینده فوتبال این خطه می گردید. زمانی می گفتند قرار است کللی فرد دستیار اکبر میثاقیان در یکی از تیم های لیگ برتر شود. همه ما دلمان خوش بود که یک بوشهری باعث پیشرفت چند جوان بوشهری خواهد شد... ولی حالا که خود کللی فرد به عنوان سرمربی انتخاب شده، جایگاه بوشهری ها کجاست؟

مطمئن باشید در آینده همه چیز مشخص خواهد شد که چه بازیکنانی بامحتوا هستند و چه بازیکنانی برای پول به شاهین آمدند. متأسفانه برای غریبه ها حاضرند همه چیز بدهند ولی برای خود بوشهری نه.

آشتی کنان عبدالله زاده و رئیسی نژاد در حضور میگلی نژاد و وردیانی

در جلسه ای که بین هیئت رئیسه تیم فوتبال شاهین پارس جنوبی بوشهر، عبدالله زاده،دوانی،رئیسی نژاد،گزی و با حضور میگلی نژاد نماینده بوشهر گناوه دیلم و وردیانی برای بررسی مشکلات تیم شاهین تشکیل شده بود مراسم آشتی کنان عبدالله زاده با رئیسی نژاد هم برگزار شد و هیئت رئیسه برای حضور منسجم تر در لیگ هم رای شدند.

در این جلسه میگلی نژاد قول داد صدور حکم هیات رئیسه و رئیس این هیات را پیگیری کند و جهت پرداخت به موقع مطالبات این تیم پیگیری های لازم صورت دهد و همچنین مقرر شد ۱۰ درصد از مطالبات بازیکنان به آنها پرداخت شود. پس از این جلسه نیز اعضاء هیات رئیسه به همراه میگلی نژاد و وردیانی در محل تمرین تیم شاهین حضور یافتند و با بازیکنان و کادر فنی تیم دیدار کردند.

درگذشت یکی از هواداران شاهین



در هفته گذشته یکی دیگر از علاقمندان و طرفداران شاهین بوشهر در هنگام تمرین فوتبال در پایگاه هوایی بوشهر به علت سکته، درگذشت. او بوشهری نبود ولی به دلیل اشتغال به خدمت و علاقه به فوتبال به نوعی بوشهری و شاهینی بود و در هنگام مسابقات لیگ دسته اول با علاقه وافر نتایج مسابقات شاهین را دنبال می کرد. وی قبل از فوت اظهار می داشت که تمامی دوستان و اقوام را برای تشویق شاهین بوشهر در لیگ برتر را به استادیوم می آورد و خیلی دوست داشت که بازی شاهین با ملوان را از نزدیک مشاهده نماید که عمرش کفاف نداد.

درگذشت سروان مجید زارعی را به جامعه ورزشی و خانواده محترمش تسلیت می گوییم.

پاسخ رئیس هیئت فوتبال بوشهر به مقاله «میهمان نوازی افراطی هیئت فوتبال»:

فرهنگ میهمان نوازی را به هواداران فوتبال توصیه نمایید



مدیر محترم نشریه نسیم جنوب

سلام علیکم ، با عرض خسته نباشید به همه عزیزان عرصه مطبوعات خواهشمند است متن زیر را در پاسخ به مطلب میهمان نوازی افراطی هیئت فوتبال در همان صفحه و با همان تیتر درج نمایید تا انشاءالله مسایل روشن و اذهان عمومی در جریان قضیه قرار گیرد.

اول: از بذل محبت نگارنده مطلب آقای علی اسماعیلی هم از بابت قدردانی و هم توجه جدی به مسایل تشکر می نمایم.

دوم: شما خوب می دانید که تعمیرات و ساخت و سازها و تأمین تجهیزات ورزشگاه ها از محل اعتبارات اداره کل تربیت بدنی تأمین و اجرا می شود و به دلیل مشکلات مالی موجود در هر دستگاه دولتی از تاریخ ۸۷/۱۲/۱۵ تا اجرای تعمیرات، هیچ اعتباری در اختیار اداره کل تربیت بدنی نبوده ولی با صعود تیم به لیگ برتر این اتفاق میمون باعث شد که مقامات ارشد استان به ویژه استاندار محترم به طور جدی این مطلب را مورد توجه و عملیاتی نماید که اولین اقدام ما انعقاد قرارداد با شرکت سازنده دکل های جدید نور در تهران بوده که خوشبختانه عیلرغم عدم پرداخت ۶۰ درصد درخواستی به آن شرکت، حداقل ۷۰ درصد کار تأمین نور به انجام رسیده و همه ما به این امر واقف بوده ایم که برای بازی اول و یا دوم امکان نصب دکل ها وجود ندارد و نماینده سازمان لیگ حرفه ای هم از کلیه امکانات ورزشگاه بازدید نموده و با توجه به موارد بالا، ساعت بازی اول را ۱۸ و بازی دوم را ۱۷/۴۵ دقیقه تعیین نموده اند. البته خدای را شاکریم که اتفاقی که باعث توقف غیرمتعارف بازی گردد پیش نیامد.

سوم: صندلی ها به دلیل عدم مرغوبیت – فرسودگی و شکستگی بیش از ۵۰ درصد اصلا قابل تعویض و تعمیر نبود و زمان به ما اجازه نمی داد که صندلی های جدید خریداری و نصب شود در حالی که اعتباری هم جهت توسعه ورزشگاه وجود نداشت. در ضمن نظرخواهی های ما برچیده شدن صندلی ها به دلیل عدیده توصیه می نمود. البته این نظر که وجود صندلی صورت دیگری دارد و گامی به جلو محسوب می شود نظر قابل قبولی است.

چهارم: اگر قدری بیشتر تحقیق و بررسی شود مقررات و آیین نامه های لیگ های مختلف و به ویژه لیگ حرفه ای اظهار می دارد و تأکید می کند ۱۰ درصد سهمیه در هر ورزشگاهی بایستی به تیم میهمان داده شود حتی اگر تماشاگر هم نداشته باشند بایستی آن بخش خالی باشد. البته تأکید بر این است که این محل در پشت نیمکت ذخیره تیم میهمان باشد. اگر توجه فرموده باشید در بازی برگشت پلی اف بین شاهین پارس جنوبی بوشهر وشهرداری تبریز همین اتفاق افتاد و تبریزی ها پشت نیمکت ذخیره تیم خودی نشستند و در تبریز هم تماشاگران شاهین پارس جنوبی بوشهر پشت سر تیم بوشهری جای گرفتند. حال این مطلب که اگر تماشاگری از تیم میهمان وجود نداشته باشد چرا باید آن قسمت خالی بماند هم روی آن بحث داریم و تلاش کرده ایم این فرصت از دست تماشاگران بوشهری خارج نشود ولی به هیچ عنوان توضیحات موثر واقع نشده و به دلیل شدت عمل و جدی بودن سازمان لیگ حرفه ای در مورد مسایل مربوط به تیم ها و تماشاگران این خواسته عملی نشده است. نرده های حایل طبق صورت جلسه بایستی توسط پلیس پوشش داده شود تا تلاقی بین تماشاگران خودی و حریف پیش نیاید. اگر در اصفهان یک نفر کار زشت و غیرانسانی انجام می دهد یا اگر حادثه بدی در جای دیگری اتفاق می افتد نباید مقررات را مقصر دانست بلکه باید تماشاگران ما آن قدر از صعه صدر و حسن نوع دوستی برخوردار باشند که حتی مخالفان خود راهم در کنار خود بپذیرند. شما عزیزان محبت کنید و فرهنگ حسن هم جواری و میهمان نوازی را به هواداران فوتبال توصیه و توجیه نمایید به هر حال ما معتقدیم هنوز نواقصی هست. اجازه بدهید انشاءالله تیم به آسیا برود و آن وقت اتفاقاتی خواهد افتاد که در حد و اندازه و شخصیت ورزش فوتبال کشور و این استان خواهد بود.

محمد دوانی رییس هیئت فوتبال استان بوشهر

هفته نامه سیاسی ، فرهنگی ، اقتصادی ، ورزشی

نسیم جنوب

- صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
- مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
- مدیر گرافیک : میثم قیصی زاده
- نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه جانبازان
- دفتر هفته نامه نسیم جنوب
- تلفن: ۲۵۲۵۹۰۰ فاکس و پیامگیر: ۲۵۲۸۱۵۱
- ایمیل: info@nasimjonoub.com صندوق پستی: ۱۱۹۹
- لیتوگرافی و چاپ: علوی بوشهر ۲۵۲۷۷۹۷





شاهین باخت چون حرفه ای گری بلد نبود

سایپاه کرج ۱ شاهین بوشهر صفر

گل: امید شریفی نسب (۵۷)

جمعه هفته گذشته یعنی ۲۳ مرداد ماه سال ۸۸ تیم فوتبال شاهین بوشهر میهمان تیم سایپا در شهر کرج بود. آن هم در یک هوای بسیار مطبوع و دلپذیر، بوشهری ها در برابر تیم حرفه ای و باتجربه سایپا متحمل شکستی شدند که حداقل به گفته گزارشگر اعزامی صدا و سیمای بوشهر به کرج، حقش نبود؟! چیزی که از ۱۲۰۰ کیلومتر به گوش بوشهری ها می رسید این بود که سایپا مزد تجربه اش را گرفت و ما هنوز دنبال رعایت اصولی که در فوتبال فقط حرفش سر زبان هاست (فرپلی) می گردیم. گفته شد که شریفی نسب گل پیروزی بخش سایپا را روی عدم رعایت بازی جوانمردانه (فرپلی) به ثمر رسانده است.

این گفته کاملا درست، ولی سوال این است آیا بازیکن نزدیک به شریفی نسب تا چه حد او را تحت فشار گذاشته بودند؟ آیا از مدیریت لحظه ها کمال استفاده را بردیم؟ در طول ۱۸۰ دقیقه ای که برابر ملوان انزلی و سایپا کرج مبارزه کردیم، دو گل تقریبا شبیه هم دریافت کردیم، یعنی در مقابل ملوان، نظاره گر توپ آلوز بودیم که به بیرون زمین برود که آخرالامر در دروازه مان جای گرفت و در مقابل سایپا منتظر جوانمردی شریفی نسب ماندیم که باز هم توپ به تورمان بوسه زد و سه امتیاز از کف رفت.

در هر دوگل خط دفاعی بد جوری کپ کرد، که این عملکرد در لیگ برتر نمره قبولی نخواهد گرفت. سایپا روی کاغذ و روی نوشته های ثبت نتایج لیگ تیم برنده اعلام گردید. با توجه به این که شاهین در اوقاتی با دو مهاجم به دروازه سایپا حمله می کرد که راه گل زنی به شاهینی ها روی خوش نشان نداده حال اگر در گل زنی مشکل داریم لااقل مفت گل نخوریم، آن هم گل هایی که تقریبا شبیه هم باشد. با توجه به این که مسئولین پرتلاشی که در کنار تیم شاهین حضور دارند شایسته است به آن ها به خصوص خط دفاعی گوشزد نمایند که بیش از این مواظب باشند. با همه این تفاصیل شاهین در اول راه است و اولین تجربه در لیگ برتر زیاد نمی شود از این تیم خرده گرفت. امید است شخصیت واقعی شاهین که بوشهری ها آن را دوست دارند به زودی پوست بیاندازد و در کوتاه ترین زمان مدیریت لحظه ها و زمان را آموزش دیده و عمل نمایند. به امید پیروزی مقابل حریف همیشه پر حاشیه مان تراکتورسازی.



کللی فرد سرمربی شاهین بوشهر:

مردم بوشهر باید صبور باشند، تیم شاهین در ابتدای راه لیگ برتر است

روی نقاط ضعف و قوت تراکتور کار کرده ایم



– مثل اینکه بازیکنان شاهین در مقابل تیم سایپا، بازی پایاپای را انجام دادند؟

– بله، بچه ها بد بازی نکردند، اما متاسفانه روی یک عمل نا جوانمردانه بازی را واگذار کردیم.

– بجز عدم رعایت فرپلی از سوی زننده گل (شریفی نسب)، داور بازی هم روی نتیجه تاثیر گذار بود؟

– بله، درست قبل اینکه گل را دریافت کنیم یکی از بازیکنان سایپا روی ساندی خطای آشکار انجام داد که قاضی میدان بسادگی از این خطا گذشت، پس از رسیدن این که توپ به بازیکن سایپا همه فریاد زدند فرپلی فرپلی، که متاسفانه شریفی نسب این عمل انسان دوستانه را انجام نداد و با شوتی از فاصله ۲۵ متری دروازه ما را باز کرد.

– شما تا اینجای کار دو گلی که دریافت کردید تقریبا به یک سبک بوده که نشان از آن است که خط دفاعی شما خیلی اماتور با این قضایا برخورد میکند و میبایست حرفه ای تر به این مسایل توجه داشته باشند. آیا قبول دارید تا داور سوت توقف بازی را به صدا در نیاورده، بازیکنان ما بخصوص مردان نزدیک به سنگر شاهین نباید فضای مانور را به حریف بدهند؟

– بله قبول دارم، بازیکنان ما باید روی این مسائل هوشیار می بودند، انشا ا... در بازی های آینده مواظب خواهند بود که اشتباهات این چنینی را انجام ندهند.

– از دو تغییری که در دفاع میانی (هوشیار بجای حق شناس) و در خط میانی (عبدی بجای امیر حسین محمدی) انجام دادی رضایت داشتید؟

– بله تقریبا خوب بودند.

– چرا خط میانی تان عملکرد خوبی از خود نشان نداد؟

– به دلیل کم تجربه گی در بازی های بیرون خانه وعدم تجربه کافی در لیگ برتر.

– بچه ها از لحا ظ بدنی کم نیاوردند؟

– نه خیر، آنها نود دقیقه خوب دوندگی کردند.

– با اینکه ساندی یکی ازمهرهای کلیدی خط میانی شماست، چرا او را در دقیقه ۶۵ از زمین بازی بیرون کشیدید؟

– او قبل بازی مصدوم بود واین موضوع رابه من اطلاع نداده بود ولی خودش می گفت با پزشک تیم در میان گذاشته ام.

– دراین رابطه با پزشک تیم (اقای رحیم زیرک) صحبت نکردید؟

– چرا ،ایشان هم گفت به ساندی دارو دادم.

– علت مصدومیت ساندی چه بوده؟

– مثل اینکه یک هفته قبل زیر بغل او زخمی ایجاد شده بود که متاسفانه زخمش عفونی شده.

– به بازی با تراکتورسازی می رسد؟

– باید دید وضعیتش چگونه خواهد شد.

– سایپا در برابر شما با سه روش بازی کرد ،اول با روش ۲-۵-۳ بعد ۲-۴-۴ و در پایان ۱-۶-۳ ، آیا این تغییر آهنگ ها برای مهار بازیکنان شما در طول ۹۰ دقیقه بوده؟

– چه کسی گفته که سایپا با این روشها مقابل ما بازی کرده؟

– کارشناس فوتبال که از سوی مدیرعامل شاهین به کرج اعزام شده بود در گزارشات خود این مسئله را مطرح کرد.

– من نمی دانم که آنها از طریق رادیو چه گزارشی را برای مردم پخش کرده اند. سایپا با یک روش آنهم ۲-۴-۴ با ما بازی کرد که بعضی اوقات با نفرات بیشتری در دفاع حاضر میشدند. به نظر من اگر قرار باشد کسی فوتبال را گزارش کند میبایست هم مربی باشد هم سواد آن را داشته باشد.

– در برابر تراکتور سازی تیمی که بوشهری ها حساسیت خاصی روی این تیم دارند،سه امتیاز را کسب خواهید کرد؟

– امروز بازی تراکتور را با ذوب آهن اصفهان مشاهده خواهم کرد و روی نقاط ضعف وقوت آنها کار خواهیم نمود امیدوارم که در ان روز بوشهری ها را خوشحال نماییم.

– حرف پایانی کللی فرد با بوشهری ها؟

– مردم خوب بوشهر باید صبور باشند، تیم شاهین در ابتدای راه لیگ برتر است، انشاا... در هفته های آتی البته با حمایت مردم خونگرم بوشهرنتایج خوبی را کسب خواهیم کرد. در ضمن از همه بوشهری های که از بوشهر به کرج امده بودند تا شاهین را حمایت کنند بسیار سپاسگزارم.

عبدالمحمد فروزانی قائم مقام باشگاه ایرانجوان بوشهر:

دسته اولی شدن ایرانجوان را حتمی بدانید



– جناب فروزانی مسئله خریداری امتیاز تیم فوتبال مرصاد شیراز به کجا رسید، گویا همه مراحل خرید انجام شده و شما در لیگ دسته اول جام آزادگان حضور خواهید داشت؟

– باید عرض کنم که پیش نویس قرارداد انتقال مسئله تیم مرصاد شیراز به ایرانجوان بوشهر مراحل پایانی خود را سپری می کند و انشاالله این هفته به اتمام می رسد.

– این طور که در محافل ورزشی گفته می شود مسئله دسته اولی شدن ایرانجوان حتمی است؟

– بله شما این مسئله را حتمی بدانید. عرض کنم که بنده به اتفاق آقایان گودرز خرمزی، حاج مجید رجبی و اگر وقت داشته باشند جناب فرماندار بوشهر به شیراز خواهیم رفت تا در محضر امضای نهایی را به اتفاق طرف شیرازی مان (سرهنگ کمالی) انجام دهیم.

– مبلغ قرارداد چه قدر خواهد بود؟

– حدود ۴۵۰ میلیون تومان.

– گویا هیئت فوتبال شیراز هم در این بین درخواست پول کرده است؟

– بله در این بین می بایست ۲۰ درصد به هیئت فوتبال شیراز پرداخت گردد که سهم ماه ۱۰ درصد خواهد بود.

– چه طور شد که شیرازی ها سهمیه لیگ دسته اولی خودشان را به شما دادند، با توجه به این که در شیراز خبرهایی به گوش می رسید که قرار است امتیاز مرصاد شیراز به شهر مرودشت داده شود؟

– درست است اول قرار بود اگر کسی یا شهرستانی در استان فارس خواهان سهمیه تیم مرصاد باشد و درخصوص مبلغ فی مابین توافق نمایند این انتقال در استان فارس صورت می گیرد، که ما پس از رایزنی های زیادی که انجام دادیم و پیدا نشدن خریدار در استان فارس، سهمیه تیم مرصاد را خریداری کردیم.

– با وجود مبالغ زیادی که شما به بازیکنان در سال گذشته و چند سال قبل بدهکار هستید، مبلغ ۴۵۰ میلیون تومان از کجا تأمین شد؟

– باور کنید نمی دانم، فقط این را بگویم که به وسیله فرماندار بوشهر انجام شد که احتمال می دهم از محل دولتی باشد.

– تا به امروز پولی به شیرازی ها پرداخت شده ست؟

– خیر، قرار است بعد از انتقال این مسئله صورت گیرد که حدود ۴۰ روز آینده خواهد بود.

– به احتمال زیاد مسابقات دسته اول جام آزادگان در آبان ماه استارت خواهد خورد، برای این که زمان را از دست ندهید و خیلی مقتدر در مسابقات شرکت کنید، آیا فکری برای هدایت فنی تیم و بازیکنان جدید و قابل کرده اید؟

– بله در حال حاضر روی مربیانی مثل محمد عباسی، شکاری (مربی مرصاد) جلال طالبی و ... نظر داریم که در آینده نزدیک بهترین تصمیم را برای سرمربیگری ایرنجوان خواهیم گرفت.

– درخصوص بازیکن چه؟

– به طبع تعدادی از بازیکنان سال قبل که خوب بودند را نگه می داریم و زمان فراخوان را اعلام خواهیم کرد که سرمربی، تست گیری خود را انجام دهد. البته چند بازیکن تیم مرصاد با این قرارداد دارند که در صورت تأیید سرمربی جدید به تیم ما ملحق خواهند شد وگرنه عذر آن ها خواسته خواهد شد.

– حامی مالی شما در سال جاری کجا خواهد بود، البته خبرهایی به گوش می رسد که پارس شمالی قرار است این حمایت را انجام دهد؟

– سال قبل که نیروگاه اتمی بود، شاید پارس شمالی یا جای دیگری باشد. باور کنید هنوز هیچ چیز مشخص نیست.

قهرمانی تیم الهلال در مسابقات جام حذفی فوتبال جزیره شیف



تیم الهلال جزیره شیف در بازی فینال با شکست العین در ضربات پنالتی برای سومین بار، جام قهرمانی این بازی ها بالای سر برد.

در این بازی ابتدا تیم العین با گلزنی بازیکن خوب خود بهمنیار فلاحیه پیش افتاد اما در ادامه بازی این تیم الهلال بود که با ارایه بازی هجومی توانست توسط عبدالقادر شهابی بازی را به تساوی بکشاند و در نهایت با نتیجه ۳ – ۴ در ضربات پنالتی پیروز این میدان شود و جالم قهرمانی را به ویترین افتخارات خود اضافه کند.

پیشکسوتان شاهین بوشهر برای موفقیت تیم محبوبشان در لیگ برتر سخن می گویند:

مشکل شاهین عدم گلزنی است



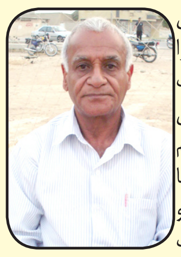
علی دشتیاری زاده: به عقیده بنده تیم شاهین در بازی اول برابر ملوان بد بازی نکرد و آن طور که از رادیو گوش دادیم در برابر سایپا هم عملکرد بدی نداشته، اما مشکلی که در تیم شاهین به چشم می خورد عدم گلزنی است که سرمربی باید در این خصوص تغییر آهنگ دهد. سوال من از آقای کللی فرد این است که چرا با نفرات زیاد پشت ۱۸ قدم حریف حاضر می شویم ولی کارایی در امر گل زنی بسیار ضعیف است. اگر می توانند مهاجمی طراز اول به خدمت بگیرند و اگر نه روی تمرینات گلزنی بیشتر کار کنند. مساوی در خانه و باخت در بیرون عواقب خوبی ندارد. خیلی سخت است بعد از سال ها به لیگ برتر آمدیم و با نتیجه بد بخواهیم به عقب برگردیم.

باید ترس به اندام حریفان بیافتد



محمدحسن ماهینی: این طور که شنیدم شاهین در کرج مقابل سایپا خوب بازی کرده و روی یک اتفاق گل دریافت نموده، هر بازی ای که تمام می شود باید از آن درس بگیریم، باید به فکر آینده باشیم و همه ما بوشهری ها دست به دست هم دهیم تا شاهین در لیگ برتر سر بلند بماند، امیدوارم سرمربی شاهین تمام تلاش خود را به کار بگیرد تا شاهین به اوج برسد. ما در بازی های خانگی باید فضای استادیوم بوشهر را به گونه ای کنیم که ترس به اندام حریفان شاهین بیافتد . انشاءالله که از این به بعد شاهد بازی های خوبی از شاهین خواهیم بود.

با روش موجود با مشکل مواجه خواهیم شد



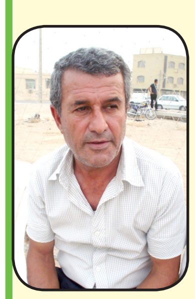
عبدالحسین خواجه ئیان: به نظر من سرمربی شاهین باید سیستم تیم را تغییر دهد و با دو مهاجم به طرف دروازه حریفان حمله کند، با روش موجود با مشکل مواجه خواهیم شد. حداقل در باز یهای خانگی با دو مهاجم بازی کنیم، وقتی با دو مهاجم بازی کنیم خط دفاعی حریف اشتباهاتش بیشتر می شود و مردان خط میدانی مان نفس بیشتری می گیرند. متأسفانه شوت های ناگهانی که در دنیا کارساز است و گره گشاست در تیم شاهین دیده نمی شود. دوست ندارم تیمی در بوشهر با امتیاز از استان مان خارج شود.

مشکل فنی شاهین حل شود



حیدر عبدالله زاده: باخت مقابل تیم سایپا در کرج طبیعی بود، چون سایپا میزبان بود، حرفه ای تر از ما بود و هوای کرج هم با آن ها سازگاری داشت. باید مسئولین تیم، بچه ها را به حالت اولیه و با نشاط برگردانند و از لحاظ روحی و حل مسئله مالی فوتبالیست های شاهین را شارژ نمایند. اگر این کار صورت گیرد قطعا در برابر تراکتورسازی بازی خوبی را شاهد خواهیم بود. امید است مشکل فنی شاهین که همان عدم گلزنی و ناهماهنگی در خط دفاعی است به زودی حل شود. البته با شناختی که از آقای کللی فرد داریم خیلی زود این مشکل حل خواهد شد.

کادر فنی باید جرأت به خرج بدهد



بهادر مصری: وقتی که مشاهده می کنیم تیم های قدیمی ایران مثل پرسپولیس تهران آن قدر به پیشکسوتان خود احترام می گذارد و با آن ها مشورت می کنند واقعا لذت می برم. ای کاش در بوشهر هم چنین چیزی دیده می شد. وقتی که با ما هم فکری نمی شود در خصوص تیم شاهین چه بگویم چرا نباید چهار جوان بوشهری در این تیم باشد؟ به نظر شما اگر خدای ناکرده شاهین اوت شد به جز بوشهری ها چه کسانی جور شاهین را خواهند کشید. قبول داشته باشید با این کار آینده فوتبال بوشهر و شاهین نابود می شود. کلام آخر این است که کادر فنی باید جرأت به خرج بدهد و در زمین خودمان با تعداد نفرات بیشتر به دروازه حریف یورش ببرند. در غیر این صورت سرمایه های اصلی باشگاه (تماشاگران) با شما قهر خواهند کرد و شما شرمنده آن ها خواهید شد.

شاهین علیرغم شکست، بازهم تشویق شد



فرزان اسدی- کرج

مکان : ورزشگاه انقلاب کرج

ساعت ۱۷:۴۵ دقیقه: درب ورودی جایگاه میهمان که به تماشاگران شاهین بوشهر اختصاص داده شده بود بسته شده بود و جواب اعتراض شاهینی هایی که جهت تماشا آمده بودند فقط این بود: «جایگاه پر است بروید در نقاط دیگر ورزشگاه». در صورتی که صندلی هایی در همین جایگاه خالی بود.تعداد طرفداران شاهین از طرفداران سایپا بیشتر بود و تعدادی که آنها را به جایگاه میهمان راه نداده بودند، پس از قرار گرفتن در روبروی جایگاه، رفته رفته بر تعدادشان افزوده شد به گونه ای که تشویق های رو به رو را با جایگاه طرفداران شاهین انجام می دادند.

شاهین بازی بسیار منطقی و خوبی را شروع نموده بود و در اکثر مواقع بازی توپ و میدان در اختیار شاهینی ها بود، پاس کاری های دقیق و بدون عیب بخصوص در نیمه اول بازی بازیکنان سایپا را خسته کرده بود.شاهین بازی خود را هجومی شروع نمود و در اکثر مواقع در زمین سایپا حضوری فعال داشتند و این بازی هجومی باعث شده بود که سایپایی ها کمتر به حمله فکر کنند.

نیمه دوم بازی را شاهین با حمله آغاز کرد، ولی در دقیقه ۵۸ بازی شریفی نسب توانست بر خلاف جریان بازی، یک گل برای سایپا به ارمغان بیاورد.

عدم حضور جمال حق شناس مدافع شاهین در این بازی بسیار مشهود بود.

میانه زمین با بازی روان و زیبای ساندی، در اختیار شاهین بود که این موضوع با تعویض ساندی، عملاً از بین رفت و میانه میدان به دست سایپایی ها افتاد.

شاهینی ها در این مسابقه، بازی بسیار خوب و روانی را از خود به نمایش گذاشتند و در صورتی که تعویض ها منطقی تر صورت می گرفت، ممکن بود نتیجه ای غیر از این برای شاهین رقم می خورد، چرا که بهادر عبدی و ساندی از بهترین بازیکنان شاهین دراین بازی بودند که تعویض شدند.تشویق های بی امان طرفداران پر شمار شاهین، مجال تشویق را از طرفداران تیم مقابل گرفته بود.حسن غلامی بازیگر طنز شبکه استانی بوشهر یکی از لیدرهای تشویق در جایگاه روبروی جایگاه میهمان بود که به خوبی تماشاگران را به تشویق شاهین وادار می نمود.

گفته می شد که مایلی کهن علیرغم محرومیت، به روی نیمکت نشسته و بازیکنان خود را هدایت می نمود و به احترام حضور شاهین (با توجه به حضور خود وی در سال های دور در تیم شاهین تهران) در میدان، تا پایان بازی از روی نیمکت بلند نشد و دستیارانش تیم را از کنار زمین راهنمایی می کردند.در دقایق پایانی و وقت های اضافه توپ برگشتی از روی دروازه سایپا را رضای بازیاری با ضربه ای بسیار محکم به بالای دروازه زد که آه از نهان طرفداران شاهین بلند شد، چرا که گل کردن این توپ راحت تر از بیرون فرستادن آن بود. شاهین در این بازی علیرغم شکست، باز هم از سوی تعدادی از طرفداران به دلیل بازی خوب و روان مورد تشویق قرار گرفت.نکته تاسف انگیز درباره تنها گل این مسابقه اینکه، بعد از خطایی که نزدیکی های خط میانی زمین به روی بازیکن شاهین صورت گرفت، بازیکنان سایپا بازی جوانمردانه را انجام نداده و توپ را به بیرون از زمین نفرستادند تا این توپ را شریفی نسب به تک گل این بازی تبدیل نماید.

وظیفه پارس جنوبی در قبال شاهین

چک سفید امضاء برای شاهین!!!



علیرضا محمدی

یکی از نکات تلخی که در دل فوتبال ایران وجود دارد، نابودی برخی تیم های قدیمی به مرور زمان است. چنان چه از مسابقات لیگ آزادگان در دهه ۷۰ تیم هایی بودند که امروز وجود خارجی ندارند. تیم هایی مثل بانک ملی کشاورز، بهمن تهران، استقلال رشت، چوکای انزلی و ... و اما از بین تیم های حاضر در لیگ حرفه ای طی هشت سال گذشته هم شاهد نابودی چنین تیم هایی بوده ایم. تیم هایی مثل فجر سپاسی شیراز (که مقاومت سپاسی شد) پگاه گیلان (که تبدیل به داماش شد) از منظر دیگر دو تیم باسابقه و پرقدمت فوتبال ایران شاهین بوشهر و تراکتورسازی تبریز به لیگ برتر راه یافتند، تیم هایی که علاوه بر جذب مخاطب و تماشاچی در شهر خود با سال ها سازندگی و عرضه فوتبالیست هایی نام آور به فوتبال ملی در شاهین محمود ابراهیم زاده، اصغر کامیاب و ... در تراکتورسازی کریم باقری و ... نوید روزهای خوش برای هواداران و عاشقان این تیم هاست.

امروزه در سطح اول فوتبال جهان نیز برای جذب مخاطب و هوادار به تیم مربوطه، هزینه های زیادی انجام می شود. از خریدهای گران قیمت رئال مادرید با جذب فوق ستاره های امروزی فوتبال جهان کاکا و رونالدو تا پیش پرداخت ۱۰۰ هزار یورویی باشگاه منچستر سیتی برای جذب لیونل مسی که مالک باشگاه انگلیسی چک سفید امضایی به مدیر برنامه های لیونل مسی می دهد و از او خواهش می کند در اولین فرصت فوق ستاره بارسلون را به تیم اش جذب کند.

اما خبرهایی که از منطقه ویژه پارس جنوبی بوشهر به گوش می رسد چندان خوشایند ورزشی ها خصوصا مردم بوشهر نیست؟! مدیرعامل جدید آقای سوری اظهار نظری واضح در خصوص حمایت از فوتبال نکرده و تنها مشاورش با بیان این که برای پشتیبانی مالی تیم شاهین تعهدی ندارد! نگران طرفداران پرشمار شاهین از نحوه حمایت مجموعه پارس را دو چندان کرده است. حال پرسش از مشاور محترم مدیر عامل این است که: شما که دم از قانون و قانون محوری می زنید چه قدر درخصوص قانون ۵۰ درصدی نیروی بومی در منطقه پارس جنوبی اقدام نموده اید و آیا عدم حضور ۵۰ درصدی نیروهای تحصیل کرده بومی در آن جا نقض قانون نیست؟!

از آن جا که پارس جنوبی بوشهر در استان بوشهر حضور دارد، حق طبیعی مردم بوشهر است که از درآمد حاصله از شهرستان حتی یک درصد بهره برداری نمایند و به نظر می رسد مدیران پارس جنوبی می توانند پیش از گذشته دین خود را به مردم استان بوشهر در حمایت از ورزش استان ادا نمایند. می بینیم که منطقه آزاد انزلی پس از اعلام منطقه آزاد، حمایت شش میلیاردی خود را از تیم ملوان انزلی رسما اعلام می کنند و این گونه حق مردم را در استفاده از چنین امکاناتی فراهم می آورد. حال در سرآغاز فصلی جدید برای ورزش و فوتبال بوشهر به نظر می رسد حمایت پارس جنوبی از تیم شاهین بیشتر به یک وظیفه می ماند تا کمک و خوشبختانه امام جمعه بوشهر، استاندار، نمایندگان و فرماندار همگی پیگیر وصول چنین مطالبات به حقی برای مردم و فوتبال بوشهر هستند.